

رشد

آموزش جغرافیا

۱۵

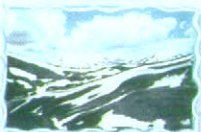
آموزشی ، تحلیلی ، اطلاع رسانی

دوره ی بیست و سوم ، شماره ی ۲ ، زمستان ۱۳۸۷
پها: ۴۰۰۰۰ ریال www.roshdmag.ir

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
مجله رشد



بهرافای استان آذربایجان شرقی



مقره الشعرا در تبریز

استان آذربایجان شرقی با ششمین روستا و خدادادی و میراث فرهنگی غنی اسلامی - ایرانی، مهد پرورش انسان‌های شجاع و فریخته‌ی است که در تاریخ و دین ایران اوگرا بوده‌اند. به‌منظور پاس‌داشتن ارزش‌ها و با یاد مرقه الشعرا آریا است که مدفن بزرگان هد چون خاقانی، اسدی طوسی، شهریار و ...

کتاب: ۹۶۴-۰۵-۰۸۱۲-۳
ISBN 964-05-0812-3

۲۳۷/۲

۱۳۸۷

قیمت در تمام کشور: ۲۹۰۰ ریال

بهرافای استان خوزستان



مسجد جامع خرمسهر

مسجد جامع خرمسهر مهمه ترین بناهای است که نماد استقامت و عبادتی ملت ایران از برای نهاده رزبه همی عراق در هشت سال دفاع مقدس است

کتاب: ۹۶۴-۰۵-۰۷۹۰-۱
ISBN 964-05-0790-1

۲۳۷/۵

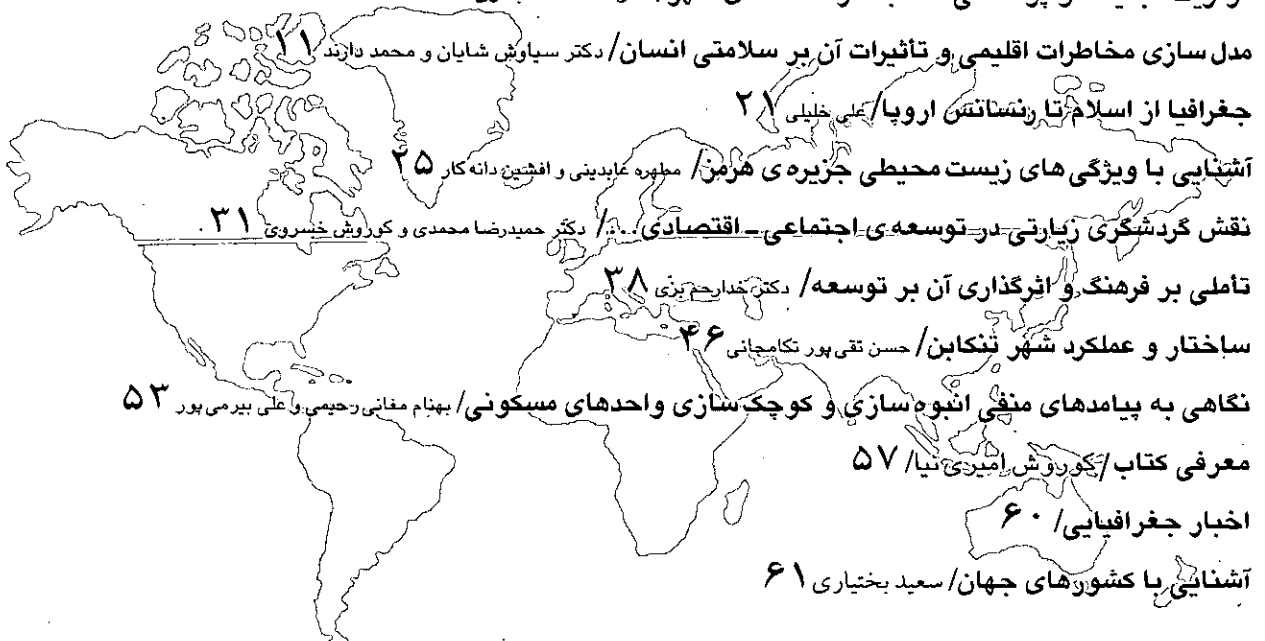
۱۳۸۷

قیمت در تمام کشور: ۳۴۰۰ ریال



سخن سردبیر / ۲

مرکزیت، جایگاه و پراکندگی مساجد در محله های شهر / اشرف السادات باقری ۴



۱/ مدل سازی مخاطرات اقلیمی و تأثیرات آن بر سلامتی انسان / دکتر سیاوش شایان و محمد دارند

۲/ جغرافیا از اسلام تا رنسانس اروپا / علی خلیلی

۳/ آشنایی با ویژگی های زیست محیطی جزیره هرمز / مطهره عابدینی و افشین دانه کار ۲۵

۴/ نقش گردشگری زیارتی در توسعه اجتماعی - اقتصادی / دکتر حمیدرضا محمدی و کوروش خسروی ۳۱

۵/ تأملی بر فرهنگ و اثرگذاری آن بر توسعه / دکتر خدایح بی بی ۳۸

۶/ ساختار و عملکرد شهر ننگابن / حسن تقی پور تکامجانی ۴۶

۷/ نگاهی به پیامدهای منفی انبوه سازی و کوچک سازی واحدهای مسکونی / بهنام مغانی رحیمی و علی بیرمی پور ۵۳

۸/ معرفی کتاب / کوروش امیری نیا / ۵۷

۹/ اخبار جغرافیایی / ۶۰

۱۰/ آشنایی با کشورهای جهان / سعید بختیاری ۶۱

مدیر مسئول ، علیرضا حاجیان زاده ، سردبیر ، دکتر سیاوش شایان ، مدیر داخلی ، دکتر مهدی چوپینه

هیات تحریریه ، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری ، دکتر بهلول علیجانی

دکتر مصطفی مؤمنی ، دکتر یارمحمد بای ، کوروش امیری نیا ، منصور ملک عباسی

دکتر شوکت مقیمی و دکتر ناهید فلاحیان ، ویراستار ، عطاءالله دانشگر ، طراح گرافیک ، علی کریم خانی

چاپ ، شرکت افست (سهامی عام) ، شمارگان ، ۱۶۰۰۰ نسخه

نشانی مجله ، تهران صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۱۵۸۵ ، تلفن دفتر مجله ، ۸۸۸۲۱۱۶۱-۱ ، داخلی ۲۴۴ ، امور مشترکین ، ۸۸۸۲۹۱۸۶

پست الکترونیک ، E-mail: info@roshdmag.ir ، نشانی سایت مجلات رشد ، www.roshdmag.ir

پیام گیر نشریات رشد ، ۸۸۲۰۱۴۸۲-۸۸۸۲۹۲۳۲ ، مدیر مسئول ، ۱۰۲ دفتر مجله ۱۱۳ امور مشترکین ، ۱۱۴

شرایط پذیرش مقاله:

• مجله رشد آموزش جغرافیا حاصل تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت ، بویژه آموزگاران ، دبیران و مدرسان را ، در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد ، می پذیرد .
• مقاله ها باید دارای چکیده ، مقدمه و کلیدواژه باشند .
• مطالب باید یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود .
• شکل قرار گرفتن جدول ها ، نمودارها و تصاویر ضمیمه باید در حاشیه ی مطلب نیز مشخص شود .
• نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول گردد .
• برای ارتقای کیفی چاپ ، اصل نقشه ها و تصاویر ارسال شود و یا کپی های واضح همراه مقاله باشد .
• درج بست الکترونیکی مؤلف یا مترجم مقالات ذیل نام پدیدآورنده ضروری است .

• مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه ی مقاله باشد .
• در متن های ارسالی باید تا حد امکان از معادل های فارسی واژه ها و اصطلاحات

استفاده شود .
• زیرنویس ها و منابع باید کامل و شامل نام اثر ، نام نویسنده ، نام مترجم ، محل نشر ، ناشر ، سال انتشار و شماره ی صفحه ی مورد استفاده باشد .

• مجله در رد ، قبول ، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است .
• آرای مندرج در مقاله ها ، ضرورتاً مبنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤولیت پاسخگویی به پرسش های

خوانندگان ، با خود نویسنده یا مترجم است .
• مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود ، معذور است .



لزوم سنجش دانش جغرافیایی مردم ایران

آموزش مؤثرتر جغرافیا به نسل کنونی که تصمیم گیرندگان آینده و شهروندان ساکن یک منطقه جغرافیایی می شوند انجام داد؟ آیا اهداف آموزش کلان و خرد جغرافیا، نیاز به بازنگری دارند و آیا باید در جهت نیل به اهداف جدید، برنامه‌ی درسی جغرافیای جدیدی طراحی و براساس آن مواد آموزشی مناسبی تهیه شود؟ آیا معلمان و دبیران جغرافیا، بودجه‌ای که صرف آموزش جغرافیا می شود و ساعاتی که برای تدریس جغرافیا اختصاص یافته است در آموزش این علم مؤثر بوده‌اند؟ و چندین سؤال دیگر که همگی را می توان از خلاصه تحلیل هایی که از نظرسنجی مذکور حاصل می شوند، تقریباً پاسخ گفت و یا به پژوهش های بعدی دست زد...

با توجه به یافته های ارزشمندی که از نظرسنجی آموزش جغرافیا و کاربردهای آن در بهبود برنامه های درسی حاصل می شود، به نظر می رسد که در حال حاضر نیز نیاز به نظرسنجی مذکور در کشور ما نیز احساس می گردد. ما باید بدانیم که طی سه دهه ی اخیر چه کرده ایم! باید دریابیم

طی دو دهه ی اخیر، سنجش های متعددی در کشورهای گوناگون از میزان دانش مردم ساکنان این کشورها به عمل آمده است. شاید مهم ترین این سنجش ها، سنجش دانش جغرافیایی ساکنان کشورهای اروپایی، ایالات متحده و ژاپن باشد که در دهه ی ۱۹۸۰ توسط مؤسسه ی معتبر نظرسنجی گالوپ به عمل آمده و نتایج آن در شماره های قبلی فصلنامه رشد آموزش جغرافیا نیز به چاپ رسیده است. در این گونه نظرسنجی ها که معمولاً اتحادیه های جغرافیایی با اسامی مختلف در آن ها مشارکت دارند، نوعی نیازسنجی، اعتباربخشی و آینده نگری در آموزش جغرافیا را مدنظر دارند. طی این نظرسنجی هاست که مشخص می شود آیا آموزش مؤثری از جغرافیا در گذشته به ساکنان یک کشور داده شده است؟ آیا ساکنان یک کشور برداشت و تلقی صحیحی از جهانی که در آن زندگی می کنند، دارند؟ آیا مردم مهارت های جغرافیایی پایه و لازم را برای تشخیص مکان هایی که با آن ها سروکار دارند، کسب کرده اند؟ نقاط ضعف برنامه ی درسی موجود چیست؟ چه کارهایی باید برای



برنامه آموزش جغرافی مان به کجا می رود، آیا صرف بودجه و امکانات، نیروی انسانی و زمان در آموزش جغرافیا به درستی انجام شده و می شود؟ به نظر می رسد که بخشی از این نظرسنجی نیز به سنجش اقتصاد آموزش جغرافیا نیز بازمی گردد. هزاران معلم و دبیر و مربی آموزش جغرافیا در مدارس ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و مراکز تربیت معلم، ده ها هزار ساعت را سالانه صرف آموزش جغرافیا می کنند. فضاهای آموزشی در طی این مدت به آموزش جغرافیا اختصاص می یابد، اتاق های کار جغرافیا، تأسیس و تجهیز می شوند، آموزگاران و دبیران آموزش های ضمن خدمت می بینند و سالانه ده ها هزار جلد کتاب آموزشی جغرافیا و مواد آموزشی جانبی صرف آموزش این رشته از علوم بشری و محیطی می شود. واقعاً کارآیی ما چه قدر است؟ تا چه حد سیستم آموزش جغرافیا موفق بوده است؟ و سؤالات دیگر...

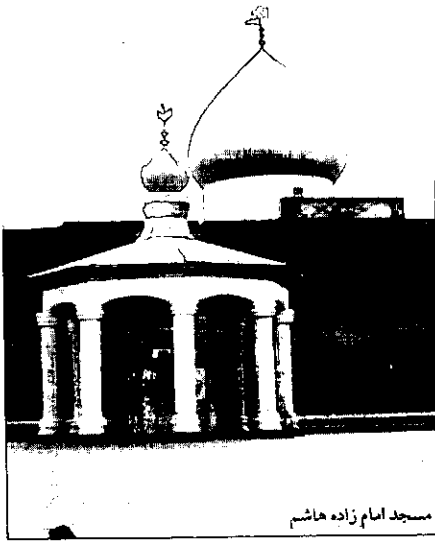
طراحی نظرسنجی و آموزش سنجی علم جغرافیا

نیازمند همراهی و همکاری متخصصان ارزشیابی، انجمن های آموزش جغرافیایی معلمان، انجمن جغرافیایی ایران، برنامه ریزان درسی و اقتصاددانان آموزش و پرورش است. این گونه نظرسنجی ها را می توان برای سایر علوم که در آموزش و پرورش نیز جایی را در جدول مواد درسی به خود اختصاص داده اند انجام داد اما روی سخن ما در فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، آموزش جغرافیاست. طی دو دهه ی اخیر برنامه های درسی جغرافیا در برخی دوره های تحصیلی کشور، بویژه دوره متوسطه تغییر یافته و اکنون ما شاهد نسلی هستیم که از این برنامه ها فارغ التحصیل شده و وارد جامعه گردیده اند. آیا آنان با آموزش جغرافیایی که دیده اند، راحت تر زندگی می کنند؟ در حل مسایل ارتباط انسان با محیط خویش توانا ترند؟ راحت تر و سریع تر و مؤثرتر از نقشه های جغرافیایی، عکس ها، نمودارها، جداول و دیگر مواد آموزشی جغرافیا استفاده می کنند؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، باید در جهت بهبود و به روز کردن دانش ها، ارزش ها و مهارت های جغرافیایی حرکت کنیم و در صورت منفی بودن پاسخ، باید آن بخش هایی از آموزش جغرافیا که نیاز به بازنگری و تقویت دارند، به وسیله برنامه ریزان درسی مورد توجه و عنایت خاص قرار داد و تغییرات لازم در آن ها دیده شود.

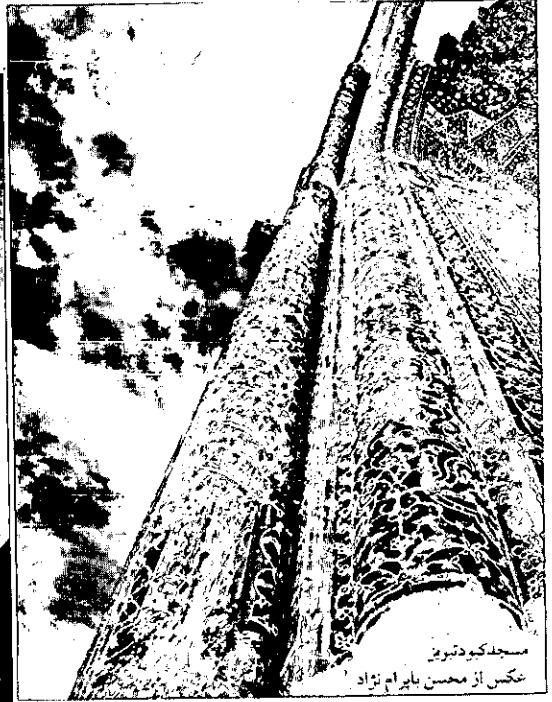
مسلماً انجام نظرسنجی در سطحی وسیع و در مقیاس کشوری، امری دشوار است. توجه به تفاوت فضاهای مختلف جغرافیایی کشور، امکانات آموزشی متفاوت و نیروی انسانی آموزش دهنده از جمله مواردی است که در این نظرسنجی باید مورد توجه قرار گیرد. اما یافته های این نظرسنجی نیز می تواند بسیار ارزشمند و کارآ باشد. نقاط ضعف و قوت مناطق جغرافیایی کشور را در آموزش این علم، روشن می سازد و بسیاری از نابرابری های آموزشی را از جنبه های مختلفی چون توزیع نیروی انسانی و امکانات مادی، اتاق های جغرافیا و دیگر مواد آموزشی جغرافیا واضح می سازد و بسیاری از تحلیل های دیگر را می توان انجام داد، از آن ها درس گرفت، کمر همت به میان بست و برنامه درسی کنونی جغرافیا را تقویت کرد.

یافته های نظرسنجی های گذشته در سایر کشورها، موجب توجه عمیق تر به علم جغرافیا شده است. ده ها و هفته های توجه به آموزش علم جغرافیا در تقویم سالانه آموزشی کشور گنجانده شده است. مسابقات علمی جغرافیایی بین دانش آموزان کشور برگزار شده و انجمن های علمی جغرافیایی فعال تر شده اند و مستقیماً درگیر آموزش معلمان و دبیران شده و برای آنان دوره های بازآموزی یا آموزش ضمن خدمت تشکیل داده اند و ابزارهای آموزشی جغرافیا را در آموزشگاه هایی که جغرافیا در آن ها تدریس می شود تقویت کرده اند و سعی دارند در نظرسنجی بعدی به نتایج بهتری دست یابند چرا که قرن بیست و یکم را قرن آموزش مؤثر جغرافیا به شهروندان نام نهاده اند.

اگر نیازمند شهروندانی هستیم که شهروندان خوب به حساب می آیند، اگر می خواهیم برنامه های مؤثری برای آموزش جغرافیا به این شهروندان عرضه کنیم، اگر اقتصاد آموزش و پرورش برای مان ارزشمند است و می خواهیم عمر دانش آموزان را به باد ندهیم و زحمات برنامه ریزان درسی جغرافیا و بازوان اجرایی آنان یعنی معلمان و دبیران را هدر ندهیم، این نظرسنجی مورد نیاز است و هر چه زودتر باید گروه های کاری برای این نظرسنجی مشخص شده و براساس اهداف آموزش جغرافیا در سطح جهانی و کشوری، سؤالات نظرسنجی مشخص شده، جامعه آماری تعیین گردد و سپس در سطح کشور و براساس مناطق جغرافیایی که گروه های کاری تعیین می کنند، نظرسنجی انجام گیرد و اجرایی گردد. تحلیل یافته های نظرسنجی مذکور امری دقیق، دشوار، زمان بر و نیازمند متخصصانی بی تعصب و علاقه مند به پیشبرد اهداف آموزش و پرورش و علم جغرافیاست. گمان نمی رود در این زمینه کمبودی داشته باشیم. صدها استاد جغرافیا، هزاران معلم و دبیر متخصص جغرافیا با گرایش های علمی گوناگون و برنامه ریزان درسی جغرافیا آماده اند تا این نظرسنجی را سازماندهی و اجرا و تحلیل کنند. شاید یافته های این نظرسنجی، افق های تازه ای را در آموزش این علم در کشور رقم زند.



مسجد امام زاده هاشم



مسجد کیودتوبه
نگین از محسن بایرام نژاد

مرکزیت، جایگاه و پراکندگی مساجد در محله های شهر

اشرف السادات باقری
دکترای جغرافیا از دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

پیامبر (ص) با ساخت مسجد در الگوی توسعه شهری، این سنت را پیش از سایر عناصر شهری، در مرکز جغرافیایی شهر بنیان گذاشت. در تفکر نبوی، می توان توجه خاص به ساخت مسجد را دید. با مرکزیت مسجد، کاربردهای فراوانی برای آن تعریف می شود. اگرچه بیشتر این کاربردها، با توسعه و ساخت مسجد برای هر محله در زمان پیامبر (ص)، به سایر مساجد هم تسری یافت.

مسجد سرچشمه تمدن اسلامی است. اگر به هریک از شهرهای اسلامی بنگریم، مسجد و مجموعه های آن را اساس شهر سازی می یابیم. به عبارت دیگر، در بافت شهر اسلامی، مسجد محور است. در شهرهای اسلامی، بنای مسجد در شکل دهی به شهر و نظام دهی به محلات آن نقش محوری داشته است. محل مسجد جامع که همان مسجد نبوی

است، به طور تقریبی در مرکز مدینه یا به تعبیر رایج، در باطن مدینه انتخاب شد تا مسلمانان بدون زحمت و رنج بتوانند با رسول خدا (ص) در ارتباط باشند. «مسجد النبی» نخستین بنایی بود که با ساختاری جدید، در مرکز شهر مدینه بنا شد. مدینه الگو و نمونه ای از شهرهای اسلامی به شمار می آمده است و جایگاه مسجد جامع در مرکز آن و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می رفته است. اولین نقطه ی شهری که طراحی می شد، مسجد جامع شهر بود و بر محور آن محله های شهری را طراحی می کردند. آن گاه به خیابان ها و گذرها و کوچه ها می پرداختند. جای گیری مسجد در گره گاه شهر، تأثیر متقابل در آرایش سیمای شهر دارد. از یک سو، گره گاه شهر و موقعیت آن در مجموعه مسیرهای آمد و شد، معرف نقطه ی مناسب برای قرار گیری مسجد است و از سوی

دیگر، حضور مسجد در این محل سبب افزایش قوت بصری گره در سیمای شهر می‌شود. مسجد اگرچه به دلیل ویژگی‌های اجتماعی خود، فضایی مردمی و متناسب با محیط است، لیکن نیاز دارد که هم در محیط معرفی و هم در فضای اطراف به عنوان مرکز ثقلی غیر قابل اجتناب شناخته شود. مسجد، محور ارتباط‌ها، مرکز فعالیت‌ها و عامل تشخیص ساکنان محله است. چنین مشخصه‌هایی، مسجد را ملزم می‌سازد که در بافت اطراف خود تأثیری غیر قابل اجتناب بر جای گذارد و در جایی خود متأثر از نیروهای گوناگون عمل کند. این مقاله، به اهمیت موقعیت مکانی و پراکندگی جغرافیایی مساجد پرداخته و بر مبنای پاسخ به سؤالات زیر، تنظیم شده است:

- چه موقعیت مکانی برای مساجد مناسب است؟

- در توزیع و پراکندگی مساجد چه شاخص‌هایی مؤثرند؟

- جایگاه و موقعیت مکانی مطلوب و مناسب مساجد چگونه باید باشد؟

کلید واژه‌ها: مسجد، پراکندگی مساجد، هویت شهر

طرح مسئله

در گذشته، هریک از انواع مساجد کارکرد و حوزه‌ی نفوذ تقریباً معین و مشخصی داشتند، ولی امروزه در برخی نواحی شهری تعداد زیادی مسجد با فاصله‌ای کم از هم قرار گرفته‌اند و در نواحی دیگر، تعداد آن‌ها نسبت به سطح ناحیه و تعداد جمعیت بسیار اندک است. یک نکته‌ی بسیار مهم درباره‌ی کارکردهای مسجد جامع، نقش ارتباطی آن بوده است. معمولاً مسجد جامع را در نقطه‌ای احداث می‌کردند که در مسیر راه‌ها و معابر شهری قرار داشت و گاهی مردم برای کوتاه شدن مسیر حرکت خود از درون صحن آن عبور می‌کردند. این امر سبب می‌شد که مردم به صورت غیر مستقیم با فضای مسجد در تماس باشند. مساجد جامع قدیم در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر، چنین کارکردی داشته‌اند.

امروزه به جز معدودی از مساجد که مرکز تجاری را در بدنه‌ی خود جای داده‌اند و خود در قالب و لاک این واحدها فرو رفته‌اند، کمتر مسجدی را می‌توان پیدا کرد که تداوم و توازن بین خطوط هندسی محور مرکزی آن و خطوط افقی و عمودی بناهای جانبی و مجاور آن مشهود باشد. هویت، خوانایی و معنی دار بودن بنای مسجد، به ویژه عرصه‌های بیرونی آن، در روند ساخت و ساز موجود به تدریج جایگاه ارزشی و عملکردی خود را از دست دادند و کارکردهای غیر ارزشی نظیر مراکز تجاری بر جای آن تکیه زدند.

در انتخاب مکان مسجد، هم تصمیم‌های شخصی و هم عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثرند و مسجد به عنوان یک اثر ممتاز اسلامی، به صورت طبیعی همراه با رشد اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان چون زنجیره‌ای از یک پدیده‌ی جغرافیایی در بخشی عظیم از سطح زمین گسترش یافته است. هدف این مقاله، مطالعه و بررسی عوامل مؤثر در تعیین موقعیت مکانی مساجد و تأثیر این موقعیت در سیما و هویت شهر است که بر اساس روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی با استفاده از منابع و مدارک

موجود انجام گرفته است. در این رابطه، به شاخص‌های مؤثر بر پراکندگی و توزیع جغرافیایی مساجد پرداخته‌ایم و در پایان نتیجه‌گیری کرده‌ایم. موقعیت مکانی مسجد در گذشته

پیامبر (ص) در شهر مدینه، اصول شهرسازی را با ساختن مسجد در مرکز شهر و سپس محلات و مراکز سکونت مهاجرین و سایر افراد به نمایش گذاشت. خصوصیات شهرسازی مدینه، مبتنی بر اصول استانداردی بود که در ساخت سایر شهرهای اسلامی نظیر فسطاط و کوفه نیز از آن‌ها پیروی شد.

در مفهوم امت اسلامی، بر تقویت هم‌بستگی و روابط اجتماعی تأکید می‌شود. به این نکته باید در ترکیب بافت‌های شهری و فضاهای باز و کاربری زمین توجه شود. یک اصل در توجه به مفهوم امت، رعایت تعادل در تعیین الگوی کاربری زمین و توجه به عدالت اجتماعی است. در شهر سنتی اسلامی، هریک از اعضای جامعه می‌توانند به طور مساوی از فضاهای عمومی، مذهبی و تجاری استفاده کنند و هر فردی حق استفاده از این گونه فضاهای را دارد. در واقع، اساس توزیع و تقسیم‌بندی کاربری زمین ابتدا توسط پیامبر (ص) اجرا شد. پیامبر پس از ورودش به مدینه، برای اولین بار، شهر را با ساخت مسجد در مرکز آن سامان‌دهی کرد. سپس به ایجاد یک سوق در نزدیکی مسجد پرداخت و پس از آن، محلات مسکونی را سامان داد. این نوع سنت کاربری زمین که مسجد در مرکز شهر، سوق مجاور آن، و محله‌های مسکونی آن‌ها را احاطه کنند، بعد از مدینه در سایر شهرهای مسلمان‌نشین نیز اجرا شد.

طبق قانون اسلام، دو اصل باید در مکان‌یابی مساجد مورد توجه قرار گیرد:

۱. توزیع متعادل و متناسب مساجد.

۲. قابلیت دسترسی به مسجد. در اسلام تأکید شده است، که مساجد شهر باید به نسبت جمعیت و به طور متعادل توزیع شوند. قرآن نیز ایجاد دو مسجد نزدیک به هم را نشانه‌ی کفر و خیانت به مسلمین و حربه‌ای شیطانی به منظور ایجاد تفرقه و جدایی بین مسلمانان معرفی می‌کند: «والذین اتخذوا مسجداً ضراباً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیلطفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون»: «آن گروه منافق مسجدی برای زیان به اسلام به پا کردند (تا خلق به مسجد پیغمبر حاضر نشوند) و مقصودشان کفر و فساد و ایجاد تفرقه بین مسلمانان و مساعدت با دشمنان بر علیه رسول خداست. در حالی که مرتب سوگند یاد می‌کنند که با بنای این مسجد، جز قصد خیر و توسعه‌ی اسلام نداریم. خدا گواهی می‌دهد که محققاً دروغ می‌گویند [توبه/ ۱۰۷].»

مسجد به منظور ایجاد هم‌بستگی بین مسلمانان ساخته می‌شود، نه ایجاد تفرقه و جدایی بین آنان. بنابراین، ایجاد بیش از یک مسجد در فاصله‌ای کم از یکدیگر، نوعی بدعت و نوآوری است و با بیان خداوند که فرموده است، مسجد محل تجمع مسلمانان است و باعث افزایش اتحاد مسلمان می‌شود، تناقض دارد. طبق سنت اسلامی، برای هر ناحیه‌ی مسکونی باید یک مسجد ساخته شود. این مساجد به ساکنان هر

در گذشته، جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت. یعنی اولین نقطه‌ای که طراحی می‌شد، مسجد جامع شهر بود. سپس براساس آن محله‌های شهری را طراحی می‌کردند و آن‌گاه به خیابان‌ها و گذرها و کوچه‌ها می‌پرداختند. علت واقع شدن مسجد جامع در مراکز شهرهای اسلامی، به وظایفی برمی‌گردد که این مساجد برعهده داشتند. یعنی مسجد جامع به حکم وظیفه‌ای که برعهده دارد، باید در مرکز شهر واقع شود تا به تمام مناطق مسکونی آن نزدیک باشد و نمازگزاران به راحتی بتوانند برای ادای نمازهای جمعه به آن بیایند. این نشان می‌دهد که موقعیت مسجد جامع بیش از آن که به مرکز شهر وابسته باشد، به نزدیکی مسجد به مناطق مسکونی عامه‌ی مردم وابسته بود. دلیل بر این گفته، شهرهایی هستند که مساجد جامع آن‌ها در مرکز شهر قرار نداشتند. برای نمونه می‌توان به شهر «سامرا» اشاره کرد که مسجد جامع آن در قسمت شمالی شهر یعنی محل استقرار بازارها و سکونتگاه‌های عمومی قرار داشت. مسجد جامع الازهر «قاهره» نیز در بخش جنوبی شهر و در نزدیکی مناطق مسکونی عامه‌ی مردم بنا شده بود. مردم مجاز بودند در محله‌های خود فقط مساجدی برای اقامه‌ی نمازهای پنج‌گانه بسازند و مساجد با توجه به نوع وظیفه‌ای که داشتند در سطح شهر توزیع می‌شدند.

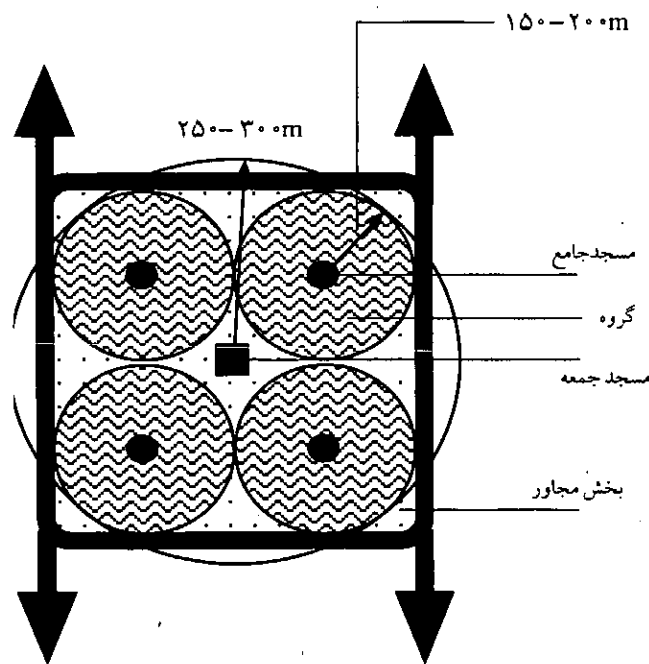
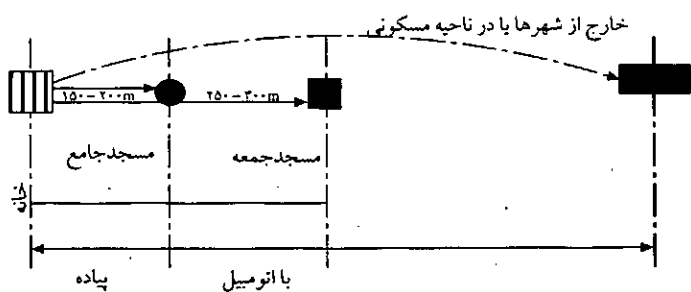
نحوه‌ی توزیع مساجد در سطح شهر موجب می‌شد که خیابان‌های شهر را به گونه‌ای طراحی کنند که رفت و آمد مردم به این مساجد با سهولت صورت پذیرد. مرکزیت مسجد جامع در برنامه‌ریزی شهری در اصل از یک مفهوم کاربردی اسلامی سرچشمه می‌گیرد و به نقش مسجد

محل امکان می‌دهند که وظایف مذهبی اجتماعی خود را انجام دهند. ساخت مسجد متناسب و متعادل با توزیع و تقسیم جمعیت، دست‌رسی متعادل و متناسب مردم را برای استفاده از مسجد فراهم می‌سازد.

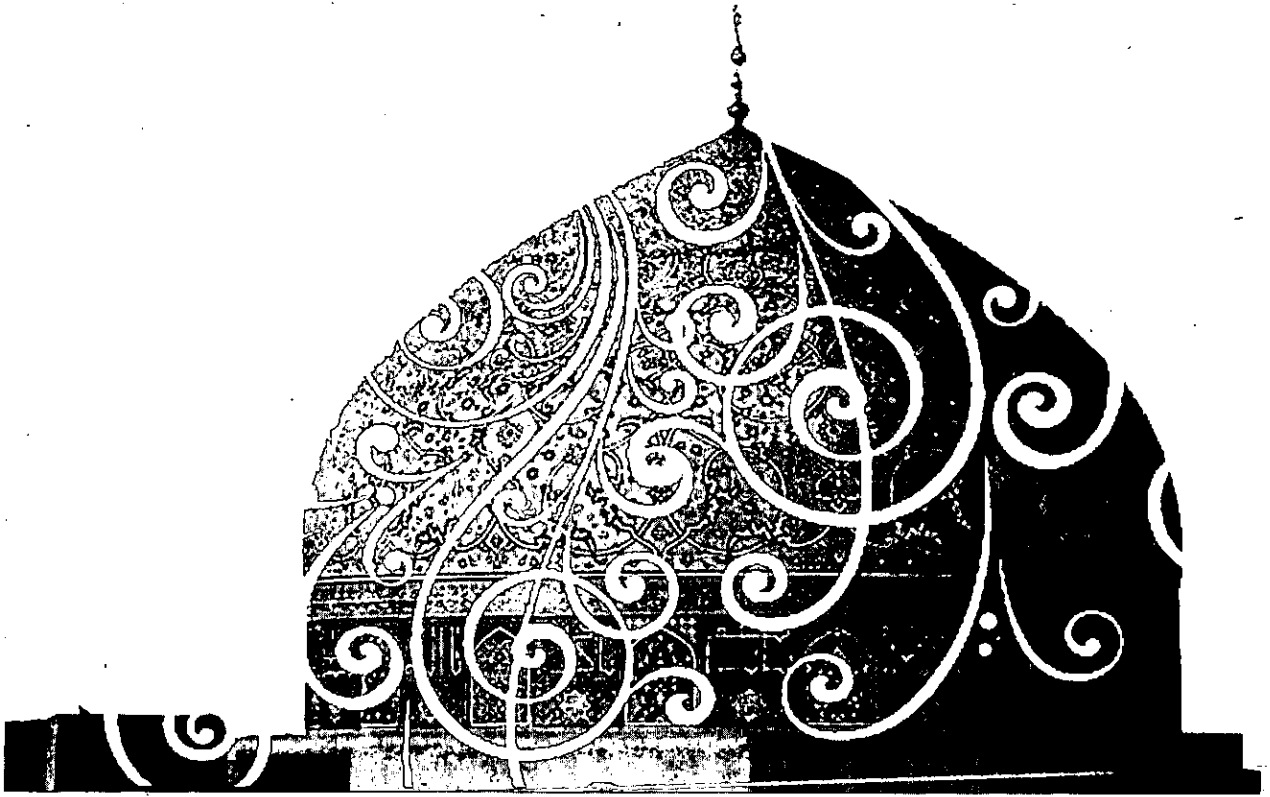
گوش می‌گوید: «در شهر سنتی اسلامی، مساجد دارای عملکرد سلسله‌مراتبی هستند و در فاصله‌ای ثابت و استاندارد از همدیگر قرار دارند» [Mortada, 2003: 85-89]. در اسلام تراکم و انباشتگی مساجد توصیه نشده است. بدین معنی که باید بین تعداد جمعیت و تعداد مساجد تناسب و تعادل وجود داشته باشد تا از شلوغی و ازدحام جلوگیری شود. تعدد مساجد در یک نقطه تأثیر منفی بر نقش و عملکرد مسجد خواهد گذاشت. پیامبر (ص) تأکید فرموده است که مساجد در داخل محلات ایجاد شوند تا مردم با پای پیاده قادر به آمدن به مسجد باشند. این امر هم چنین باعث می‌شود که مردم صدای مؤذن را به راحتی بشنوند [پیشین].

رابطه‌ی بین نقش و عملکرد مسجد و موقعیت مکانی آن

مساجد اسلامی در کنار مهم‌ترین فضاها، عبور و مرور زندگی روزمره مردم، مثل بازارها، میدان‌ها و میدانچه‌ها و مکان‌ها واقع شده‌اند. زندگی دنیوی مردم با زندگی اخروی آن‌ها در هم آمیخته است و عبادت و سلوک معنوی در بطن زندگی اجتماعی مردم جاری است. عبادت که هدف خلقت آفرینش جن و انس ذکر شده، در ظاهر و باطن جاری است. هم از این روست که مساجد در کنار بافت پیرامونی خود معنای حقیقی‌شان را بازی می‌یابند. صحن مساجد، کنار گذر بافت اصلی و گاه در خود گذرگاه بافت پیرامون واقع است [ستاری، ۱۳۷۹: ۵۹].



نمودار سلسله مکانی مسجد براساس قابلیت دست‌رسی و حوزه‌ی نفوذ آن. مسجد محله (پیاده)، مسجد جامع شهر و مصلا (با اتومبیل)



جامع به عنوان مرکز معماری اصلی و عام‌المنفعه بازمی‌گردد که تمام نمازگزاران نماز جمعه به آن روی می‌آورند [عثمانی، ۱۳۷۹: ۲۲۳-۲۱۸]. هنگامی که تمام مردم شهر نماز جمعه را در مسجد جامع اقامه می‌کردند، جایگاه این مسجد در مرکز شهر بود. شرط واجب بودن این مرکزیت به صراحت این گونه قید شده است که از این طریق، حاکم بتواند با تمام مردم شهر آشنا شود. براساس همین شرط، مسجد جامع باید نزدیک به تمام نقاط شهر باشد تا نمازگزاران به راحتی بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند. این بدان معناست که طراحی خیابان‌ها باید متناسب با این نیاز باشد. این نکته، به وضوح در برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی و محله‌های آن قابل رؤیت است. برای مثال می‌توان به شهرهای مدینه منوره، بصره، کوفه و فاس اشاره کرد [همان، ص ۱۱۲].

بدین ترتیب، نقش‌های گوناگون مسجد، انگیزه‌ای مؤثر در تعدد و گسترش جغرافیایی آن در تمام سرزمین‌های اسلامی بوده است. مهم‌ترین مسجد شهرهای بزرگ، مستقر در مرکز شهر را، «مسجد جامع» می‌نامیدند. مساجد جامع غالباً یادآور زمانی است که این مساجد نقش‌هایی پویا داشتند و مرکز ثقل شهر و کانون فعالیت‌های علمی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی محسوب می‌شدند [سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۵۰-۴۸].

در مکان‌یابی و طراحی مسجد، توجه به نقش و رسالت آن در عرصه‌های گوناگون، براساس توصیه‌های دینی ضروری است. مسجد به عنوان پایگاه تجمع انسان‌ها باید دارای ویژگی‌هایی باشد که تحقق هدف اصلی را امکان‌پذیر سازد. در صدر اسلام، فعالیت‌های عمده‌ی اجتماعی در مسجد انجام می‌شدند و این مکان به عنوان مرکز عبادی،

سیاسی، آموزشی و نظامی عمل می‌کرد. پس از آن، گرچه بسیاری از عملکردها و فعالیت‌های اجتماعی از مسجد خارج و از آن جدا شدند، اما ارتباط و هم‌جواری و نزدیکی آن‌ها با مسجد حفظ شد. مساجد برحسب موقعیت و عملکردشان در مقیاس شهر، ارتباط و اتصال متفاوتی با بدنه‌ی پیرامون خود داشتند و از این نظر به سه گروه تقسیم می‌شدند. ۱. مساجدی که عملکرد اصلی آن‌ها برگزاری نماز و آیین‌های عبادی بود و محدوده‌ی عمل آن‌ها به محلی مسکونی یا گذر بازار محدود می‌شد. در این حالت، مسجد کاملاً با بدنه‌ی مجاور خود تلفیق شده و تنها از طریق یک ورودی در معبر مجاور قابل دسترسی بود.

۲. مساجدی که عملکرد آن‌ها در مقیاس محله یا بخشی از شهر بود و علاوه بر محلی برای نماز گزاردن، بخشی از مجموعه‌ی وسیع‌تری شامل مدرسه و بازارچه نیز بود. در این حالت، مسجد در چند بدنه، کالبد خود را در معبر مجاور می‌نمایاند و دارای چند ورودی بود.

۳. مساجدی که عملکردی در مقیاس شهر داشتند و نه تنها محل برگزاری نماز و آیین‌های عبادی بودند، بلکه محلی برای انجام امور حکومتی و تشریفات و بار عام نیز محسوب می‌شدند. چنین مساجدی نه تنها در دو یا چند بدنه از بافت مجاور خود جدا می‌شدند، بلکه در بدنه‌ای که به ورودی اصلی مرتبط می‌شد، حضور و موقعیت خود را در سطح شهر به شکل کالبدی اعلام می‌کردند. اما امروزه معمولاً مساجد به صورت منفک از دیگر عملکردهای شهری در کنار نوعی معبر قرار گرفته‌اند و ارتباطی با دیگر انواع کاربری‌های شهری ندارند.

از آن‌جا که تلفیق بنای مسجد با نوعی کاربری عمومی مناسب موجب افزایش تعداد مراجعه و نیز طول مدت حضور افراد در مسجد می‌شود،



هر چه بیشتر زمینه‌های ارتباط و هم‌بستگی را فراهم می‌آورد. دست‌رسی به مسجد، با توجه به محدوده‌ی عملکرد آن، دارای اهمیت بسیار است؛ یعنی امکان رفت و آمد به مسجد گوناگون پیاده، سواره، یا با وسیله‌ی نقلیه شخصی یا عمومی، باید در شرایط مطلوب وجود داشته باشد [طالبی، ۱۳۷۹: ۱۹۰-۱۷۹].

مساجد از نظر سلسله‌مراتب فضایی، همیشه در مرکز ساختارهای شهری برپا می‌شده‌اند. سپس مراکز تجاری (بازار) و سایر بناها آن را احاطه می‌کردند که تحت‌الشعاع مسجد قرار داشتند. مساجد در جایی ساخته می‌شدند که به آسانی در دست‌رس شهروندان مسلمان باشند. در شهرهای سنتی ایران، مسجد جامع در کانون بازار واقع بوده است. مسجد جامع همیشه با بازار شهر پیوسته و با انبوه ساختمان‌های متراکم هم‌جوار بوده است. اهمیت مسجد جامع و مرکزیت آن در شهرهای سنتی اسلامی به شدت مورد تأکید بوده است. مسجد جامع اغلب یکی از عناصر اصلی مجموعه‌ی بازار محسوب می‌شد؛ جایی که جمعیت و فعالیت‌های مردم رو به فزونی می‌گذارد [خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۹۲-۸۸]. مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، مخازن آب، رباط‌ها و دیگر اماکن عمومی در سرگذرهای اصلی و در جاهای ویژه‌ای در بافت محله‌ها و شهرها جای داشتند [پورجعفر، ۱۳۷۶: ۵۶].

در شهر اسلامی، مرکزیت فیزیکی و از آن مهم‌تر مرکزیت معنوی برای مسجد در مقیاس‌های متفاوت محله و شهر، محفوظ نگه داشته می‌شود. مکان‌یابی مساجد در سطح شهر به گونه‌ای است که دست‌رسی به آن به سهل‌ترین و امن‌ترین شکل امکان‌پذیر باشد. عناصر و عملکردهای شهری مجاور آن نیز با سواست و هماهنگ با مسجد انتخاب می‌شوند. دست‌رسی مناسب همه‌ی آحاد جامعه به امکانات عمومی، مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آن‌ها با هم، از طریق تناسبات مطلوب بین ابعاد فضا و کالبد، همراه با حفظ ویژگی‌های روانی و جسمانی انسان از طریق رجحان انسان بر ساخته‌ی خویش، تسهیل ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و حذف امکان تجاوز به حقوق دیگران فراهم می‌شود [نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۲-۷۹].

اهمیت مکان مسجد در سیما و هویت شهر

مسجد به عنوان کانون تجلی هویت معنوی مسلمانان و مرجع، پناه و تکیه‌گاه آنان، از صدر اسلام تاکنون مهم‌ترین عنصر شهری و معماری و مرکز تبلور عالی‌ترین اشکال خلاقیت، ذوق و سلیقه‌ی معماران مسلمان بوده است. در شهرهای سنتی، سیمای مسجد و عناصر نشانه‌ای آن در منظر شهری، نقشی غالب داشته است و طراحی شالوده‌ی شهر به شیوه‌ای بود که مسجد جامع مرکز ثقل آن به شمار می‌رفت و مکان و جایگاه آن تأثیر بارزی در هویت بخشیدن به شهر داشت.

در تمدن یونان نیز همیشه معابد در بلندترین قسمت شهر ساخته

می‌شدند. ارسطو، اندیشمند یونانی، در این باره گفته است: «باید محل ساختن معبد نقطه‌ای باشد که از همه طرف دیده شود تا مقام و فضیلت معبد را بالا ببرد و معبد بر اطرافش تسلط داشته باشد.» اگرچه این اظهارات به عصر کهن یونان مربوط است، اما دقت در مضمون آن اهمیت معبد و مکان استقرار عبادتگاه را روشن می‌کند؛ زیرا هر اندازه معبد بیشتر جلوی چشم انسان باشد، انسان به همان اندازه بیشتر به یاد معبود می‌افتد. موضوع اشراف مساجد بر بناهای دیگر در طراحی شهرهای جدید باید جدی گرفته شود. باید مساجد طوری ساخته شوند که مردم را از فواصل دور به سوی خود بخوانند [شکاری، ۱۳۸۴].

در گذشته، وسعت محله و موقعیت مسجد به شکلی بود که مسجد مجموعه‌ی محله را تحت پوشش قرار می‌داد و سیمای آن با تفاوت اساسی نسبت به دیگر ساختمان‌ها عظمت و شکوه این بنا را جلوه‌گر می‌ساخت. سازگاری مسجد با کاربری‌های پیرامون آن، از جمله ویژگی‌های مهم استقرار آن در محلات قدیمی محسوب می‌شد، به طوری که مسجد ضمن قرارگیری در کنار معبر یا فضای باز اصلی محله، با کاربری‌هایی هم‌چون حسینیه، حمام، و آب‌انبار نیز هم‌جوار بوده است. اگرچه بین مساجد شهری، مسجد جامع دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و از سیمای عظیم و پیچیده‌ای نسبت به سایر بناهای پیرامون خود برخوردار بوده است، اما در بسیاری از موارد، دیگر مساجد، به ویژه مساجد محله‌ای از سادگی در سیمای بیرونی بهره می‌بردند و با بافت پیرامونی خود پیوستگی کامل داشتند.

شهرهای سنتی از نوعی تقسیم‌بندی کالبدی برخوردار بودند و توزیع مساجد در سطح این شهرها از آهنگی منطقی تبعیت می‌کرد. امروزه محدوده‌ی محلات را خیابان‌های اصلی و بزرگ‌راه‌ها مشخص می‌کنند و مرکزی برای محله نمی‌توان تصور بود. وسعت محله با توجه به عواملی چون جمعیت، موقعیت مکانی شبکه‌های دست‌رسی و تأسیسات و تجهیزات، تعیین می‌شود. بنابراین نمی‌توان مرکزی را برای هر محله شناخت. حتی عنصر یا عناصری به عنوان کاربری شاخص محله، مانند مسجد وجود ندارد.

بر اساس تقسیمات محله‌ای انجام شده و معیار قرار گرفتن راه‌های دست‌رسی اصلی به عنوان مرکز محله، مساجد عمدتاً در مرکز محلات قرار گرفته‌اند و دست‌رسی عموم خانواده‌ها به این مساجد مشکل است. علاوه بر آن، بزرگ‌راه‌ها و راه‌های دست‌رسی درجه یک، امکان استفاده از مساجد را با موقعیت‌های اشاره شده برای محلات هم‌جوار با مشکل مواجه می‌سازند. در بیشتر مواقع در بافت‌های قدیم، مسجد به عنوان یک حلقه از زنجیره‌ی فضایی-کالبدی مرکز محلات یا سلسله‌مراتب کاربری‌های شهری که فعالیت‌های مرتبط با هم را در درون خود داشتند، عمل می‌کرد. مسجد در مرکز محله، با حسینیه، میدانچه، بازار، حمام و آب‌انبار هم‌جوار خود نه تنها از لحاظ فعالیت با یکدیگر سازگاری داشتند، بلکه به لحاظ فرم و سیمای ظاهری نیز از سازگاری منطقی برخوردار بودند.

بیشتر مواقع به دلیل موقعیت و اهمیت مسجد، این بنا به لحاظ سیما

یا موقعیت مکانی از کاربری های پیرامون پیشی می گرفت و برجستگی خود را بر بناهای پیرامون نمایان می ساخت. اما در توسعه های جدید، با تأثیرپذیری از موقعیت مکانی و اقتصادی، با توده ای از کاربری های تجاری و اداری در هم آمیخته و در میان انبوهی از ساختمان های بلند و برج های مسکونی اداری تجاری قرار گرفته است. در بافت قدیم، نمای ظاهری و بیرونی مساجد در مقایسه با نمای داخلی از اصل سادگی پیروی می کرد و ضمن دارا بودن ویژگی هایی هم چون خوانایی و نمایانی، با بافت پیرامونی خود نیز پیوستگی می یافت.

امروزه با طراحی مساجد در کنار خیابان ها و میدان های اصلی شهر، این مساجد به عنوان مراکز انجام مراسم مذهبی با برنامه های از پیش تعیین شده ایفای وظیفه می کنند و خانوارهای ساکن در محلات، کمتر با این مساجد ارتباط برقرار می سازند. با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی و توسعه بی رویه، برنامه ریزی کاربری زمین و الگوی استقرار کاربری های گوناگون، از جمله کاربری های مذهبی، مورد کم توجهی قرار گرفته اند و مساجد با نیازها و الگوهای رفتاری متنوع و متعارف جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی به وجود نیامده اند. در نتیجه حس آشنایی و تعلق به مکان در آن ها ضعیف است [نابینی، ۱۳۷۹: ۲۶۵-۲۵۳].

فن و هنر جانمایی مسجد در مجتمع های زیستی، مانند دیگر افعال مسلمانان، به غیر از قیودی چون علوم و فنون انسانی، مقید به احکام فقهی برنامه ریزی نیز هست. برنامه ریزی ملی باید اساس جهت گیری خود را به متعادل کردن زندگی یا به عبارت دیگر آمایش زندگی شهری و به تبع آن طراحی شهری معطوف کند. در چنین شرایطی، طراحی و استقرار مسجد جایگاه واقعی خود را در مجتمع های زیستی به دست می آورد [اصغریان، ۱۳۷۷: ۵۳-۲۹]. حفظ حریم کالبدی مسجد از کاربری های آلوده چون قصابی ها، ماهی فروشی ها، دباغ خانه ها و مجموعه شغل هایی که حتی از نظر کیفیت کسب و نوع معامله، هماهنگی و تناسبی با مسجد و فضای عبادت ندارند، از ضروریات است. از طرف دیگر، مطابق با نظر مراجع دینی، بردن هرگونه آلودگی و نجاست به فضای مسجد ممنوع است و موجب بی احترامی به مسجد می شود [امام خمینی، رساله ی عملیه، مسئله ی ۹۱۲].

این گونه قوانین شریعت، اصولی جاودان و ماندگار و مانند دانه های سلسله ی جاویدان علت ها، به یکدیگر متصل هستند؛ سلسله ای که به وسیله ی آن ها مسجد نقش ویژه و نظم دهنده ای در سازمان فضایی ساختمان های پیرامون و عملکردهای گوناگون آن ها به دست می آورد. این گونه قوانین در راستای حفظ مسجد از ناپاکی و آلودگی، تأثیر بالقوه ای در مکان یابی مسجد و صنف های گوناگون در ساختار کلی بازار دارند. صنوفی چون قصابی، دباغی و غیره هر یک به ترتیب و با فاصله ای معقول از مسجد قرار می گیرند و برعکس صنوفی چون عطاری، طلافروشی، پارچه فروشی، عرضه کنندگان قرآن و کتاب های دعا، و عبا فروشی ها به مسجد نزدیک ترند.

مسجد اصلی ترین عنصر از اجزای شالوده ی شهری است. ترکیب و پیوند عملکردهای هم خوان و مکمل می تواند موجبات احیای

ساختارهای کهن را در پاسخ گویی به نیازهای مردم ساکن محله، کوی، برزن و شهر، در مقیاس های متفاوت فراهم سازد. بنابراین، مکان هر مسجد باید به عنوان نشانه ای مهم در شهر، به نحوی انتخاب شود که دید مناسبی از نقاط متعدد شهر به آن وجود داشته باشد. در گذشته، نماد کالبدی مسجد، دو عنصر گنبد و مناره بود. امروزه می توان با استفاده از فناوری مصالح و روش های جدید، از این دو عنصر به عنوان نشانه یا نماد بهره برد و موقعیت مسجد را در شهر تثبیت کرد.

شاخص های مؤثر بر پراکندگی و توزیع جغرافیایی مساجد

مهم ترین این شاخص ها عبارت اند از:

۱. توجه به حوزه ی نفوذ مسجد، شامل مواردی چون: تعداد جمعیت، قابلیت دسترسی جمعیت، نوع شبکه ی راه ها و قابلیت دسترسی به آن ها.

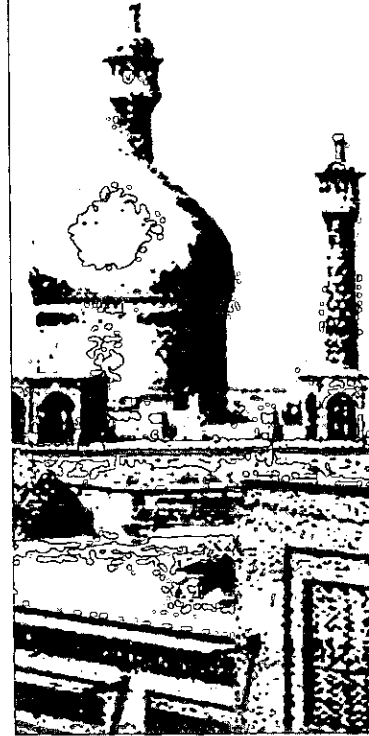
۲. توجه به نقش توزیع و پراکندگی جغرافیایی مساجد در هویت و سیمای شهر.

۳. توجه به کاربری های مجاور و کاربری های مناسب و سازگار با مساجد.

۴. حفظ نقش مرکزیت و محوریت مسجد در شهر و محله و تعیین موقعیت مکانی مسجد با توجه به نقش و عملکرد آن.

در ساخت مسجد باید اصل را بر نیاز گذاشت. یعنی مسجدی بسازیم که واقعاً به آن نیاز باشد. پیامبر (ص) در این باره محدودیت هایی را به کار می بست. باید کوشید، جایی به مسجد اختصاص یابد که در طرح های شهری آینده به موقعیتی دیگر تبدیل نشود؛ زیرا تبدیل مسجد به خیابان، کوچه، میدان و مانند آن ها، تنها در شرایط استثنایی جایز است [نوبهار، ۱۳۷۹: ۲۵۶]. نکته ی مهم این است که مساجد باید به تناسب جمعیت و قابلیت دسترسی مناسب گسترش یابند، به نحوی که بتوانند به درجات هر چه بیشتر، جمعیت ساکن در مناطق متفاوت شهری را پوشش دهند. در شهرها و در بخش های سنتی با تراکم بیشتر مساجد مواجه هستیم، در حالی که در بخش های جدید که اغلب آن ها بعد از انقلاب توسعه یافته و یا ساخته شده اند، با کمبود مسجد مواجه هستیم که باید آن را ضعفی اساسی در شهرسازی در دو دهه ی اخیر به حساب آورد.

فاصله ی خانواده ها تا مسجد شاخصی است که امکان مسجد رفتن و در نتیجه مشارکت در حیات دینی را افزایش می دهد. تحقیق ملی با عنوان «بررسی رفتارهای فرهنگی ایرانیان» نشان می دهد که در شهری مانند تهران میانگین فاصله ی خانواده ها تا مسجد، حدود نیم کیلومتر است و در بعضی مناطق به ۲ کیلومتر هم می رسد [روزنامه ی ایران، شماره ی ۲۵۷۴]. از نکات دیگر این که نباید مکان مسجد در محلی باشد که میان نمازخوانان یک محله تفرقه ایجاد کند. مثلاً آن قدر نزدیک به محله ی دیگر باشد یا آن قدر از قلب محله دور باشد که کسی از مردم محله احساس نکند، مسجد متعلق به اوست. هم چنین مکان مسجد نباید موجب زیان شود. مساجدی که برای عزاداری، سخن رانی، و شروع و پایان تظاهرات حالت مرکزیت دارند، نباید در عمق مناطق مسکونی قرار



گیرند، بلکه باید به عنوان مفصل بین خیابان و این مناطق عمل کنند تا هم از سر و صدا دور باشند و هم خود مزاحم بافت مسکونی نباشند. مسجد نباید آلودگی صوتی ایجاد کند [عرفان، ۱۳۷۹: ۵۷۴-۵۶۱]. هم چنین باید از فعالیت هایی که کارکردهای اساسی و اولیه‌ی عبادی و اجتماعی مسجد را به مخاطره می‌اندازند، پرهیز و فعالیت های جانبی را در جهت تقویت این دو کارکرد اصلی هدایت کرد [نوروزی، ۱۳۸۴].

لازم است، موقعیت، عملکرد و نقش، نوع و تعداد، ظرفیت و گنجایش، و حجم مساجد به منظور پاسخ گویی به نیازهای شهری در نظر گرفته شود.

اندازه‌ی محلات، درجه بندی راه‌ها،

تعداد جمعیت، و دوری و نزدیکی به فضای اصلی و مرکزی شهر یا محله، در انتخاب نوع مسجد و این که به چه تعداد از آن احتیاج است، تأثیر دارند. حجم و سبک بنا نیز الفاکننده‌ی عملکرد و موقعیت آن و بیان کننده‌ی نقشی است که معمولاً از بنا انتظار می‌رود. به علاوه، در سیما و هویت شهر نیز تأثیر خواهد داشت که لازم است به این مسئله نیز توجه شود. این نکات همه نشان می‌دهند که در کنار اهتمام به ساختن مساجد، مکان یابی مناسب و متناسب با جمعیت محلات و مناطق برای مساجد، ضرورت دارد.

نتیجه گیری

طبق قانون اسلام، دو اصل باید در مکان یابی مساجد مورد توجه قرار گیرد: توزیع متعادل و متناسب آن‌ها، و قابلیت دسترسی به آن‌ها. مساجد باید عملکرد سلسله مراتبی داشته باشند و در فاصله‌ای ثابت و استاندارد از یکدیگر قرار گیرند. هم چنین به طور متعادل و متناسب با جمعیت توزیع شوند. در گذشته، مساجد با توجه به نوع وظیفه‌ای که داشتند، در سطح شهر پراکنده بودند. مسجد جامع در مرکز شهر قرار داشت و اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت. علت واقع شدن مسجد جامع در مرکز شهرهای اسلامی، به نقش و عملکرد آن مربوط می‌شد. بدین ترتیب نقش های گوناگون مسجد، انگیزه‌ای مؤثر در تعدد و گسترش جغرافیایی آن در تمام سرزمین های اسلامی بود. بنابراین، در مکان یابی و طراحی مسجد، توجه به نقش، رسالت و حوزه‌ی نفوذ مسجد با حفظ سلسله مراتب فضایی آن ضروری است. مکان هر مسجد را باید به عنوان نشانه‌ای مهم در شهر، به نحوی انتخاب کرد که دید مناسبی از نقاط متعدد شهر به آن وجود داشته باشد. اشراف مسجد بر بناهای دیگر، و توجه به تأثیر آن در سیما و هویت شهر، و توجه به نوع مسجد و کارکرد و نقش و حوزه‌ی نفوذ آن، لازم و ضروری است.

اصول و معیارهای اصلی در سامان دهی شهری، در چهار مقوله‌ی اساسی: عدالت، کارایی، کیفیت محیطی، و سرزندگی خلاصه می‌شوند. عدالت به معنی توزیع مناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات شهری، و فعالیت بدون تبعیض و تفاوت گذاری بین ساکنان یک شهر و منطقه‌ی شهری است. میزان این اصل، با این معیارهای مشخص برآورد می‌شود: تأمین امکانات برای همه‌ی اجتماعات شهری؛ انصاف در تسهیم منابع شهری؛ تأمین دسترسی کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه‌ی ساکنان شهر، تأمین اشتغال و مسکن به طور متصفانه برای افراد و ساکنان بخش های گوناگون شهر [سعیدینا، ۱۳۷۸: ۵۴-۴۳].

بنابراین، توجه به عدالت اجتماعی در توزیع جغرافیایی مساجد لازم و ضروری است؛ چرا که عدالت اجتماعی از نظر شهرسازی، به معنی تأمین نیازهای گوناگون اجتماعی، خدماتی رفاهی و فرهنگی است.

زیر نویس

I. Ghosh

منابع

۱. اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۷). مبانی نظری مکان یابی مساجد ایرانی در ادوار مختلف. صفة، نشریه‌ی معماری شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. شماره‌ی ۲۶. بهار و تابستان.
۲. روزنامه‌ی ایران (۱۳۸۲). یکشنبه ۱۶ شهریور. شماره‌ی ۲۵۷۴.
۳. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۶). نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد. دانشگاه هنر.
۴. خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۰). شهرهای ایران. ترجمه‌ی حسین خاتمی نژاد و عزت الله مافی. نشر نیکا. مشهد.
۵. امام خمینی. رساله‌ی عملیه. مسئله‌ی شماره‌ی ۹۱۲.
۶. ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۷۸). راهکارهای طراحی شهری در بافت سنتی تبریز با مفهوم توسعه‌ی پایدار. اولین همایش مدیریت توسعه‌ی پایدار در نواحی شهری تبریز.
۷. سعیدینا، احمد (۱۳۷۸). شهرسازی، کتاب سبز شهرداری‌ها (ج ۱). انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
۸. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۲). پیش اسلام و پدیده‌های جغرافیایی، مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین های اسلامی. مشهد آستان قدس رضوی.
۹. شکاری، جواد (۱۳۸۴). معماری در نظام اسلامی مسجد.
۱۰. طالبی، زاله (۱۳۷۹). مسجد به عنوان پایگاه همبستگی اجتماعی. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد (ج ۱). دانشگاه هنر. تهران.
۱۱. ناینی غلامرضا، حقیقت (۱۳۷۶). تحلیلی بر موقعیت و الگوی استقرار مساجد جدید. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد. دانشگاه هنر. تهران.
۱۲. عرفان، محمدهادی (۱۳۷۶). تئوری لایه‌های شناور در سیمای مساجد ایرانی. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد. دانشگاه هنر. تهران.
۱۳. عثمانی، عبدالستار محمد (۱۳۷۶). مدینه‌ی اسلامی. ترجمه‌ی علی چراغی. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۱۴. نقی زاده، محمد (۱۳۷۸). صفات شهر در متون اسلامی. مجله‌ی هنرهای زیبا. شماره‌های ۴ و ۵.
۱۵. نوبهار، رحیم (۱۳۷۶). معماری مسجد از دیدگاه متون دینی. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد. دانشگاه هنر. تهران.
۱۶. نوروزی، محرم (۱۳۸۴). عنصری جدید در محله. نشریه‌ی الکترونیکی فصل نو. هفته‌نامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی www.fasleno.com.

17. Mortada Hisham (2003). Traditional Islamic principles of built environment, New York, Routledge Curzon.



مخاطرات اقلیمی و تأثیرات آن بر سلامتی انسان

دکتر سیاوش شایان (استادیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس)
محمد دارند (دانشجوی دکتری اقلیم‌شناسی در برنامه ریزی محیطی)

درآمد

چکیده

این مقاله حاصل مطالعات کتاب‌خانه‌ای و بررسی مقالات معتبر بین‌المللی در این زمینه است. مقاله از طریق مدل‌سازی، به شناسایی راه‌های تأثیرگذار مخاطرات اقلیمی بر سلامتی انسان می‌پردازد که این امر خود تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند، قرار دارد. مقاله هم‌چنین راهبردهای سازگاری انسان و کمیت‌نمایی آن‌ها را در ارتباط با پیامدهای حاصل از مخاطرات ارائه می‌دهد. سازگاری با این تغییرات نیازمند اتخاذ راهبردهای سلامت عمومی و بهبودی مراقبت توسط نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی است. شناسایی مسیر تأثیرگذاری مخاطرات اقلیمی بر سلامتی انسان می‌تواند ابزاری باشد تا بهتر بتوانیم هنگام مواجه شدن با مخاطرات، راهکارها و راهبردهای مناسب را برای به حداقل رساندن تأثیرات آن‌ها به کار بندیم.

کلیدواژه‌ها: مخاطرات اقلیمی، مدل، آسیب‌پذیری، راهبردهای

در سال‌های اخیر، نگرانی دانشمندان در مورد تغییرات اقلیمی ناشی از دخالت‌های بی‌رویه بشر در طبیعت و افزایش آلودگی‌های جوی بیشتر شده است. افزایش دمای سطح زمین که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم شتاب بیشتری گرفته، معلول عواملی چون افزایش فعالیت‌های صنعتی و تولید روزافزون گازهای گل‌خانه‌ای است. مخاطرات اقلیمی باعث افزایش و شدت موج‌های گرمایی، افزایش سیلاب‌ها و خشک‌سالی‌ها، تغییرات مکانی توزیع بیماری‌های واگیر و افزایش سوء تغذیه انسان می‌شوند. چنین تغییراتی اثرات منفی بر سلامتی انسان، به ویژه در کشورهای کم‌درآمد که آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به این تغییرات دارند، می‌گذارند. بر اساس آمارهای بین‌المللی، در سه دهه‌ی گذشته حدود ۳/۶ میلیون نفر بر اثر مخاطرات اقلیمی جان باختند و بیش از سه میلیارد نفر آسیب دیده و بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار خسارت مالی وارد شده است. سیلاب، گریداد، خشک‌سالی و آتش‌سوزی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سلامتی انسان هستند.

مستولیت سازمان دهی هواشناسی و آب شناسی و نیز به حداقل رساندن ویرانی های حاصل از مخاطرات اقلیمی را برعهده دارد.

هنگامی که حداکثرهای اقلیمی به مخاطراتی نظیر سیلاب، گردباد، خشک سالی و آتش سوزی منجر می شوند، سلامتی انسان را به خطر می اندازند. تهدید سلامتی انسان جنبه ای بسیار مهم از بروز این مخاطرات به شمار می رود که تاکنون تحقیقات تجربی اندکی در مورد آن انجام شده است [روگر، ۲۰۰۶]. حوادث سال های اخیر (نظیر سونامی اقیانوس هند، هاریکان های فصلی ۲۰۰۵، زمین لرزه های ۷/۷ و ۹/۱ ریشتری) سلامتی انسان را به مخاطره انداخته اند. اولین اقدام مهم در زمان رخداد چنین مواردی، تشخیص راه های تأثیر گذاری این مخاطرات بر سلامتی انسان است. یکی از جنبه های قابل توجه این تأثیرات، تنوع آن ها، همراه با خطرهای جانبی است.

مخاطرات اقلیمی می توانند «بیماری های واگیر»، حساسیت (آرژری)، بیماری های شیمیایی، سوء تغذیه در اثر کمبود غذا، بیماری های ذهنی و روانی ناشی از خسارت ها، تخریب و مهاجرت را افزایش دهند. تشدید بیماری های واگیر در کشورهای کم درآمد، تخریب سیستم های آب رسانی و بهداشتی و اختلال در درمان و بهداشت را در پی دارد. مهاجرت افراد بر اثر مخاطرات اقلیمی، ممکن است به بیماری های غذایی و سوء تغذیه ای، و بیماری های ناشی از آب های آلوده منجر شود و نگرانی جدی ایجاد کند. شدت این بیماری ها از یک بیماری ساده تا مرگ، متفاوت است. برای مثال، اثرات حادثه ای نظیر سیلاب شدید، ممکن است از یک شوک ساده تا تأثیرات روانی دراز مدت، درجه بندی شوند.

جدول ۱ نشان می دهد که چگونه مخاطرات اقلیمی ممکن است بر سلامتی انسان تأثیر بگذارند. لازم به ذکر است که این اثرات ممکن است

«مخاطره ای اقلیمی» را می توان چنین تعریف کرد:

۱. حادثه ای طبیعی خیلی بزرگی که با شدت زیاد اتفاق افتد.
 ۲. پدیده ای طبیعی شدیدی که در محلی با جمعیت زیاد رخ دهد.
 ۳. حادثه ای که تأثیرات ناگهانی و بسیار مخرب داشته باشد؛ به طوری که مردم از بروز آن شگفت زده شوند.
- بر اساس آمارهای مراجع بین المللی، تاکنون حدود ۴۳ نوع مخاطره ای طبیعی شناخته شده که عبارت اند از: خشک سالی، چرخنده های حاره ای، سیل منطقه ای، زلزله، آتشفشان، طوفان برون حاره ای، سونامی، آتش سوزی های طبیعی در مراتع و مزارع، فرسایش خاک، بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس ها، آزاد شدن و حرکت غیر مترقبه ی کوه های یخ شناور، طوفان غبار، زمین لغزه، فرسایش ساحل، بهمن، بهمن سنگ ریزه، حرکات دامنه ای (لغزش و خزش خاک و همانند آن ها)، گردباد (تورنادو)، طوفان تندری، صاعقه، کولاک برف، امواج اقیانوسی شدید، طوفان نگرگ، تگرگ ریز، باد شدید محلی، فرونشینی هوا، جریان های سطحی و واریزه از ماسه شن و رس، جریان های دریایی تشدید شونده توسط باد، ریزش تخته سنگی، سرمازدگی محصولات کشاورزی، گرمادگی، گردباد، سوزباد، سیاه باد دریایی، موج گرما، تهاجم آفات گیاهی (مجموع ملخ و...)، پخش مواد خطرناک (به حالات گاز، مایع و یا جامد)، دماهای غیر منتظره (حداکثر یا حداقل)، قحطی و بیماری های فراگیر.

در کشور ما ۹۰ تا ۹۵ درصد از این مخاطرات منشأ آب و هوایی دارند. سازمان هواشناسی جهانی، به عنوان سازمانی تخصصی،

جدول ۱. چگونگی تأثیرات مخاطرات اقلیمی بر سلامتی انسان [Roger, 2006 and suthers, 1998].

نوع مخاطرات	اقلیمی نوع بیماری	سیلاب / گردباد	خشک سالی / آتش سوزی
بیماری های واگیر از طریق دهان و بزاق دهان	بیماری های واگیر از طریق دهان و بزاق دهان	آلودگی محیط زندگی انسان، تخریب امکانات مربوط به بهداشت و آب قابل شرب	کمبود آب برای بهداشت و تغذیه، استفاده از منابع آب ذخیره شده در زیر زمین
بیماری منتقل شده از طریق حامل	بیماری منتقل شده از طریق حامل	مهیا شدن شرایط برای تکثیر حشرات، ایجاد محل مناسب برای زندگی جوندگان مثل موش ها	مهیا شدن شرایط برای تکثیر انواع حشرات، مهاجرت انسان ها
بیماری های تنفسی	بیماری های تنفسی	افزایش نم و رطوبت در محیط زندگی	استنشاق دود حاصل از آتش سوزی
آسیب ها و صدمات	آسیب ها و صدمات	ریزش و تخریب سرپناه، کمبود مواد غذایی، برخورد با مواد شناور در آب، و تصادفات وسایل نقلیه	دردهای ناشی از آتش سوزی
سوء تغذیه	سوء تغذیه	تخریب محصولات و نابودی مواد غذایی، تخریب ذخایر غذایی، و برهم خوردن شیوهی معاش و درآمد انسان	نابودی مواد غذایی یا درآمد، کمبود غذا، استفاده از ذخایر غذایی، واکنش های روانی به خطر، تخریب و بیماری
بیماری های روانی	بیماری های روانی	واکنش های روانی به مخاطره، مهاجرت و نابودی	واکنش های روانی به خطر، افسردگی، بیماری، مهاجرت و مرگ

۱. علت قرار گرفتن سیلاب و گردباد در جدول ۱، وجود ارتباط نزدیک بین این دو پدیده است (گذشته از تخریب های حاصل از بادهای، اثرات عمده ی گردبادها نیز از سیلاب ها سرچشمه می گیرند).
۲. آتش سوزی و خشک سالی ارتباطی نزدیک با یکدیگر دارند (خشک سالی باعث آتش سوزی نیز می شود).

بر هم تأثیر متقابل داشته باشند.

به طور کلی می‌توان گفت، حاصل عملکرد عناصر اقلیمی، ایجاد نوعی محیط است که مستقیماً آسایش و رفاه آدمی را در کنترل دارد. سازوکار فیزیولوژیک بدن انسان همواره سعی دارد، با فرایندی که آن را «سازگاری» می‌نامند، آستانه‌های مطلوب اقلیمی را فراهم سازد.

تغییرات اقلیمی، مخاطرات و سلامتی

گرچه تأثیر مخاطرات و تغییرات اقلیمی از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر متفاوت و پیش‌بینی آن دشوار است، اما شاید بتوان گفت، بعضی از این مخاطرات می‌توانند به صورت جهانی عمل کنند. مثلاً بروز یک آتشفشان و انتشار گازها و غبارهای آتشفشانی در اتمسفر، تاکنون چند بار سبب کاهش تابش‌های خورشیدی به زمین و تغییر رژیم آب و هوایی آن در مقیاس‌های وسیع جهانی شده است. آتش‌سوزی‌های وسیع در مناطق جنگلی نیز می‌توانند باعث مشکلات تنفسی مردم در مقیاس کلان شوند و هر گونه افزایش شیوع بیماری و شدت خشک‌سالی می‌تواند به طور جدی به سوء تغذیه در مناطق دیگر بینجامد. چنین تغییراتی بسیار پیچیده‌اند و در شرایطی معین می‌توانند، به صورت حداکثرها و حداقل‌ها وارد عمل شوند و سلامتی انسان را به خطر اندازند. جنبه‌های دیگر این آتش‌سوزی‌ها دخالت در تغییرات اقلیمی در مقیاس‌های متفاوت است که ممکن است جنبه‌ی ترکیبی داشته باشند. در بحث مربوط به عوامل تشدیدکننده‌ی آسیب‌پذیری ناشی از مخاطرات اقلیمی، آرنولد در سال ۲۰۰۲ نشان داد که چگونه جنگل‌زدایی در دامنه‌ها میزان سیل‌ها را افزایش می‌دهد. تغییر پوشش گیاهی می‌تواند خشک‌سالی هیدرولوژیکی را افزایش دهد.

آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری، ترکیبی از آسیب‌پذیری طبیعی (احتمال طبیعی در معرض مخاطره قرار گرفتن) و آسیب‌پذیری اجتماعی (داشتن استعداد فرهنگی و اجتماعی در افراد برای تحت تأثیر قرار گرفتن بر اثر مخاطرات اقلیمی) است. آسیب‌پذیری اجتماعی در برابر مخاطرات اقلیمی می‌تواند چنین تعریف شود: توانایی افراد برای اجتناب از سرایت بیماری، مثل توانایی سیستم‌های سرویس‌دهی بهداشتی و سلامت، هنگام مخاطرات اقلیمی. آسیب‌پذیری طبیعی عبارتی است از قرار گرفتن در معرض حوادث طبیعی نظیر ساختن محل سکونت افراد کنار مسیر رودها و غیره.

آسیب‌پذیری به سه عامل بستگی دارد:

۱. محیط بیرونی: شرایط و ویژگی‌های محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند نقش مهمی در آسیب‌پذیری فرد در برابر مخاطرات طبیعی داشته باشد. توپوگرافی، شیب منطقه، پوشش گیاهی و وضعیت اجتماعی منطقه می‌تواند از جمله عناصر محیط بیرونی به

حساب آید.

۲. محیط شخصی: این محیط بیانگر میزان درک و توانایی و چگونگی واکنش افراد در برابر مخاطرات اقلیمی است که با محیط شخصی او (درک و توانایی فردی) رابطه‌ی مستقیمی دارد. به این معنی که اگر فرد توانایی بیشتری در مقابله با مخاطرات داشته باشد، یقیناً آسیب‌پذیری کمتری خواهد داشت.

۳. محیط درونی: در این محیط بیشتر وضعیت سلامتی فرد مدنظر است. به این معنی که اگر وضعیت سلامتی فرد در سطح متعادلی باشد، می‌تواند آسیب‌پذیری کمتری داشته باشد. رویکردهای تحلیل آسیب‌پذیری، سه چارچوب مفهومی را که در بیشتر ادبیات آسیب‌پذیری مدنظر محققان هستند، دسته‌بندی کرده است. در بررسی رویکردهای حاکم بر مطالعه‌ی آسیب‌پذیری، سه نگرش عمده عبارت‌اند از (نمودار ۱ صفحه ۱۴):

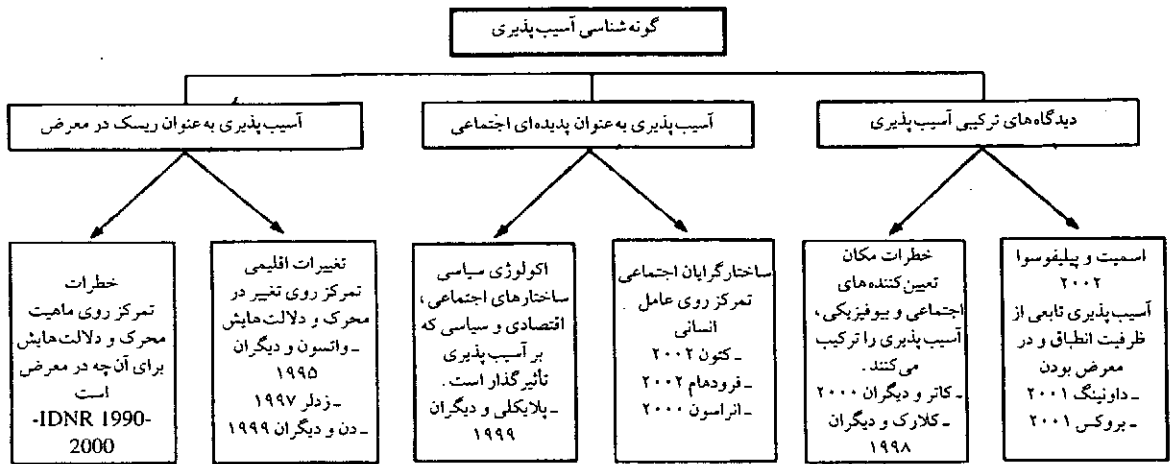
۱. رویکردهای سنتی که در مطالعه‌ی مخاطرات و آسیب‌پذیری: که بر نقش عامل‌های بیوفیزیکی به عنوان عوامل اصلی تأکید می‌کنند. در این نگرش، افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر یا در معرض خطر که مکان و محل فعالیت و زندگی آن‌ها توسط عامل مخاطرات (از قبیل توفان‌ها، خشک‌سالی، زلزله و...) تحت تأثیر قرار گرفته باشد، مورد توجه هستند.

۲. آسیب‌پذیری به معنی در معرض خطر اجتماعی قرار گرفتن: در این گروه از مطالعات، آسیب‌پذیری به عنوان یک پاسخ تعدیل شده، تمرکز خود را روی اراده‌ی پاسخ‌هایی شامل مقاومت و پایداری اجتماعی در برابر حوادث قرار می‌دهد. این نگرش فرض می‌کند که ساخت اجتماعی آسیب‌پذیری، شرایطی ریشه‌ای در فرایندهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد که با توانایی‌های فردی یا اجتماعی برای مقابله و رویارویی با سوانح طبیعی و دادن پاسخ طبیعی و مناسب به آن‌ها برخوردار است.

۳. آسیب‌پذیری مکانی: آسیب‌پذیری به معنی قرار گرفتن در مکان مخاطره که ترکیبی از دو برداشت فوق است، اما در اصل بیشتر ریشه‌ی جغرافیایی دارد. در این نگرش، آسیب‌پذیری هم نوعی خطر بیوفیزیکی است و یک پاسخ اجتماعی دارد؛ اما در داخل یک منطقه یا حوزه و قلمرو جغرافیایی.

در زمان‌های اخیر، پژوهشگران در مطالعه‌ی آسیب‌پذیری به عوامل و چرخه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی توجه می‌کنند تا بتوانند تشریح کنند که چگونه افراد و گروه‌ها ممکن است بیشتر آسیب‌پذیر باشند یا استعداد آسیب‌پذیری در برابر سوانح طبیعی را داشته باشند.

دامنه‌ی آسیب‌پذیری جامعه، ارتباط بسیار نزدیکی با عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دارد. به این معنی که اگر شرایط جامعه از لحاظ اجتماعی (مشارکت مردم با یکدیگر)، اقتصادی



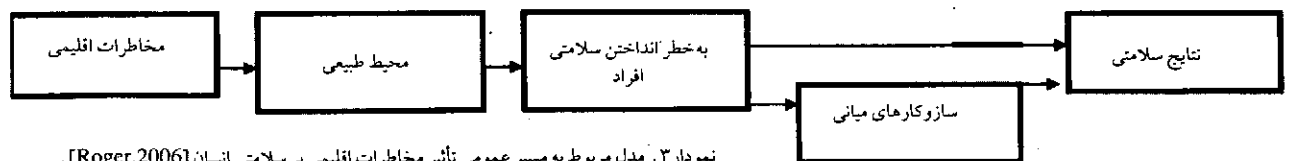
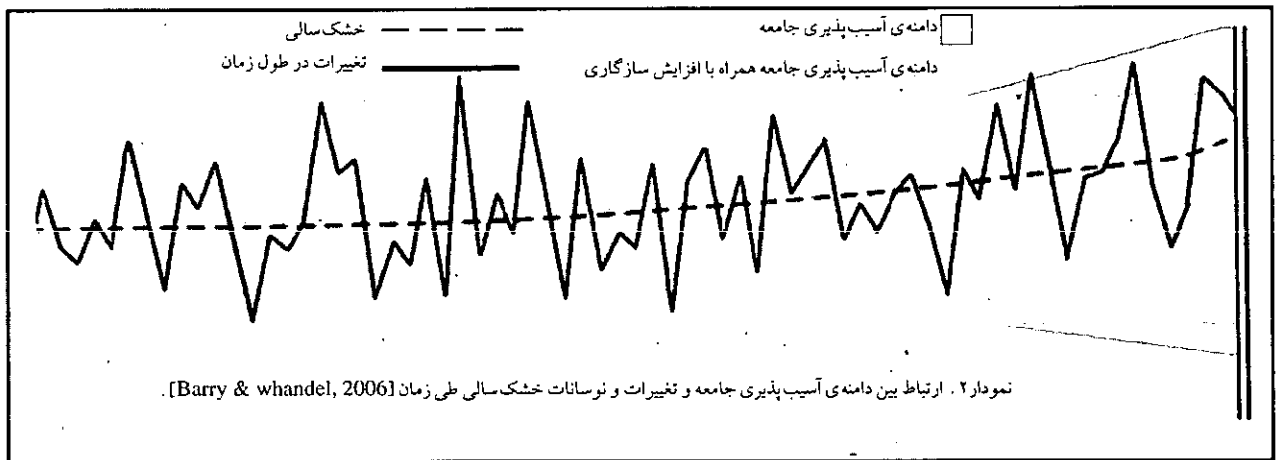
نمودار ۱. سنخ‌شناسی رویکردهای مطالعه‌ی آسیب‌پذیری

جامعه‌ای دچار بحران شدید خواهد شد (نمودار ۲). مدل مربوط به مسیر عمومی اثرات مخاطرات اقلیمی بر سلامتی انسان

این مدل مسیر کلی تأثیرات مخاطرات اقلیمی بر سلامتی افراد را نشان می‌دهد. در هر یک از مراحل این مدل، آسیب‌پذیری متفاوت است. این مدل می‌تواند ابزاری باشد که بتوان از طریق آن، نقش کاربردی عملیات گوناگون نظیر سرویس‌دهی سازمان‌های ذی‌ربط با سلامت و بهداشت را روشن ساخت. هم‌چنین، می‌توان پارامترهای دیگری را نیز در مدل وارد کرد.

این مدل ابتدا با مخاطرات اقلیمی شروع می‌شود که با حداکثرهای اقلیمی در ارتباط است و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مخاطرات

(رفاه مردم) و سیاسی (بیمه‌ی اموال مردم توسط بیمه‌گران) مطلوب باشد، مطمئناً چنین جامعه‌ای کمتر در مقابل مخاطرات اقلیمی دچار بحران خواهد شد. اگر دامنه‌ی آسیب‌پذیری جامعه زیاد باشد، مخاطرات اقلیمی کمتر می‌توانند به مرز این دامنه برسند و جامعه را دچار بحران کنند. اما اگر دامنه‌ی آسیب‌پذیری جامعه کم باشد، چنین جامعه‌ای با کمترین نوسانات و بحران‌های اقلیمی، دچار مشکل خواهد شد. البته آسیب‌پذیری جامعه ارتباط بسیار نزدیکی با مدت بحران نیز دارد. برای مثال، اگر خشک‌سالی طی دو سال متوالی در یک جامعه رخ دهد، اما به آستانه‌ی آسیب‌پذیری جامعه نرسد، چنین جامعه‌ای آسیب زیادی نخواهد دید، اما اگر بحران‌های اقلیمی مدت زمان کمی دوام داشته باشد، اما از آستانه‌ی آسیب‌پذیری جامعه عبور کند، چنین



اقلیمی به اجبار وارد محیط می‌شوند (محیط زندگی افراد) و سپس سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد. مخاطرات اقلیمی از دور راه می‌توانند بر سلامتی انسان تأثیر بگذارند:

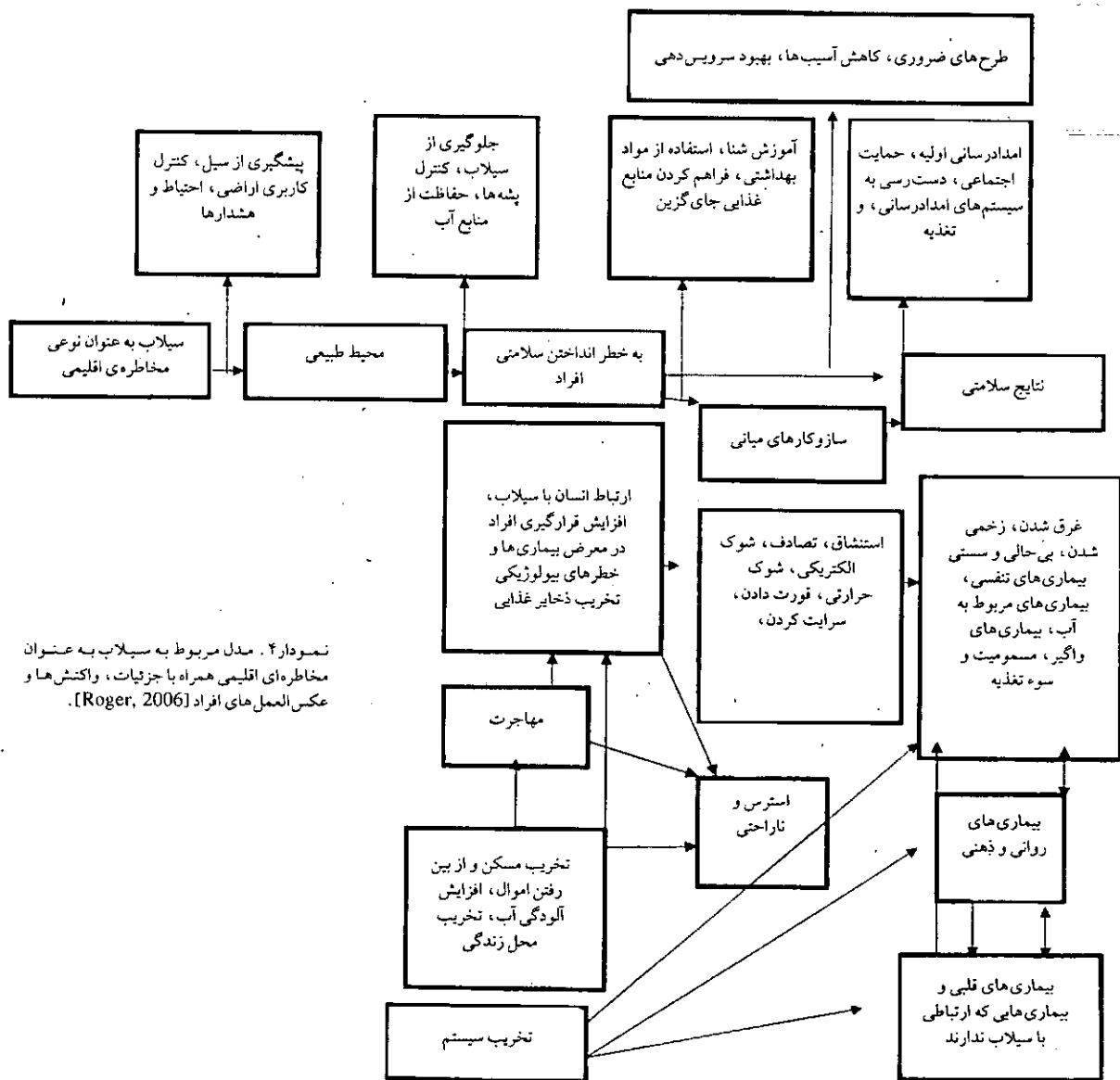
۱. مستقیم: از طریق جلوگیری از امداد رسانی سیستم‌های مربوط.

۲. غیر مستقیم: از طریق فشارهایی که بر ذهن و سیستم‌های روانی افراد وارد می‌کنند؛ از جمله: تخریب سرپناه، مهاجرت و...

نمودار ۴ مدلی از سیلاب را به عنوان نمونه‌ای از مخاطرات اقلیمی ارائه می‌کند که در آن، جزئیات بیشتری در ارتباط با راه‌های تأثیرگذار مخاطرات اقلیمی و هم‌چنین سازوکارهای میانی و مداخله‌کننده و عکس‌العمل افراد و سازمان‌ها و انواع نتایج سلامتی را نشان می‌دهد. برای مثال، وقتی سیلاب وارد محیط انسان می‌شود، می‌تواند از طریق تخریب منابع آب و بهداشت، سلامتی انسان را به مخاطره بیندازد. هریک از مراحل موجود در این مدل، با عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری که

قبلاً مورد بحث واقع شدند، ارتباط تنگاتنگی دارد. به این معنی که توسعه و شیوع بیماری، تنها به عواملی نظیر کیفیت دست‌رسی به سیستم‌های کمک‌رسانی و امداد (محیط بیرونی) و توانایی دست‌رسی به نیروهای امدادی (محیط شخصی) بستگی ندارد، بلکه به وضع تغذیه‌ی افراد نیز وابسته است.

در هر کدام از مراحل این مدل، بعضی سازوکارهای افراد و سازمان‌ها برای جلوگیری از پیشرفت مخاطرات می‌توانند کارساز باشند. هر نوع واکنش سازمان‌ها و دولت‌ها، با شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. برای مثال، اگر شرایط اقتصادی جامعه در حد مطلوبی باشد، میزان خسارت جانی و مالی که جامعه متحمل می‌شود، بسیار اندک است و برعکس. از جمله وقتی سیلاب اتفاق افتاد، افراد و سازمان‌های مربوط، از طریق پیشگیری سیلاب، کنترل کاربری اراضی، احتیاط و هشدارها برای جلوگیری از گسترش سیلاب، از شدت آسیب‌ها می‌کاهند. برای



نمودار ۴. مدل مربوط به سیلاب به عنوان مخاطره‌ای اقلیمی همراه با جزئیات، واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های افراد [Roger, 2006].

روشن شدن مطلب و چگونگی تأثیر عوامل زمینه‌ای در واکنش‌های افراد، جدول ۲ راهگشاست. این جدول خلاصه‌ای از فهرست عوامل مخاطرات اقلیمی را آشکار ساخت (نمودار ۵). در هر کدام از این مراحل، جوامع و افراد و سازمان‌های دولتی مربوط می‌توانند، برای

جدول ۲. عوامل زمینه‌ای تأثیر گذار بر سلامتی افراد [Burton, etal, 1978 and Roger, 2006].

عوامل	مثال
عوامل اجتماعی و فرهنگی شبکه‌های اجتماعی ارتباط افراد عقاید و آداب و رسوم طرز برخورد با مخاطره‌ی اقلیمی سیستم‌های آموزشی	دست‌رسی به امدادهای روانی تحرک و پویایی در مواقع ضروری رویکردها در مورد ذخایر آب و جلوگیری از آلودگی آن طرح‌های آموزشی در مواقع ضروری در مؤسسات سلامت و بهداشت فهم و درک مخاطرات طبیعی و روش‌های محافظت از خود در برابر آن‌ها
عوامل اقتصادی ساختار اقتصادی جامعه سیستم‌های انبار و نگه‌داری و فروش دست‌رسی به بیمه دست‌رسی به فناوری زیربنای اقتصادی	فرصت‌های شغلی جای‌گزین برای تأمین درآمد واردات غذا در حین بحران فراهم کردن امکانات در بیرون از محل سکونت مطمئن بودن سیستم‌های هشدار دهنده دست‌رسی طبیعی به تسهیلات سلامتی و بهداشتی
عوامل سیاسی و نهادها خط‌مشی‌ها و آیین‌نامه‌ها ساختار نهادها جامعه‌ی مدنی مشارکت جامعه ارتباط هم‌شهریان و ایالت‌ها مداخلات بیرونی	عملیات مدیریت خطر در مکان‌های عمومی هماهنگی بین سیستم‌های بهداشتی محلات هماهنگی بین شبکه‌های داوطلب در مورد جلوگیری از مخاطرات تربیت جامعه در مواقع ضروری اعتماد به سیستم‌های هشدار دهنده فعال بودن نمایندگی‌های درمانی و پزشکی کشورهای دیگر
عوامل محیطی توزیع زمین دست‌رسی به منابع طبیعی تخریب محیط	دست‌رسی به توالت‌های عمومی در مناطق حاشیه‌ای فرصت‌ها و درآمدهای جای‌گزین آلودگی منابع آب جای‌گزین پیشرفت مداوم وضع سلامتی و بهداشتی

زمینه‌ای را که بر سلامتی افراد تأثیر دارند، نشان می‌دهد. ذکر این نکته لازم است که هیچ کدام از این عوامل، زمینه‌ای ثابت و پایدار ندارند، بلکه در طول زمان و تحت تأثیر عوامل دینامیکی دیگر جامعه، در حال تغییر هستند. یکی از مزیت‌های عمده‌ی مدل مربوط به راه‌های تأثیر گذار مخاطرات بر سلامتی انسان این است که می‌توان از طریق آن، تفاوت‌های واکنش‌ها و فرصت‌های جامعه در برابر

جلوگیری از اثرات زیان‌بار مخاطرات، راه‌های پیشگیری کننده‌ای را ارائه دهند و در سلسله مخاطراتی که در پی هم می‌آیند، مداخله کنند. جدول ۳ میزان اعتبارات اختصاص یافته به بخش‌هایی را که در اثر مخاطرات و حوادث غیر مترقبه در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ آسیب دیده‌اند، نشان می‌دهد. هم‌چنان که مشاهده می‌کنید، میزان اعتباراتی که دولت مستلزم پرداخت آن است، رقم خیلی زیادی را به

خود اختصاص می‌دهد، در صورتی که اگر دولت، نهادها و سازمان‌های مربوط بتوانند به درستی در مقابل مخاطرات اقلیمی وارد عمل شوند، مطمئناً خسارات کمتری را متحمل خواهند شد.

شامل سازوکارهای روانی و فیزیولوژیکی
۳. کم شدن انرژی غذایی و تغییر در رژیم غذایی

جدول ۳. اعتبارات اختصاص یافته به بخش‌های خسارت دیده‌ی ناشی از حوادث غیر مترقبه طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۳ میلیارد ریال

ردیف	سال	بخش اماکن مسکونی و تجاری	بخش امور زیربنایی	تأمین آب شرب شهری و روستایی در مناطق دچار خشک‌سالی	بخش کشاورزی			سایر
					خسارت سبزی‌کاران توسط بیمه محصولات خشک‌سالی	سرمازدگی ناشی از بیماری وبا	کشاورزی	
۱	۱۳۸۳	۸۸۰	۱۷۵۰	-	۱۳۱۰	۹۱۰	۴۶۰	۱۱۷۶
۲	۱۳۸۴	۱۶۸۰	۱۳۶۰	۴۷۰	۳۳۰	۷۷۰	۱۵۰	۹۰۰
۳	۱۳۸۵	۱۴۵۰	۱۴۴۰	۳۵۰	۵۰۰	-	-	۱۰۰۰
-	جمع کل	۴۰۱۰	۴۴۳۰	۷۷۰	۲۱۴۰	۱۶۸۰	۱۵۰	۲۳۶۰

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ایران

۴. تغییرات متابولیک (سوخت و ساز بدن) در برنامه‌ی زمانی

فعالیت‌ها، محدودیت ویژه در انتخاب و انجام وظایف

۵. مهاجرت دائمی یا موقت از مکان استرس‌زا

۶. پوشش و ساختن نوعی محافظ بین موجود زنده و منبع استرس‌زا

۷. نصب و راه‌اندازی نوعی سیستم مصنوعی برای گرم کردن و سرد کردن محیط

بسته به شرایط ویژه‌ی سازشگر (انسان) و قوی بودن مخاطرات

اقلیمی، این فرایندها ممکن است غیرارادی (موارد ۱ و ۲) و احتمالاً (۳)

و یا ارادی (موارد ۴ تا ۷) باشد. کم مخاطره‌ترین این موارد به موارد

۱ و ۲ و خطرناک‌ترین و پرهزینه‌ترین آن‌ها به مورد ۷ مربوط است.

سازگاری

امروزه با توسعه‌ی فناوری، جوامع بشری راحت‌تر از گذشته می‌توانند خود را با مخاطرات اقلیمی سازگار کنند. در طول دوران گذشته، انسان‌ها مجبور بودند کیلومترها راه پیمایی کنند تا از مخاطرات اقلیمی در امان باشند؛ برای مثال، مهاجرت جوامع به عرض‌های جغرافیایی بالاتر، برای در امان بودن از گرمای استوایی. اما امروزه با استفاده از سیستم‌های پیشرفته نظیر سیستم تهویه‌ی مطبوع، انسان‌ها تا حدی توانسته‌اند خود را با شرایط اقلیمی و مخاطرات اقلیمی سازگار کنند.

سازگاری با مخاطرات اقلیمی می‌تواند به صورت زیر باشد [Russel & Thamson, 1997]:

۱. سازگاری فیزیولوژیکی، از تنش مربوط به تنگ‌شدگی جزئی رگ‌ها تا عرق کردن شدید و واکنش‌های متابولیک

۲. سازگاری با اقلیم (اقلیم‌پذیری) یا عادت کردن به اقلیم منطقه

اثرات مخاطرات اقلیمی بر رفتار انسان و بیماری و مرگ و میر

سازگاری با مخاطرات اقلیمی و محرک‌های شدید آب و هوایی

نظیر دمای حداکثر و دمای حداقل و یا تغییرات آب و هوایی در مقیاس

سینوپتیکی همیشه امکان‌پذیر نیست که به ناراحتی و اختلال در رفتار

انسان منجر می شود. در این مورد نیز سازگاری افراد با این مخاطرات باز هم به شرایط اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و محیطی بستگی دارد که افراد در آن زندگی می کنند. شمار زیادی از مطالعات در این مورد در دانشگاه شیکاگو و تورنتو انجام شده است. به طور کلی، در معرض مخاطرات اقلیمی قرار گرفتن، به کاهش بازدهی افراد برای انجام فعالیت های ذهنی و فیزیکی منجر می شود. تغییرات در الگوهای رفتاری، در ارتباط با متغیر بودن آب و هوا در دوره ای کوتاه مدت، ممکن است به رفتارهایی نظیر آشوب های خیابانی، پرخاشگری و تصادفات مربوط به ترافیک منجر شود و در دوره های طولانی تر ممکن است به مهاجرت، بیماری و مرگ و میر بینجامد. البته عوامل مؤثر اصلی برای انجام چنین رفتارهای غیراجتماعی همیشه کاملاً دقیق و مشخص نیست، اما می توان گفت انجام چنین رفتارهایی، تا حد زیادی به الگوهای تغییرات اقلیمی نسبت داده می شود. نتایج مطالعات رفتاری در یک سلسله آمار در ارتباط با این مسئله نشان می دهد، رفتارهای غیراجتماعی تابعی از مخاطرات اقلیمی از جمله گرمای محیطی، خصوصاً افزایش درجه ی حرارت بالاتر از حد آسایش انسان است.

بدن انسان در حالت طبیعی ۳۷ درجه ی سانتی گراد (دمای درونی بدن) و دمای پوست ۳۲ درجه ی سانتی گراد حرارت دارد. اگر انسان در محیطی که دمای آن بالاتر از درجه ی حرارت پوست است، قرار گیرد، شروع به جذب گرما و افزایش دما خواهد کرد و برعکس. در حالت اول، انسان احساس گرما و در حالت دوم احساس سرما خواهد کرد. چنانچه کاهش دمای محیط یا افزایش آن به طور ناگهانی انجام گیرد و فرد نتواند از راه های گوناگون، خود را در برابر این تغییرات محافظت کند، دچار سرماخوردگی یا گرمادگی خواهد شد. درجه ی حرارت علاوه بر اثرهای مستقیم، به طور غیرمستقیم نیز بر بیماری ها و گسترش آن ها اثر می گذارد. به این ترتیب که گرمای هوا موجب تحرک و افزایش تولید مثل برخی میکروب ها و ویروس های بیماری زا می شود و از این طریق بر به وجود آمدن و گسترش بیماری ها اثر می گذارد. برای مثال، در جدول ۴ اثرات گرم شدن هوا بر بروز بیماری ها در مناطق گوناگون جهان نشان داده شده است.

فرا تر از اختلال رفتاری، قرار گرفتن در محیط هایی که پارامترهای اقلیمی پی در پی در حال تغییر هستند، باعث به خطر افتادن سلامتی انسان می شود که ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و یا از طریق تضعیف مقاومت ارگانیسم در برابر بیماری عمل کند. اگرچه مفهوم آسایش برای افراد، متفاوت و تابعی از خصوصیات زیستی و فعالیت های جسمانی است، ولی چنانچه درجه ی حرارت خشک پایین تر از ۱۸ تا ۱۶ درجه ی سانتی گراد باشد، قاعدتاً هر فردی احساس سردی خواهد کرد. فرمولی در مورد ضریب آسایش پیشنهاد شده که با درجه حرارت و رطوبت در ارتباط است (رامسل، تامسون و پاری ۱۹۷۸، رامشت،

[۲۰۰۶].

$$TH = 0.4(ta + tu) + 4/18$$

در این فرمول:

TH = شاخص آسایش در برابر اقلیم

Ta = درجه ی حرارت خشک به سانتی گراد،

T = درجه ی حرارت مرطوب به سانتی گراد،

در شرایطی که جابه جایی هوا کم است، این شاخص تحت تأثیر درجه ی حرارت قرار می گیرد.

چنانچه عددی که از معالای فوق به دست می آید، بیشتر از ۷۰ باشد، اکثر افراد احساس ناراحتی می کنند و اگر این رقم به ۷۹ برسد، تحمل شرایط برای هر فردی دشوار خواهد بود. دامنه یا شرایطی که یک گروه مشخص در آن احساس آرامش و آسایش کنند، «منطقه ی آسایش» نامیده می شود. این عامل به همان اندازه که به اقلیم بستگی دارد، به خصوصیات آن گروه نیز وابسته است. آن چه گفته شد بیشتر جنبه ی کلی و آماری دارد. تغییرات پی در پی عناصر اقلیمی نظیر سرما و گرما بر سیستم تنظیم حرارتی بدن انسان تأثیر می گذارد و چون خارج از منطقه ی آسایش انسان است، آن را دچار مشکل می کند و به بیماری های قلبی، مغزی، تنفسی، کلیوی،

جدول ۴. اثرات گرم شدن جهانی هوا بر سلامتی افراد در مکان های گوناگون جهان [Haines, et al, 2006].

نقشه	اثرات گرم شدن هوا بر سلامتی
آفریقا	کاهش زمین های زراعی و افزایش حداکثر های اقلیمی منجر به سوء تغذیه و افزایش بیماری های واگیر، خصوصاً مالاریا همراه با افزایش مرگ و میر نوزادان، افزایش بیماری های مربوط به دهان همراه با افزایش مرگ و میر مربوط به اسهال افزایش استرس های جدید در مورد کاهش منابع غذایی و عدم توجه به بیماری های نظیر HIV
مناطق قطبی و شمالی	از دست دادن منابع غذایی بومی با تغییرات الگوهای مهاجرت و عقب نشینی یخ ها کاهش حجم یخ های قطبی که بر مناطق ساحلی تأثیر می گذارد سرد شدن جریان های که هم اکنون باعث ملایم شدن آب و هوای اروپا و آمریکای شمالی می شوند
استرالیا	افزایش مرگ و میر در اثر فشارهای ناشی از گرما افزایش بیماری های واگیردار نظیر تب بسیار شدید و مالاریا نابودی سواحل و اسکله های ماهی گیری افزایش بیماری های دهانی خصوصاً در مناطق فقیر کاهش کیفیت هوا که به بیماری های تنفسی منجر می شود
اروپا	افزایش مرگ و میر ناشی از گرما کاهش کیفیت هوا که به بیماری های تنفسی می انجامد گسترش بیماری های واگیر نظیر التهاب مغز
ایالت های واقع در جزایر کوچک	گسترش بیماری های مربوط به تب شدید و وبا کاهش زمین های ساحلی تغییرات در جامعه ی آب زیان که به سوء تغذیه منجر می شود
آمریکای لاتین	افزایش بیماری های واگیردار شامل مالاریا گسترش بیماری های از طریق آب، نظیر وبا افزایش آلودگی هوا و افزایش شدید آزون سطح زمین که به بیماری های تنفسی می انجامد
آمریکای شمالی	افزایش بیماری های واگیر نظیر التهاب مغز در اثر شرایط شدید فصل ها کاهش کیفیت هوا و افزایش بیماری های تنفسی نابودی سواحل و افزایش حداکثر های اقلیمی که باعث می شود، منابع اقتصادی در دست رس مردم قراض نگردد
آسیای میانه	گسترش بیماری مالاریا در اثر وجود حشرات، کرم ها و حشرات ها، افزایش بیماری های مربوط به آب، خصوصاً در مناطق فقیر، کاهش کیفیت هوا و افزایش بیماری های تنفسی

و بیماری مربوط به غده‌های درون‌ریز، رماتیسم و سل منجر می‌شود. مخاطرات اقلیمی در صورت شدید بودن می‌توانند باعث مرگ انسان شوند. برای مثال، یک موج گرمایی در سال ۱۹۳۰ در ایالات متحده سبب مرگ بیش از ۱۵۰۰ نفر شد. جدول ۵ میزان مرگ و میر

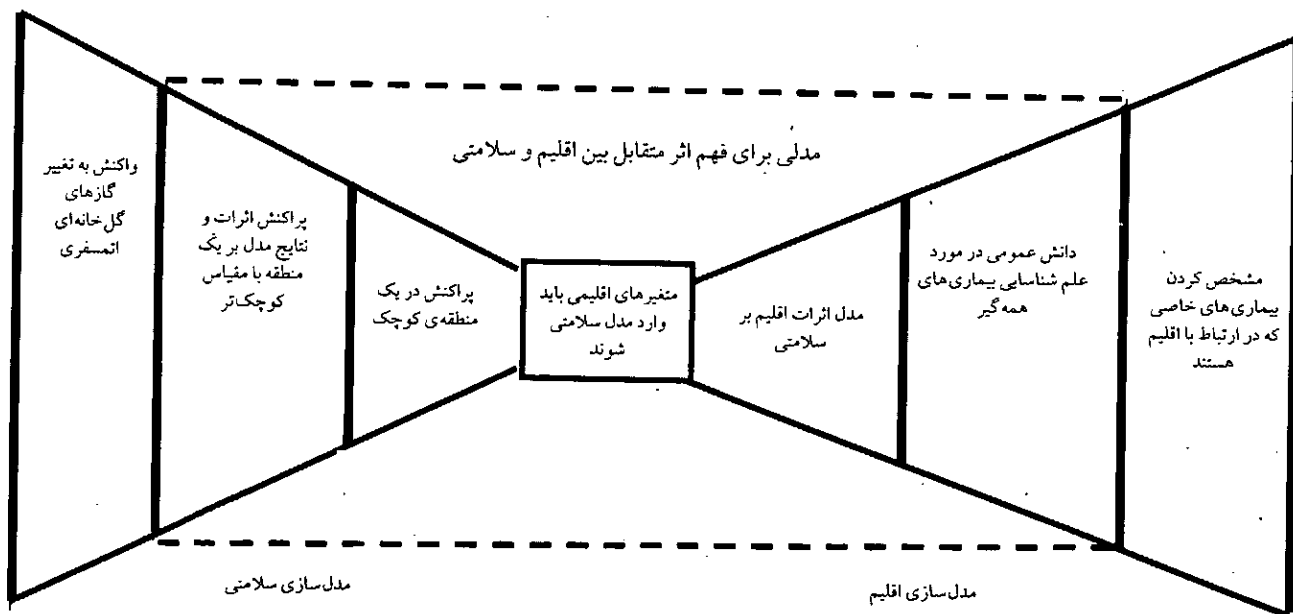
جدول ۵. میزان مرگ و میر ناشی از موج گرمایی در سال ۲۰۰۳ در اروپا [Haines, et al, 2006].

مکان (تاریخ)	تعداد کشته (درصد افزایش)	منبع
انگلستان و والز (۴-۱۳ اوت)	۲۰۹۱ (۰٫۱۷)	Johnson et al
ایتالیا (۱ ژوئن تا ۱۵ اوت)	۳۱۳۴ (۰٫۱۵)	Conti et al
فرانسه (۱ تا ۲۰ اوت)	۱۴۸۰۲ (۰٫۶۰)	Anon
پرتغال (اوت)	۱۸۵۴ (۰٫۴۰)	Botelho et al
اسپانیا (ژوئیه تا اوت)	۴۱۵۱ (۰٫۱۱)	Simon et al
سوئیس (ژوئن تا سپتامبر)	۹۷۵ (۰٫۶۹)	Grize et al
هلند (ژوئن تا سپتامبر)	۲۰۰۰-۱۴۰۰ (به طور کامل گزارش نشده است)	Grassen et al
آلمان (۱ تا ۲۴ اوت)	۱۴۱۰	Sozialministerium Baden Wuerttemberg

ناشی از موج گرمایی در سال ۲۰۰۳ را در اروپا نشان می‌دهد. با وجود ارائه‌ی مدل‌های اقلیمی و پیشرفت‌های پزشکی، هنوز هم نیازی حیاتی به یک خط مشی اساسی در ارتباط با راهبردهای سازگار با اثرات سلامتی گرم شدن جهانی هوا وجود دارد و برای پاسخ‌گویی به این نیاز ضروری است، عالمان اقلیم و پزشکی با هم کار کنند و از یافته‌های یکدیگر بهره بگیرند. هانتینگفورد و گاش در سال ۲۰۰۵

پیشنهاد کردند، یک مجموعه مراکز عالی در ارتباط با علم اقلیم در کشورهای کم‌درآمد ایجاد شوند تا با فراهم کردن یک سلسله تکنیک‌ها، اثرات تغییرات اقلیم را پیش‌بینی کنند و این کشورها نیز قدرت اداره کردن تغییرات اقلیم را به دست آورند.

علاوه بر این، برنامه‌ریزان تحقیقات جهانی، در حال طراحی برنامه‌ای با قدرت ابتکار جدید بین‌المللی برای شناسایی تغییرات جهانی زیست محیطی و سلامتی انسان است. هدف این برنامه، ایجاد انگیزه برای همکاری جوامع علمی پزشکی و اقلیم با هم است. موضوع مهم این است که چگونه می‌توان نتایج مدل جهانی اقلیم را، با مدل‌هایی که وقوع بیماری را از داده‌های اقلیمی پیش‌بینی می‌کنند، ارتباط داد. برای آن‌که نتایج مدل جهانی اقلیم با مسائل سلامتی محلی ارتباط داشته باشند، باید هم مقیاس و هم ارتباط نتایج مدل آشکار و مشخص شود و به این منظور ضروری است، عالمان اقلیم و پزشکی در زمینه‌های مربوطه با هم همکاری کنند. این کار هم وقت‌گیر است و هم به بی‌تقصیبی و سازش نیاز دارد. ارتباط بین بیماری‌ها و سلامتی با مدل جهانی اقلیم پیچیده است و بهترین راه حل برای این مسئله، ارتباط دادن مدل جهانی اقلیم با مدل‌های سلامتی در دست‌رس است. در نمودار ۵، سطوح متفاوت دانش در مورد اثرات اقلیم بر سلامتی



نمودار ۵. مدلی برای فهم اثر متقابل بین اقلیم و سلامتی انسان [Huntingford, et al, 2006]

بر خورد افراد با مخاطرات اقلیمی بر عهده دارند. دولت‌ها می‌توانند از طریق بیمه کردن اموال مردم و کمک‌های مالی به افراد باعث دلگرمی مردم شوند تا هنگام مواجه شدن با مخاطرات، به آسیب کمتری دچار شوند.

زیرنویس

۱. علت قرار گرفتن سیلاب و گردباد در جدول ۱، وجود ارتباط نزدیک بین این دو پدیده است (گذشته از تخریب‌های حاصل از بادها، اثرات عمده‌ی گردبادها نیز از سیلاب‌ها سرچشمه می‌گیرند).
۲. آتش‌سوزی و خشک‌سالی ارتباطی نزدیک با یکدیگر دارند (خشک‌سالی باعث آتش‌سوزی نیز می‌شود).

منابع

۱. رامشت، محمدحسین (۱۳۷۶). انسان و تغییرات اقلیمی. نیوار. تهران.
۲. ساری صراف، بهروز (۱۳۷۱). نقش اقلیم در پیدایش و پراکنش بیماری‌ها. نیوار. تهران.
۳. کاویانی، محمدرضا (۱۳۸۰). میکروکلیماتولوژی.
4. Roger. Few (2006). Health and climatic hazards: framing social research on vulnerability, response and adaptation. Global environmental change, 16:p 8-10.
5. Khasnis, Atul, A. Nettleman, Mary D.(2005T). Global Warming and Infectious Disease 36:689-698
6. Climate change and human health: risks and responses (2003). World health organization, Genva, pp:267-283
7. Barry, smit; Wandel, Johanna(2006). adaptation, adaptive capacity and vulnerability, Global environmental change 16:258-259.
8. Russel, Thampson & Parry (1997). Applied climatology, p:126-168.
9. Burton, I; Kates, R.W; White, G.F (1978). The Environment as Hazard. Oxford University Press, New York.
10. Haines, A. Kovats, R S; Campbell-Lendrum, D; Corvalan, C; (2006). Climate change and human health: vulnerability, and mitigation., Harben Lecture.
11. Sutherst, R W (1998). Implications of global change and climate variability for vector-borne diseases: generic approaches to impact assessments, International Journal for Parasitology: 824-834.
12. Hitz, Samuel & Smith, Joel (2004). Estimating global impacts from Climate change, Clobal environmental change 14:201-218.
13. Huntingford, C; Hemming, D; Gash, J.H.C; Gedney, N; Nuttal, P.A; (2006). Impact of climate change on health: what is required of climate modelers? the Royal Society of Tropical Medicine and Hygiene (2007) 101:97-103.

انسان به وسیله‌ی فواصل بین خطوط مشکی به هم پیوسته‌ی بالا و پایین نشان داده شده است. اثرات مدل جهانی اقلیم، مستقیم و غیرمستقیم بر مناطق کوچک مقیاس تأثیر می‌گذارند. برای درک اثرات خاص تغییرات اقلیم بر سلامتی، نیاز است که فواصل بین خطوط محدود در نظر گرفته شود (محدوده‌ی مورد نظر به دقت مورد مطالعه قرار گیرد) و نیاز است که با تحقیقات بیشتر، شرایطی مهیا سازند که فواصل بین این خطوط بیشتر شود (اثرات مخاطرات اقلیم بر سلامتی انسان کمتر شود).

نتیجه‌گیری

مخاطرات اقلیمی اصولاً ماهیتی پیچیده دارند و در شرایط کنونی بسیاری از آن‌ها خارج از کنترل انسان به نظر می‌رسند. اما این آسیب‌پذیری نتیجه‌ی عملکرد عوامل انسانی است و همان‌طور که می‌دانیم، پیشگیری از حادثه بهتر از واکنش در مقابل حادثه است. بنابراین، ارتقای دانش و آگاهی‌های عمومی، خود عامل مهمی در کاهش اثرات بلایای طبیعی محسوب می‌شود و درک درست وقایع و پدیده‌های طبیعی به پیش‌بینی، پیشگیری و تقابل منطقی و درست با آن‌ها منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، به حداقل رساندن خطرات ناشی از رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی که گاه خودساخته‌ی انسان و تحمیل او بر طبیعت و محیط پیرامون خویش است، با انتخاب راهکارهای مؤثر امکان‌پذیر است. اثرات مخاطرات اقلیمی بر سلامتی انسان غالباً به صورت منفی و خیلی سنگین است؛ به خصوص در کشورهای کم‌درآمد که در سازگاری با مخاطرات اقلیمی هستند. آسیب‌پذیری جوامع ارتباط بسیار نزدیکی با عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد و این عوامل تعیین‌کننده‌ی میزان دامنه‌ی آسیب‌پذیری هستند. به این معنی، اگر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه در حد مطلوبی نباشند، چنین جامعه‌ای دارای دامنه‌ی آسیب‌پذیری بیشتری خواهد بود و در صورت مواجه شدن با مخاطرات کمتر دچار بحران خواهد شد. راهبردهای سازگاری با مخاطرات می‌توانند مانع از اثرات متنوع مخاطرات شوند، اما همیشه امکان سازگاری با مخاطرات اقلیمی مهیا نیست. بهترین راه برای جلوگیری از مخاطرات اقلیمی این است که اقلیم‌شناسان و پزشکان از یافته‌های یکدیگر استفاده کنند و در زمینه‌های متفاوت با هم همکاری داشته باشند. لازمه‌ی چنین امر مهمی این است که ابتدا مسیرهای ورود مخاطرات اقلیمی به محیط انسان را شناسایی کنیم و سپس سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی که در آن جامعه وجود دارد، وارد عمل شوند تا از گسترش مخاطرات به داخل محیط زندگی افراد جلوگیری کنند. در هر کدام از مراحل و مسیرهای ورود مخاطرات، سازمان‌ها با توجه به مهارت‌هایی که دارند، می‌توانند از راهکارهای متفاوتی استفاده کنند. دولت‌ها نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب‌ها و نحوه‌ی



ابن بطوطه



ابوریحان بیرونی

جغرافیا از اسلام تا رنسانس اروپا

(گذری بر مباحث تمدن شناسی)

گردآورنده: علی خلیلی*

چکیده

اهمیت آشنایی مسلمانان با مناطق گوناگون، کوچ نشینی، تجارت و جهت یابی، هم چنین ضرورت گسترش اسلام و نیز بگوش های قرآنی به مسائل علمی، موجب گرایش هر چه بیشتر آنان به علوم گوناگون از جمله جغرافیا شد. جغرافی دانان مسلمان سال های بسیاری را در مسافرت به سراسر سرزمین های اسلامی سپری کردند و به شرح نکات و دقایق بسیاری درباره ی بعضی نواحی پرداختند. توصیف ابن جامی از اسکندریه، یکی از مهم ترین آثار جغرافیای طبیعی قرون وسطاست. در همین رابطه، می توانیم دانشمندان بسیاری چون بکری، غرناطی، المازنی، منجم، العبدری، ابن جبیر، مغربی و از همه معروف تر ادریسی را نام ببریم که همگی توانستند با تلاش خود، اثرات تمدن اسلامی بر علم جغرافیا را احیا کنند تا ما امروز بتوانیم با افتخار بگویم، تمدن غرب وام دار تمدن اسلامی و نیز برگرفته از تمدن های قبل از خود است که هر کدامشان نقش بسیار مهمی در حفظ و تحول تمدن امروزین ما داشته اند.

مقدمه

بارزترین اقدام تمدن های جدید که بر سر کار می آیند، اضمحلال آثار تمدن های قبل از خود است. آن ها یادواره های عظیم و نمادهای تمدن قبل را از بین می برند و با اقدامات جدید، می خواهند خود را چهره ی برتر نشان دهند. امروزه دنیای غرب به عنوان سردمدار تحولات صنعتی و علمی و در قالب تفکر تمدن نوین جهانی که می خواهد در همه ی عرصه ها جولان دهد، تمام کوشش و تلاش خود را بر آن داشته که همه ی علوم و نتایج آن را به خود و یا اجداد خویش (یونان قدیم) منتسب گرداند و رد پای تمدن های دیگر، به ویژه تمدن رقیب و پراوازه ی خویش، تمدن اسلامی را پاک کند و یا بی رنگ نشان دهد. با وجود اعترافات که در کتاب های «تاریخ تمدن ویل دورانت» (به ویژه جلد یازدهم)، «تاریخ تمدن اسلام و عرب» گوستا و لوبون و «تاریخ قرون وسطا» نوشته ی آلبن ماله و ده ها کتاب دیگر آمده است [آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۶]، تمام تلاش فرهنگ و تمدن غرب این

است که اثرگذاری تمدن اسلامی بر علوم گوناگون را به فراموشی سپارد و در حد اعلاّی تصور متصفانه ی خویش، تمدن اسلامی را تنها پل واسط و ارتباطی تمدن یونان باستان با اروپای امروزی بداند. لذا به عنوان کارشناس علوم اجتماعی و با انجام مطالعات قبلی در این زمینه، مبنی بر اثرگذار بودن تمدن اسلامی بر حوزه های گوناگون علوم، در پی گردآوری اسناد و مدارک برآمدم تا با شیوه ای علمی و مستند و بدون غرض ورزی های شخصی و نتیجه گیری های مغرضانه و سرپوش گذاشتن بر واقعیت های موجود، قدمی کوچک در جهت احیای اثرات ارزنده ی تمدن اسلامی بر تمدن و فرهنگ غرب و به خصوص فرهنگ و تمدن دنیای امروز بردارم. از آن جا که اولین اسناد و مدارک در این زمینه، در حوزه ی علم جغرافیا به دست آمد، لذا بر آن شدم که ابتدا اثرات تمدن اسلامی را بر علم جغرافیا مطالعه کنیم. حاصل این مطالعه مقاله ای است که تقدیم می شود.

اصطلاح جغرافیا و استنباط مسلمانان از آن

اصطلاح جغرافیا (یا جئوگرافیا و جز آن)، عنوان آثار ماریوس از اهالی صور (حدود ۷۰ تا ۱۳۲ م) و لوددیوس بظلمیوس (حدود ۹۰ تا ۱۶۸ م) بوده است که در زبان عربی به «صورة الارض» ترجمه شده و عنوان برخی آثار جغرافی دانان مسلمان قرار گرفته است. مسعودی (متوفی ۳۴۵ هـ. ق) این اصطلاح را «قطع الارض» (درنوردیدن زمین) تبیین کرده است. به هر حال، جغرافیا اول بار در رسائل اخوان الصفا به معنای «نقشه ی جهان و اقالیم» به کار رفته است. مسلمانان جغرافیا را به منزله ی علمی که هم چون امروز، دارای تعریفی روشن و حدود چارچوب و محتوایی مشخص باشد، نمی شناختند. متون جغرافیایی مسلمانان در میان علوم متعدد پراکنده بود و رساله های مستقلی که درباره ی جنبه های جغرافیا نوشته می شد، عنوان هایی مانند «کتاب البلدان» و «صورة الارض»، «المسالک و الممالک»، «علم الطرق» و مانند آن داشت [تشنز، ۱۳۶۸: ۵۴].

عوامل گرایش مسلمانان به علم جغرافیا

۱. خیلی از مسلمانان قبل از اسلام و حتی بعد از آن، کوچ نشین و چادر نشین بودند و لزوماً باید با مناطق گوناگون و جهت یابی ها آشنایی می داشتند.
۲. بسیاری از مسلمانان قبل از اسلام، و سپس با گسترش اسلام و افزایش راه های تجارتی، به تجارت مشغول بودند. در نتیجه باید با سرزمین ها و عرض های جغرافیایی و... آشنا می شدند. این موضوع خود لزوم اطلاع از علم جغرافیا را موجب می شد [خلیلی فر، ۱۳۴۰: ۴۶].
۳. نگرش های اسلامی و قرآنی در رابطه با علم جغرافیا، خود

تقویت کننده ای بسیار خوب برای پیشرفت علم جغرافیا شد.

۴. اعراب، به دلیل موقعیت جغرافیایی منطقه ی خود، به موضوعات مربوط به دانش جغرافیا علاقه ای موروثی داشتند. آنان حتی پیش از تولد حضرت مسیح (ع) و پس از آن، در شمار بزرگ ترین بازرگانان و دریانوردان دریای عرب، اقیانوس هند و دریای چین قرار داشتند. زبان عربی پر است از کلماتی که برای کشتی، قایق، شرایط دریا، سطح، طوفان، اجرام آسمانی، تبادل کالا و تجارت به کار می رفته اند. این فعالیت ها شدیداً تحت تأثیر وضع جغرافیایی شبه جزیره ی عربستان قرار داشتند. این سرزمین در نیمه راه میان شرق و غرب واقع بود و تمام زمین های حاصل خیزش در یمن، یمامه، عمان، بحرین و... و حتی حجاز که بسیار خنک ولی لم یزرع بود، در ساحل دریا قرار دارد و سرزمین حجاز بر کنار راه های تجاری از دریای عرب و دریای سرخ به سوی دریای مدیترانه گسترده است [نفیس، ۱۳۶۸: ۱۵].

جغرافی دانان مسلمان

۱. جغرافی دانانی که سال های بسیاری را در مسافرت به سراسر سرزمین های اسلامی و حتی به نواحی دوردست غیر اسلامی سپری کردند؛ مثل: ابن حوقل، مسعودی، مقدسی، ادریسی، ابوالعباس البیاتی اهل اشبیلیه (سوپل) و ابن ببطار اهل «مالاگا» (که هر دو گیاه شناسانی بنام بودند) و ابن بطوطه، در شمار سیاحان بزرگ هستند. سلیمان تاجر، بزرگ بن تاجر، ابن المعجد و سلیمان المهری نیز از جمله ی دریانوردان بودند و نوشته هایی که از آن ها به جا مانده اند، اهمیت بسیار دارند.
۲. جغرافی دانانی که به شرح نکات و دقایق بسیاری درباره ی بعضی نواحی پرداخته اند. اثر خطیب بغدادی (ف ۴۶۳ هـ. ق) درباره ی جغرافیای بغداد، «فارس نامه» اثر ابن بلخی، توصیف ابن جامی از اسکندریه و توصیف عبداللطیف از مصر، مهم ترین آثار جغرافیایی طبیعی قرون وسطا هستند [نفیس، ۱۳۶۸: ۲۲].

دانشمندان معروف مسلمان در علم جغرافیا

۱. هشام بن محمد الكلبي (۲۰۴ هـ. ق): قدیمی ترین نوشته ی شناخته شده ی مسلمانان که درباره ی موضوعات جغرافیا بحث می کند، اثر هشام بن محمد است که خود مرجعی معتبر در تاریخ عربستان پیش از اسلام به شمار می رود. اما تنها اندکی از آثار او موجود است. او حدود ده کتاب حاوی موضوعات جغرافیایی نوشته است.
۲. محمد بن موسی خوارزمی: (نیمه ی اول قرن نهم میلادی) اساس علم جغرافیای عربی را پایه ریزی کرد. وی و دستیارانش که بالغ بر ۹۹ نفر می شدند، به فرمان مأمون، نقشه ی آسمان و زمین را

ترسیم کردند و فعالیت موفقیت آمیزی را در اندازه گیری پیرامون زمین که معتقد بودند کره‌ی شکل است، آغاز کردند [شریف، ۱۳۵۹: ۱۸۱]. وی در جغرافیا کتابی دارد به نام «صورة الارض».

۳. مقدسی: در نیمه‌ی قرن نهم میلادی به جهانگردی پرداخت و در مدت ۲۰ سال، پیوسته به نقاط پراکنده‌ی گیتی سفر کرد. او کتابی نوشت که دایرةالمعارفی در جغرافیا به شمار می‌رود.

۴. ابویوسف یعقوب، کندی: فیلسوف نامدار، معاصر خوارزمی و از او جوان‌تر که در سال ۲۶۰ هـ. ق درگذشت. ابویوسف کتابی دارد به نام «رسم المعمور من الارض» که توصیف مناطق مسکونی زمین است.

۵. احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح العباسی، یعقوبی: مصری و از خاندان خلفای عباسی و شیعه بود. او در دربار طاهریان در خراسان زندگی می‌کرد و کثیرالسفر بود. در سال ۲۷۸ هـ. ق چیزی شبیه به فرهنگ امروز جغرافیا نوشت به نام «البلدان» که جزئیاتی در مورد اماکن بی‌شمار می‌دهد.

۶. ابن بطوطه: ۳۲ سال از زندگی خود را در سیاحت مصر، عربستان، فلسطین، روسیه، عراق، ایران، افغانستان، هندوستان، چین و آفریقا تا «تومبوکتو» صرف کرد. گزارش مسافرت‌های ابن بطوطه مشحون از اطلاعات مهمی است که او از راه سیاحت و مشاهده جمع‌آوری کرده است. این گزارش در عین حال که از نظر جغرافیایی اهمیت بسیار دارد، توصیف جالب از اجتماع و تمدن مسلمانان نیمه‌ی اول قرن ۱۴ م است [خلیلی فر، ۱۳۴۰: ۴۸].

۷. یاقوت حموی (ابن عبدالله رومی): یونانی الاصل که در سال ۵۷۴ هـ. ق به دنیا آمد و در سال ۶۲۹ در حلب از دنیا رفت. هنوز پسر بچه بود که اسیر شد و بعد بازرگانی حموی مقیم بغداد، او را خرید و از آن جا به حموی مسمما گشت. وی یکی از نامورترین جغرافی نویسان مسلمان است، چنان‌که در کتاب «جغرافیای عالم اسلام»، وی را به عنوان مشهورترین جغرافی دان مسلمان معرفی می‌کند. اثر یاقوت حموی از این نظر که از دنیای اسلام، پیش از تباهی فرهنگ آن توسط مغولان تصویری به دست ما می‌دهد، اهمیت فراوان دارد.

وی ابتدا عهده‌دار انجام سفرهای تجارتنی برای اربابش شد، اما پس از سومین سفر خود به جزیره‌ی کیش به سال (۵۹۰ هـ. ق) ولی نعمت خویش را ترک گفت، در زمرة‌ی شاگردان عکبری درآمد و پس از کسب پاره‌ای معلومات، کتاب فروش شد. سرانجام هم تصمیم گرفت خود کتاب بنویسد. در سال (۶۱۰ هـ. ق) دوباره به سفر رفت؛ ابتدا به تبریز و بعد به موصول، سوریه و مصر. دو سال بعد سفر خود را به مشرق از دمشق آغاز کرد و در سال بعد به نیشابور رسید و در مرو تألیفات بسیاری را مطالعه کرد. به این ترتیب، خود را برای نوشتن آماده کرد. اما وقتی که در بلخ بود، خبر نخستین یورش ترکان تاتار را

شنید و در سال ۶۱۷ هـ. ق با سرعت به موصول بازگشت. یاقوت حموی دو اثر معروف دارد:

۱. «معجم البلدان» که در ۲۰ ربیع الاول ۶۲۱ هـ. ق به پایان رسید. او پنج سال بعد از تألیف آن در حلب مرد. این کتاب اثری برجسته به زبان عربی، به خصوص در جغرافیاست [عارف، ۱۳۶۹: ۱۰۲]. معجم البلدان هر شهر و مکانی را که مؤلف توانسته است اطلاعاتی درباره‌ی آن به دست آورد، به ترتیب حروف الفبا توصیف می‌کند.

۲. «معجم الادبا» که علاوه بر نکات ادبی، اطلاعات جغرافیایی مفیدی را نیز فراهم آورده است.

یاقوت، کتاب‌های مهم جغرافیایی پیش از زمان خود را کاملاً بررسی کرد و در واقع مرجع تألیفات متعددی که دیگر در دست‌رسم ما نیستند، تنها در کتاب‌های او یافت می‌شوند [نفیس، ۱۳۶۸: ۵۲].

۸. موصلی (محمدبن علی بن محمد انصاری): مؤلف سفرنامه‌ی «عیون الاخبار» است که در آن، شرح سفر خود را به سراسر سوریه، فلسطین و مصر در سال ۵۸۵ هـ. ق توصیف می‌کند. این کتاب در «سیوته» نوشته شده و نام دانشمندان بزرگی را که مؤلف ملاقات کرده است نیز دربردارد.

دانشمندان اندلس در علم جغرافیا

اسپانیای نیز جغرافی دانان شایان اهمیتی را پرورش داد که بسیار سفر کردند، بررسی‌های دقیقی به عمل آوردند و در این زمینه کتاب‌های جامعی نوشتند.

۱. بکری (عبدالله بن عبدالعزیز): در «هودرا»^۱ به سال ۴۲۳ هـ. ق پا به جهان گذاشت و در «قرطبه»، همان‌جا که در سال ۴۷۸ هـ. ق از دنیا رفت، به کار پرداخت. فرهنگ جغرافیایی را به نام «معجم ما استعجم» نوشت و کتابی نیز درباره‌ی راه‌ها و سرزمین‌ها به نام «المسالک و الممالک» به رشته‌ی تحریر کشید که از تألیف آن به شهرت رسید. این کتاب نیز چون همه‌ی کتاب‌های جغرافیای قرون وسطا به روش راهنمای مسافران تألیف شده و یک جلد از آن به جاست [حتی، ۱۳۶۶: ۷۲۷].

۲. محمدبن ابوبکر الظهوری غرناطی: یکی از معدود نویسندگانی است که بر آثار خود نام جغرافیا نهاد. وی حدود سال ۵۳۲ هـ. ق می‌زیست.

۳. المازنی (عبدالله محمدبن عبدالرحیم المازنی القیسی اندلسی): در سال ۴۷۱ هـ. ق در «غرناطه» متولد شد و از معاصران ادیسی بود. او سال‌هایی را در مصر، بغداد، خراسان، حلب، صرف تحصیل کرد و در سال ۵۶۵ هـ. ق در دمشق درگذشت. از آثار اوست به نام «تحفةالباب و نخبةالاعجاب» است که به توصیف جغرافیایی

سفرهای دور و دراز اختصاص دارد. گزارش دیگری از سفرهای او به اسپانیا، آفریقا، دمشق، اردبیل، سواحل دریای خزر، دربند و سرزمین خزارها، به نام «نخبة الازهان فی عجایب البلدان» شناخته می‌شود. دو اثر مشهور وی عبارت‌اند از «المغرب عن بعض عجایب البلدان» (درباره‌ی کشور مغرب) و «تحفة الکبار فی اشعار الجبار» (درباره‌ی سفرهای دریایی) که یک نسخه‌ی آن در «آکادمی تاریخ مادرید» موجود است.

کند و در آن جا بود که در سال ۵۴۸ هـ. ق، رساله‌ی «نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق» را نوشت که به نام «رجاری» یا «کتاب راجر» نیز شناخته می‌شود. وی به جز این کتاب جاوید، کره‌ای آسمانی و یک نقشه‌ی جهانی نیز به شکل دایره برای مشوق اهل نرماندی خود فراهم کرد که هر دو از نقره بودند [حتی، ۱۳۶۶: ۷۷۶].

نتیجه گیری

بر اساس مطالب زیر، به راحتی می‌توان به اهمیت و نقش تمدن اسلامی در احیای علم جغرافیا پی برد:

۱. علم جغرافیا در تمدن اسلامی به نام «صورة الارض» و یا «قطع الارض» تبیین شده است.
۲. دانشمندان مسلمان زیادی در این زمینه تلاش کرده‌اند که حاصل آن، ده‌ها کتاب با موضوعات گوناگون در علم جغرافیا است.
۳. جدا از کلمات هم معنی جغرافیا که دانشمندان مسلمان ارائه کردند، محمدبن ابوبکر الظهوری غرناطی در حدود سال ۵۳۲ هـ. ق، برای اولین بار بر آثار خود نام جغرافیا را نهاد که اسناد آن موجودند. می‌توان نتیجه گرفت که تمدن اسلامی، هم رابط تمدن قدیم و جدید بوده و هم به عنوان تمدنی زنده و پویا اثرات خود را بر جای گذاشته است. نکته‌ی مهم تر این که در طول هزار سال خفقان، تمدن غربی در قرون وسطا امانت دار بسیار خوبی برای تمدن و فرهنگ بوده است.
۴. تمدن اسلامی به خصوص در زمینه‌ی جغرافیا، توانسته است از صدر اسلام تا رنسانس اروپا، موضوعات قابل بحثی را مطرح سازد، تا آن اندازه که در دوران نهضت ترجمه‌ی اروپا، اندلس (اسپانیای امروزی) مورد توجه بیشتر مترجمان اروپایی قرار گرفت. این سرزمین نقطه‌ی عطف تلاقی تمدن اسلامی با تمدن غربی شد.

زیرنویس

I. Huedra

* کارشناس علوم اجتماعی، دبیر علوم اجتماعی

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. اندیشه‌ی اجتماعی متفکران مسلمان. انتشارات سروش. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۶.
۲. تشز، مقبول احمد. تاریخچه‌ی جغرافیا در تمدن اسلامی. چاپ اول. ۱۳۶۸.
۳. حتی، فیلیپ خلیل. تاریخ عرب. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۶۶.
۴. خلیلی فر، حسین. جغرافیا از قدیم تا امروز. انتشارات علمی. تهران. ۱۳۴۰.
۵. شریف، محمد. منابع فرهنگ اسلامی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. قم. ۱۳۵۹.
۶. عارف، محمد. جغرافیای عالم اسلام. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۹.
۷. نفیس، احمد. خدمات مسلمانان به جغرافیا. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۶۸.

۴. منجم «اسحق بن حسین»: جغرافی دانی بود که به نظر می‌رسد اسپانیولی بوده است. گمان می‌رود وی بین سال‌های ۳۴۰ تا ۳۵۴ هـ. ق در مراکش زندگی می‌کرده است. اثری به نام «کتاب احکام المارجم فی ذکر المداین المهور، بکل مکان» (فرهنگ جغرافیایی) دارد و در آن درباره‌ی شهرهای بسیاری سخن می‌گوید. اهمیت این اثر او در این واقعیت نهفته است که نویسندگان نام‌داری چون ادریسی و ابن خلدون از آن بهره گرفته‌اند.

۵. ابو محمد العبدری: اهل «والنسیا» که در سال ۶۸۸ هـ. ق از سفر خود به آفریقای شمالی گزارش نوشت. او در سفر زیارتی خود به مکه و در بازگشت از این مسیر درگذشت.

۶. ابن جبیر (ابوالحسین محمدبن احمد بن جبیر کینانی): اصل او والنسیایی بود و در سال ۵۳۹ هـ. ق دیده به جهان گشود. وی شاعر نیز بوده است. اما به عنوان جغرافی دانان، بزرگ‌ترین خدمت او گزارش روزانه‌ای است که در طول نخستین سفر خود به شرق، در سفر مکه نزدیک به اواخر قرن ششم هجری قمری آن را پی گرفت. وی این یادداشت‌ها را به محض بازگشت به اسپانیا، تحت عنوان «رحلة ابن جبیر» (سفرهای ابن جبیر) منتشر کرد که در شرق و غرب شهرت فراوان یافت.

۷. ابن سعید مغربی: (ف ۶۷۳-۶۷۲ هـ. ق) کتاب مهمی به نام «کتاب جغرافیایی فی الاقالیم» در جغرافیا نوشت که تنها گزیده‌ای از آن باقی مانده است. اگرچه کتاب بر اساس اقلیم‌ها فراهم آمده، ولی طول و عرض جغرافیایی بسیاری از اماکن بر آن افزوده شده است که کار بازسازی را در نقشه‌ی جغرافیا سهل می‌کند [نفیس، ۱۳۶۸: ۵۲].

۸. ادریسی (ابو عبدالله محمدبن محمد بن عبدالله بن ادریسی شریف): در «سبته» به دنیا آمد. در دربار راجر دوم، پادشاه «نورماندی» سیسیل می‌زیست و مایه‌ی رونق دربار بود. شاید در غرب دنیای اسلام، مشهورترین جغرافی دان مسلمان باشد. سفرهای او به سراسر اروپا و سکونت طولانی او در دربار پادشاه سیسیل باعث شد، اروپاییان، او را بسیار زودتر از دیگران مورد توجه قرار دهند [نفیس، ۱۳۶۸: ۵۱].

ادریسی از خانواده‌ای علوی بود که در سال ۴۹۳ هـ. ق به دنیا آمد و در «قرطبه» به تحصیل پرداخت. بعد از سفرهایش به سراسر دنیای اسلام و اروپا، پادشاه راجر او را تشویق کرد در دربار سکونت

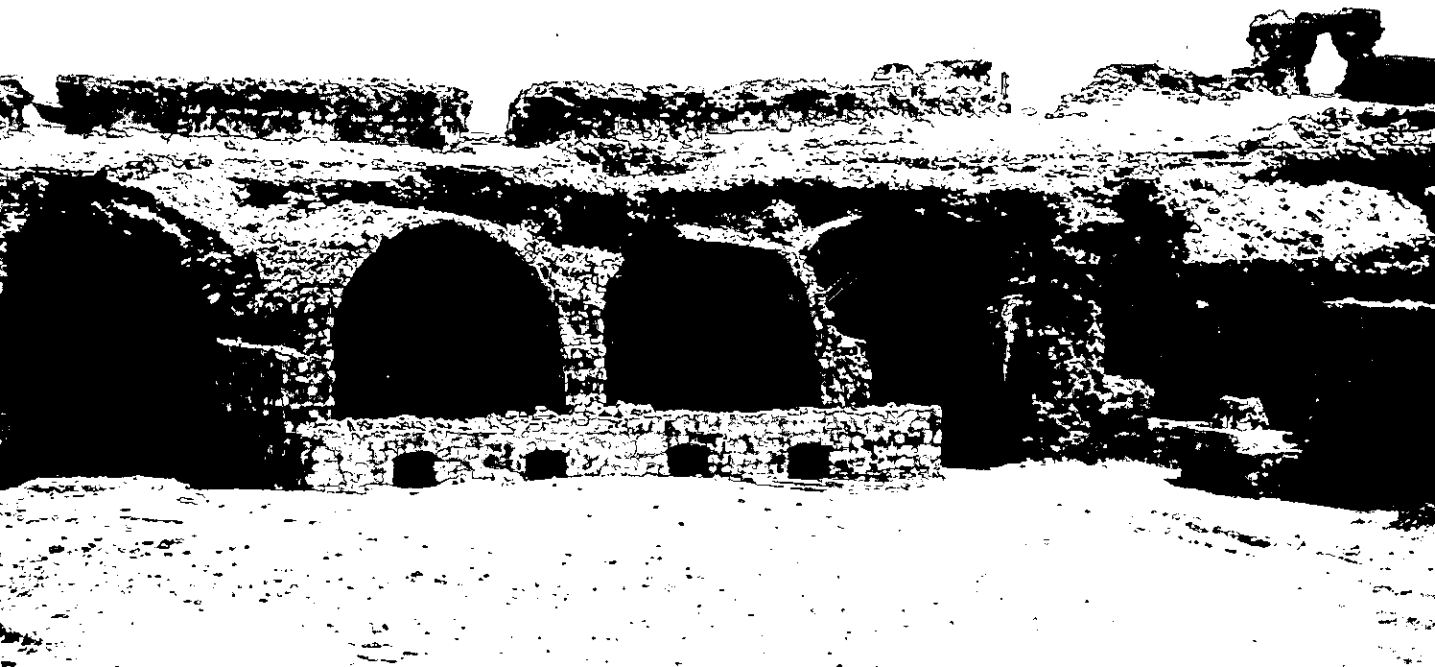
طبیعی، خلیج فارس.
مقدمه

جزیره‌ی هرمز در دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز، در محل تماس خلیج فارس با دریای عمان واقع شده است. این جزیره را به علت موقعیت جغرافیایی آن (مجاورت با تنگه‌ی هرمز) کلید خلیج فارس می‌دانند. همین موقعیت، جزیره را از نظر سوق الجیشی و بازرگانی از اهمیت خاصی برخوردار کرده است. بندرعباس در شمال و جزایر قشم و لارک در غرب و جنوب غرب جزیره‌ی هرمز قرار دارند. فاصله‌ی این جزیره (از محل بندرگاه) تا بندرعباس، ۹۷۱ مایل دریایی (۱۸ کیلومتر)، از نزدیک‌ترین مسیر تا ساحل اصلی کشور، ۲۹۶ مایل (۵۰۵ کیلومتر)، تا جزیره‌ی قشم، ۹۷۱ مایل (۱۸ کیلومتر) و تا جزیره‌ی لارک، ۹۷۱ مایل (۱۸ کیلومتر) است. جزیره‌ی هرمز به شکل یک بیضی است که قطر کوچک آن ۷/۹۱ کیلومتر، قطر بزرگ آن ۸/۲۹ کیلومتر و مساحت آن ۴۲/۵۵ کیلومتر مربع است و در موقعیت جغرافیایی ۲۷ درجه و ۲ دقیقه و ۷ ثانیه تا ۲۷ درجه و ۶ دقیقه و ۲۵ ثانیه‌ی عرض شمالی و ۵۶ درجه و ۲۵

جزیره‌ی هرمز با وسعت ۴۲ کیلومتر مربع، در شهرستان قشم در تنگه‌ی هرمز واقع است. این جزیره، ۳۰/۱۴ کیلومتر خط ساحلی شنی ماسه‌ای دارد که در بخش‌هایی از کرانه‌ی آن، رخنمون‌هایی از پرتگاه‌ها و اشکال سنگی و صخره‌ای نمایان است. جزیره‌ی هرمز با ۵۷۴۱ نفر جمعیت دارای تراکم جمعیت ۱۳۶ نفر در هر کیلومتر مربع است. صیادی و تجارت دریایی معیشت عمده‌ی ساکنان هرمز را تأمین می‌کنند. البته تا سال ۱۳۸۵، از معدن منحصر به فرد خاک سرخ جزیره نیز بهره‌برداری می‌شد که به سبب رعایت نکردن ملاحظات محیط زیستی، اکنون غیرفعال است. میراثی از تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی در منطقه (قلعه‌ی پرتغالی‌ها)، در کنار تعدادی از جلوه‌های فرهنگی و ظرفیت‌های طبیعی بی‌همتای جزیره، به ویژه تنوع ساختارهای زمین‌شناسی و وجود زیستگاه‌های حساس و جان‌داران حمایت شده، این جزیره را بالقوه به یکی از ظرفیت‌های طبیعت‌گردی (اکوتوریستی) استان هرمزگان تبدیل کرده است. امکان بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت، در چارچوب طرح مدیریت یکپارچه‌ی آن وجود دارد.

آشنایی با ویژگی‌های زیست محیطی جزیره‌ی هرمز

مطهره عابدینی: دانشجوی کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشگاه آزاد، واحد بندرعباس
افشین دانه‌کار: استادیار دانشکده‌ی منابع طبیعی، دانشگاه تهران



دقیقه و ۱۰ ثانیه تا ۵۶ درجه و ۳۰ دقیقه و ۸ ثانیه ی طول شرقی در شهرستان قشم در تنگه ی هرمز واقع است. این جزیره ۳۰/۱۴ کیلومتر خط ساحلی دارد که ۱۰/۳۴ کیلومتر آن شنی ماسه‌ای و ۱۴/۴۱ کیلومتر آن سنگی - صخره‌ای با دیواره‌های پرشیب است (تصویر ۱).



تصویر ۱. موقعیت جزیره ی هرمز نسبت به سواحل زیرزمینی و جزایر اطراف آن

آب و هوا

جزیره ی هرمز تحت تأثیر آب و هوای بیابانی، دارای تابستان‌های طولانی و گرم و زمستان‌های کوتاه و ملایم است. تعادل آب و هوای جزیره تحت تأثیر توده‌های متفاوت هوای شمال غربی و جنوبی قرار دارد و به طور کلی خشک و کم‌باران است. بارندگی در آن غالباً به صورت رگبار و سیلابی و در ماه‌های زمستان فرو می‌ریزد. متوسط بارندگی سالانه در این جزیره ۱۰۸ میلی متر ثبت شده است. میانگین دمای سالانه جزیره ی هرمز ۲۷/۱۲ درجه ی سانتی‌گراد، میانگین حداکثر دمای آن ۳۱ درجه و میانگین حداقل دما ۲۴/۹ درجه ی سانتی‌گراد گزارش شده است. میانگین رطوبت نسبی سالانه در جزیره هم ۷۰/۶ درصد است. حداکثر فراوانی باد دیده‌بانی شده، ۲۸/۷۶ درصد است که از جهت جنوب غرب جزیره می‌وزد و می‌توان آن را باد غالب منطقه به شمار آورد. تعداد روزهای همراه با پدیده ی رعد و برق، ۱۶/۸ روز در سال است و ماه‌های دی، اسفند، مهر و آبان همراه با طوفان و رعد و برق هستند [اداره ی کل هواشناسی استان هرمزگان، ۱۳۸۴؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان هرمزگان، ۱۳۸۵].

زمین‌شناسی

جزیره ی هرمز در اصل گنبدی نمکی است که در آن سازندهای آذرین و غالباً آتشفشانی تیپ غالب سنگ‌شناسی را تشکیل می‌دهند. این جزیره مکان مشخص سازند ویژه‌ای به نام سری هرمز است. سری مزبور شامل سنگ نمک و گچ، همراه با توده‌ها و قطعات سنگ‌های رسوبی و آذرین است و مجموعه‌ای از سنگ‌ها را تشکیل می‌دهد که با هیچ‌یک از ردیف‌های سازند

دوران‌های دوم و سوم که اطراف گنبد‌های نمکی را فرا گرفته‌اند، شباهتی ندارند. جزیره ی هرمز ظاهراً ساختی هم‌مرکز دارد که در قسمت میانی آن نمک طعام و حول آن مخلوطی از نمک و گچ و آندریت قرار گرفته‌اند. ترکیبات اخیر به صورت حلقه‌مانند قرار دارند و انواع گوناگونی از سنگ‌های آذرین، آهک و شیل را نیز در بر می‌گیرند. در قسمت جنوبی جزیره، بقایای پوششی رسوبی دیده می‌شود که شامل ماسه سنگ و آهک ماسه سنگی، همراه با لایه‌های کنگلومرا و شیل است. این پوشش روی سازندهای نمکی قرار گرفته است [استانداردی هرمزگان، ۱۳۷۷].

ویژگی‌های خاک جزیره

واحدهای اصلی خاک جزیره ی هرمز را با توجه به نقشه ی منابع و قابلیت اراضی استان، می‌توان به دو تیپ «تپه‌ها» و «دشت‌های دامنه‌ای» تفکیک کرد. در تعیین این واحدها، ویژگی‌های کلی و عمومی اراضی در ارتباط با تناسب این اراضی مورد توجه قرار گرفته است. به این معنا که واحدهای ارضی به مجموعه‌ای از اراضی که دارای مشخصات ظاهری نسبتاً یکسان و متناسب از نظر نوع خاک و نوع استفاده هستند، اطلاق می‌شود [مؤسسه تحقیقات آب و خاک، ۱۳۷۵]. به خاطر قرار گرفتن این جزیره در اقلیم خشک و دازا بودن بارندگی نامنظم و رگباری و وجود گنبد‌های نمکی، سه تیپ فیزیوگرافی با خصوصیات متفاوت خاک در جزیره ی هرمز دیده می‌شود:

- تیپ اول کوهستانی است که قسمت‌های مرکزی و جنوب جزیره را در بر می‌گیرد. بخش‌های مرکزی بیشتر از جنس گنبد نمکی با عمق کم خاک و کناره‌های آن در جنوب جزیره از جنس آهک و ماسه سنگ است.
- تیپ دوم را فلات‌ها و تراس‌های بالایی تشکیل می‌دهند که به صورت نوار باریکی قسمت‌های شرقی، غربی و جنوبی جزیره را در کنار دریا می‌پوشانند و دارای تشکیلات آهکی و ماسه سنگی هستند. در بعضی قسمت‌ها نیز تپه ماهورهای شنی و ماسه‌ای دیده می‌شود. عمق خاک در این تپه نیز کم است و در برخی نقاط آن، بیرون‌زدگی سنگی از نوع مادستون مشاهده می‌شود.
- تیپ سوم شامل اراضی جلگه‌ای یا سیلاب دشت‌هایی است که در شمال جزیره به صورت نواری از شمال شرقی تا شمال غربی امتداد دارند. عمق خاک در این تیپ زیاد و بافت آن ماسه‌ای و بیشتر در کنار ساحل دریا واقع است.

جدول ۱. طبقات خاک در جزیره ی هرمز

طبقات	تیپ خاک
۱	ارضی کوهستانی با خاک کم عمق یا بدون عمق و بیرون‌زدگی سنگی (گنبد نمکی با خاک‌های شور، آهکی و ماسه سنگی)
۲	دشت‌های سیلابی ساحلی با خاک عمیق (ماسه‌ای عمیق، لوس عمیق و لای)
۳	ارضی تپه ماهوری با خاک کم عمق با بافت متوسط تا سبک شنی - لومی

ویژگی کرانه‌ی ساحلی

ناحیه‌ی کرانه‌ای^۱ جزیره‌ی هرمز فضایی از منطقه‌ی ساحلی^۱ است که در معرض تحولات آب دریا قرار دارد و در آن اجزای تشکیل دهنده‌ی رسوبات با تلاطم آب‌های ساحلی جابه‌جا می‌شوند. به عبارت دیگر، این ناحیه در نتیجه‌ی جابه‌جایی رسوباتی شکل گرفته است که همراه امواج آزاد حمل می‌شوند [ثروتی، ۱۳۷۸]. ناحیه‌ی کرانه‌ای، به‌ویژه بخش دریاکنار^۲ آن که رخنمون غالب کرانه را شامل می‌شود، از اجزای منفصل رسوبات تشکیل می‌شود و بخش کاملاً ناپایدار کرانه است. کرانه‌های ساحلی جزیره‌ی هرمز دارای جنس شنی^۳، ماسه‌ای^۴، صخره‌ای^۵ و گلی^۶ هستند. کرانه‌ی شنی - ماسه‌ای با طول ۱۰/۳۴۵ متر در مختصات جغرافیایی ۲۸۵۰/۶۲E و ۲۷۰۴۳۳/۸N تا ۵۶۲۹۵۵/۲E و ۲۷۰۲۱۴/۳۷N در سمت شمال غربی از مختصات جغرافیایی ۲۷۰۵۲۷/۹۴N و ۵۶۲۶۳۸/۷۹E تا ۵۶۲۶۲۸/۷۹E و ۲۷۰۵۲۶N امتداد دارد. امواج و مواد ریزدانه در تشکیل این گونه سواحل نقش دارند. دریاکنار شنی ماسه‌ای در نیمه‌ی شمالی و شمال شرق جزیره بیشترین گسترش را دارد. این سواحل نواحی بسیار مناسبی برای تخم‌گذاری لاک‌پشتان دریایی که از گونه‌های درخطر انقراض کشور هستند، محسوب می‌شوند. کرانه‌ی صخره‌ای با طول ۱۴۴۱۱ متر در مختصات جغرافیایی ۵۰/۶۲E و ۲۷۰۲۱۴/۳۷N تا ۵۶۲۸۵۶/۲۸E و ۲۷۰۵۲۷/۹۴N گسترش دارد. این سواحل بیشتر در نیمه‌ی جنوبی جزیره و در دو دسته سواحل صخره‌ای مرتفع و سواحل صخره‌ای کم ارتفاع به چشم می‌خورند. این دسته از کرانه‌های هرمز زیستگاه مناسبی برای کف‌زیان منطقه که از حلقه‌های مهم شبکه‌ی غذایی ساحل و دریا هستند، به شمار می‌روند. این کرانه‌ها از نظر چشم‌انداز و جذب گردشگر نیز حائز اهمیت هستند. کرانه‌ی گلی جزیره با طول ۲۶۹۵ متر در مختصات جغرافیایی ۲۹۵۵/۲E و ۲۷۰۵۲۶N تا ۵۶۲۸۱۴/۸E و ۲۷۰۴۳۳/۸N قرار گرفته است. در این بخش از ساحل، جنگل‌های دست‌کاشت مانگرو با وسعتی حدود ۲ هکتار زمینه‌ی جلب جمعیت مناسبی از پرندگان آب‌زی و کنار آب‌زی را به وجود آورده است.



تصویر ۲. موقعیت ناهمواری‌های ساحلی جزیره‌ی هرمز

لندفرم‌های خشک و ساحلی جزیره

بخش خشکی هرمز گنبد نمکی است. ۲۲ درصد از گستره‌ی این جزیره، ارتفاعی کمتر از ۲۰ متر دارد و ۱۴/۵ درصد از مساحت آن را ارتفاع‌های بین ۲۰-۴۰ و ۱۲۰-۱۰۰ متر تشکیل می‌دهد. پس از آن به ترتیب، محدوده ارتفاع‌های ۱۰۰-۸۰ متر (۱۳ درصد)، ۶۰-۸۰ متر (۱۰/۵ درصد)، ۴۰-۶۰ متر (۱۰/۳ درصد)، ۱۴۰-۱۲۰ متر (۹/۳ درصد) و ۱۶۰-۱۴۰ متر (۴/۵ درصد) قرار دارند و مساحت کمی را هم ارتفاع‌های بالای ۱۶۰ متر در بر می‌گیرد. بررسی وسعت طبقات شیب در جزیره‌ی هرمز نشان می‌دهد که بیشترین وسعت شیب منطقه با در بر گرفتن ۳۳ درصد از وسعت جزیره، به طبقه‌ی شیب ۵-۰ درصد و بقیه به طبقه‌های شیب ۱۵-۵ درصد (۳۱/۶)، ۱۵-۳۰ درصد (۲۶/۸ درصد)، ۳۰-۶۰ درصد (۸ درصد) و بالای ۶۰ درصد (۰/۳۵ درصد) اختصاص دارد. لازم به ذکر است که ۳۴ درصد مساحت جزیره‌ی هرمز در طبقه‌ی شکل زمین - دشت قرار دارد و فاقد جهت جغرافیایی مشخصی است. جهت جغرافیایی غالب در جزیره‌ی هرمز، غربی است (۱۷/۷۵ درصد) و جهات دیگر به ترتیب عبارت‌اند از: جهت شرقی (۱۰ درصد)، شمال غربی (۸/۷ درصد)، جنوبی (۸/۵ درصد)، شمال شرقی (۷/۶ درصد)، جنوب غربی (۷ درصد)، جنوب شرقی (۶/۳ درصد)، و شمالی (۵ درصد).

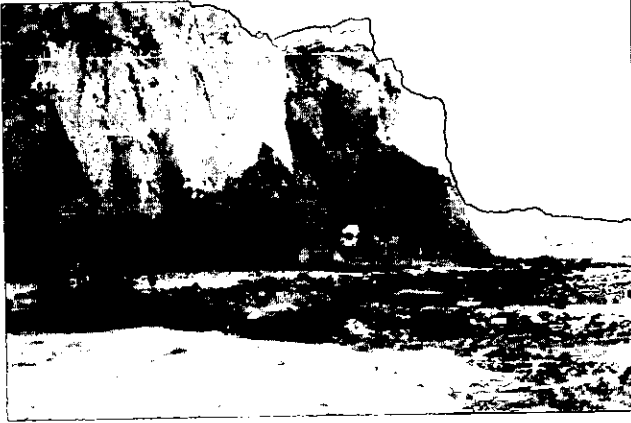
جزیره‌ی هرمز از نظر لندفرم‌های ساحلی، به دلیل وجود عوارض متفاوت در اطراف آن، بسیار حائز اهمیت است. این عوارض شامل غارهای دریایی^۱ است که در ساحل جنوبی جزیره با مختصات جغرافیایی ۲۷۰۲۵۳/۶۲N و ۵۶۲۹۵۴/۴۲E قرار گرفته‌اند. وجود «زبان»^۲ در سمت شمال شرق جزیره با مختصات جغرافیایی ۲۷۰۵۳۳/۴۴N و ۵۶۲۸۴۵/۰۵E و در غرب جزیره با مختصات جغرافیایی ۰۳/۶۳N و ۲۷۰۵۱۹/۱۲E و ۵۶۲۶۱۹/۱۲E، «پهنه‌ی گلی»^۳ به وسعت ۱۹۷۵۰ متر مربع در شمال شرقی جزیره با مختصات جغرافیایی ۱۶/۸۵N و ۲۷۰۵۱۸/۷E، پرتگاه‌های^۴ ساحلی در جنوب جزیره، حدفاصل بین مختصات جغرافیایی ۲۷۰۲۱۴/۳۷N و ۲۷۰۲۱۴/۳۷E تا ۲۷۰۵۲۷/۹۴N و ۵۶۲۶۳۸/۷۹E، عارضه‌ی «دستک»^۵ در جنوب شرق جزیره با مختصات جغرافیایی ۲۷۰۲۵۲/۲۴N و ۵۶۲۹۴۵/۲۸E، «کولاب»^۶ در سمت شرق جزیره با مختصات جغرافیایی ۲۷۰۴۲۵/۰۵N و ۵۶۲۵۳۸/۳۲E، «واریزه‌های ساحلی»^۷ در سمت شرق جزیره و سواحل جزر و مدی، از مهم‌ترین لندفرم‌های ساحلی قابل اشاره در جزیره‌ی هرمز هستند [عابدینی، ۱۳۸۶]. تصویرهای ۳ و ۴، برخی از لندفرم‌های ساحلی جزیره‌ی هرمز را نشان می‌دهند.

پوشش گیاهی

ساختار گنبد نمکی جزیره‌ی هرمز در کنار محدودیت منابع آب شیرین، سبب فقر پوشش گیاهی آن شده است. پراکنش گونه‌های



تصویر ۳. نمای از سواحل جنوب جزیره هرمز



تصویر ۴. نمای از سواحل جنوب شرقی جزیره هرمز

جدول ۲. تپ و تراکم پوشش گیاهی جزیره هرمز

تراکم پوشش (درصد)	گونه‌ی غالب	طبقات
۲۰	<i>Platychaete glaucesns</i> <i>Anabasis setifera</i> <i>Stipa barbata</i>	منگری نپشو استپی ریش‌دار
۳۵	<i>Cornulaca monocantha</i> <i>Suaeda maritime</i> <i>Tephrosia persica</i>	چب چب سیاه شور دریایی نیلکی
۳۰	<i>Cornulaca monocantha</i> <i>Sygothylum qatarchse</i> <i>Heliatropium haccferano</i>	چب چب قیچ آفتاب‌پرست ساحلی

زیستگاه‌های جانوری

مهم‌ترین جانوران بخش خشکی جزیره هرمز، جبیر و جبیرفتی هستند. زیستگاه این جانوران از زیستگاه‌های مهم جزیره است که بیشتر بخش مرکزی جزیره به سمت جنوب را شامل می‌شود. جبیر و جبیرفتی گاه تا نزدیک منطقه‌ی شهری نیز دیده می‌شوند. خرگوش از دیگر پستان‌داران جزیره است که زیستگاهی مشابه گونه‌های پیشین دارد. در شمال شرق جزیره که جنگل‌های دست‌کاشت حرا وجود دارند، انواع پرندگان آب‌زی و کنارآب‌زی زیست می‌کنند؛ از جمله: اگر ت ساحلی، پرستو دریایی گونه سفید، پرستو دریایی پشت تیره، فلامینگو، کاکایی بزرگ، کاکایی سرسیاه، کاکایی صورتی، اگر ت کوچک، کشیم گردن سیاه، پلیکان سفید، حواصیل خاکستری، باکلان گلو سیاه، حواصیل سبز، کفچه‌نوک، آنچلیک پاسرخ، تلیله سفید، تلیله شکم سیاه، پرستوی دریایی کاکلی بزرگ، پرستو دریایی کاکلی کوچک.

کرانه‌های صخره‌ای سمت جنوب جزیره نیز زیستگاه عقاب ماهی‌گیر و باکلان‌هاست. این سواحل از نظر زیستگاه سخت پوستان به خصوص خرچنگ صخره‌ای نیز حائز اهمیت است. زیستگاه کفزیان منطقه، به دلیل اهمیت آن‌ها در زنجیره‌ی غذایی، از زیستگاه‌های حساس منطقه به شمار می‌رود. آب‌های اطراف جزیره نیز زیستگاه آب‌زیانی از قبیل شیرماهی، میش‌ماهی، حلوا، سنگسر، سرخو، کوسه، هامور، سارم، گربه‌ماهی، لملمو، سوکلا، داهیر، گدیر

گیاهی در نقاط گوناگون جزیره، وابسته به عوامل خاکی، به ویژه بافت و ساختمان زمین، جنس سنگ مادر و تا حدودی ترکیب شیمیایی خاک است. گونه‌های گیاهی جزیره بیشتر در سطوح هموار و در مسیر مسیل‌هایی که آب حاصل از بارندگی‌ها را به دریا هدایت می‌کنند، به چشم می‌خورند. هرمز نیز مانند سایر جزایر خلیج فارس، به دلیل داشتن اقلیم گرم و مرطوب و آب و خاک شور، دارای پوشش گیاهی ویژه‌ی منطقه‌ی نیمه گرمسیری است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط «سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان» و بازدیدهای زمینی، پوشش گیاهی جزیره هرمز را می‌توان به سه تپ با تراکم مشخص مطابق جدول ۲ تفکیک کرد [اداره‌ی منابع طبیعی هرمزگان، ۱۳۸۱].

رویشگاه کهور ایرانی (تصویر ۵) از نواحی حساس پیکره‌ی خشکی جزیره در سمت جنوب است.



تصویر ۵. نمای از رویشگاه کهور ایرانی در جزیره هرمز

چاهستان به جزیره حمل می‌شد، تولید و برای جانماز مورد استفاده قرار می‌گرفت [اداره‌ی صنایع دستی بندرعباس، ۱۳۷۹].

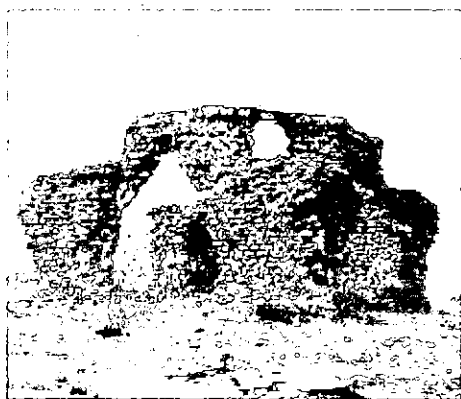
کاربری اراضی

کاربری اراضی جزیره‌ی هرمز به سکونتگاه‌های انسانی، کشاورزی، معدن، صیادی و گردشگری محدود است. بخش شمالی جزیره را سکونتگاه‌های انسانی با وسعت ۵/۵ کیلومتر مربع در بر گرفته است، بخش جنوبی جزیره با وسعت ۷ کیلومتر مربع کاربری معدنی (برداشت خاک سرخ) دارد. سمت جنوب شرق جزیره مرکز تحقیقات زیست محیطی است؛ یعنی کاربری آموزشی- پژوهشی دارد. یکی از کاربری‌های مهم جزیره، بندرگاه هرمز است که اسکله‌ی شیلات به وسعت ۷۰۰ متر مربع و اسکله‌ی شناور باربری را در بر می‌گیرد. آب شیرین کن با وسعت ۵۷۰ متر مربع از دیگر واحدهای کاربری جزیره در شمال شرق آن است. تنها امکان دسترسی به جزیره استفاده از شناورهایی است که از محل اسکله‌ی شهید حقانی بندرعباس، در صورت مساعد بودن هوا، در طول روز به این جزیره عزیمت و مسافران و بارهای جزئی را جابه‌جا می‌کنند. در جزیره، یک جاده‌ی آسفالتی درجه دو نیز وجود دارد که می‌توان از طریق آن سطح جزیره را بازدید کرد. کاربری دیگر جزیره، گردشگری است؛ به ویژه بازدید از آثار تاریخی جزیره. از جمله آثار تاریخی هرمز می‌توان به قلعه‌ی پرتغالی‌ها به مساحت چهار هزار متر مربع، ویرانه‌های مکتب‌خانه یا دارالعلم قدیم، خرابه‌های شهر قدیم هرمز در شمال جزیره در نزدیکی قلعه‌ی پرتغالی‌ها، قصر بی‌بی گل، قصر صورت، خانه‌ی زعفرانی، برج تیرانداز، برج ناقوس، زیارت حضرت خضر و الواح مقابر اشاره کرد (تصویرهای ۶ و ۷).

ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه در جزیره‌ی هرمز

مهم‌ترین محدودیت‌های جزیره‌ی هرمز با توجه به شرایط امروز آن به قرار زیر است:

- کمبود آب شیرین؛
- ناپایداری زمین و سست بودن سنگ بستر؛



تصویر ۷. نمایی از خرابه‌های مکتب‌خانه

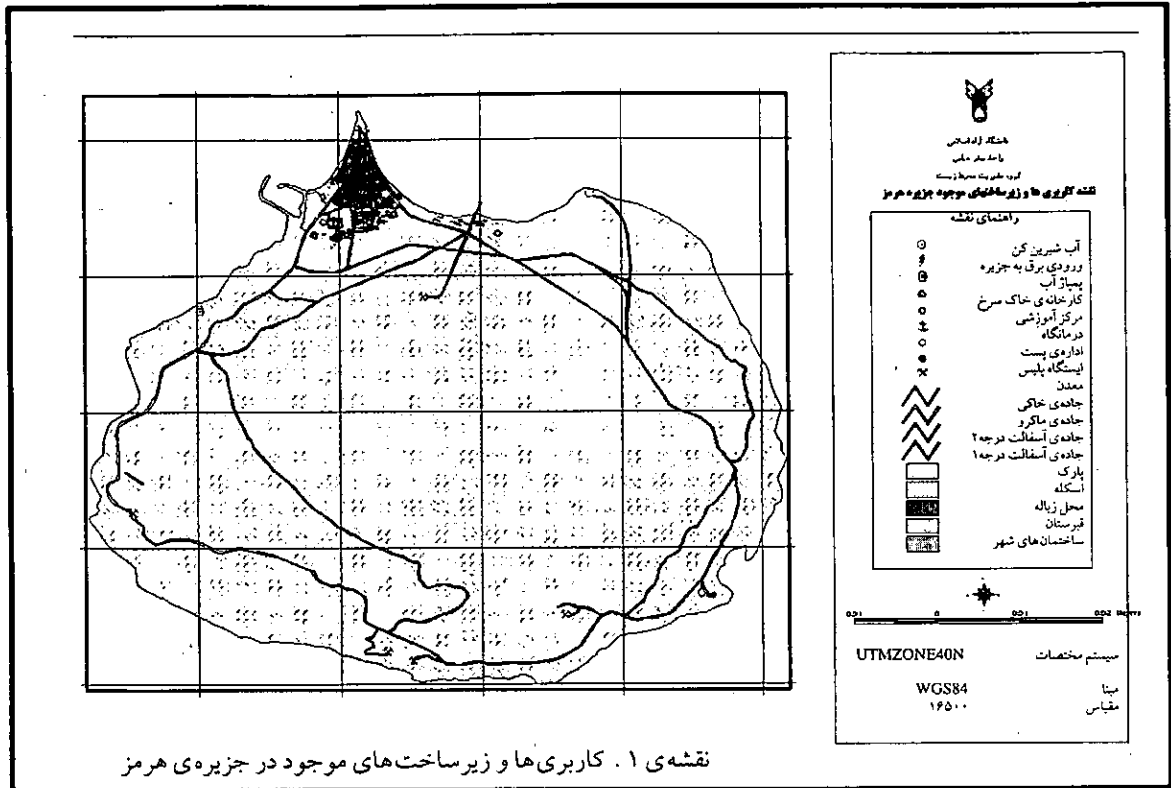
(نوعی گیش)، گوتر، جارو، شانک، میگو ببری، شاه‌میگو، میگو سرتیز، میگو موزی، و میگو خنجری است. بخش شمالی جزیره نیز به خاطر زیست میگو اهمیت دارد. زیستگاه لاک‌پشتان دریایی و محل تخم‌گذاری آن‌ها در جنوب و جنوب شرقی جزیره نیز به دلیل قرار گرفتن آن‌ها در فهرست گونه‌های در معرض خطر انقراض و فهرست سرخ IUCN، از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی دیگر از زیستگاه‌های حساس جزیره، گستره‌ی آبسنگ‌های مرجانی در محدوده‌ی جنوب شرقی جزیره است که در محدوده‌ی جزر و مدی دیده می‌شوند [عابدینی، ۱۳۸۶].

سکونتگاه‌ها و توزیع جمعیت

بخش سکونتگاهی جزیره‌ی هرمز فقط در شمال آن واقع شده است و براساس آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، از تعداد ۵۷۱۴ نفر جمعیت آن، ۲۷۹۷ نفر مرد و ۲۹۱۷ نفر زن هستند. جمعیت جزیره با ۱۱۴۴ خانوار تماماً شهرنشین‌اند. به این ترتیب، نسبت جنسی و بعد خانوار این جزیره به ترتیب ۹۵/۹۷ و ۵/۴ نفر است. براساس سرشماری یادشده، تراکم جمعیت در جزیره‌ی هرمز برابر با ۱۳۶ نفر در کیلومتر مربع است. مذهب شیعه و سنی در جزیره به نسبت تقریبی ۷۰ و ۳۰ درصد است. گویش اصلی ساکنان جزیره فارسی بندری است، مگر تعداد اندکی از ساکنان که به زبان عربی تکلم می‌کنند [وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲]. سفالگری، حصیربافی، توربافی، انواع رودوزی‌های سنتی (خوس دوزی، زری بافی و گلابتون دوزی)، از جمله صنایع دستی محسوب می‌شوند که توسط اهالی میناب در جزیره‌ی هرمز رواج یافته‌اند. توربافی و گرگوربافی نیز از انواع فعالیت‌هایی هستند که از گذشته توسط زنان و مردان در جزیره صورت گرفته‌اند. «لی» یا تور درشت و «جل» یا تور ریز از انواع تورهایی هستند که توسط اهالی بافته می‌شوند. در ۳۰ سال گذشته، با استفاده از چوب کنار و کُرت، قایق‌های چوبی کوچکی به نام منشوره تولید می‌شد که در حد نیاز خود تولیدکنندگان بود. در گذشته در کنار سفالگری ساده و ابتدایی، حصیربافی نیز به خاطر مصرف داخلی در جزیره متداول بود و بیشتر به وسیله لیف مور که از



تصویر ۶. نمایی از قلعه‌ی پرتغالی‌ها



نقشه ۱. کاربری ها و زیرساخت های موجود در جزیره ی هرمز

یکپارچه ی جزیره است.

زیرنویس

1. Shore area
2. Coastal Zone
3. Beach
4. Gravel
5. Sandy
6. Rocky
7. Muddy
8. Sea Cave
9. Spit
10. Cliffs
11. Tombolo
12. Lagoon

منابع

۱. اداره ی کل منابع طبیعی استان هرمزگان، (۱۳۸۱). گزارش کارشناسی پوشش گیاهی جزیره ی هرمز.
۲. _____، (۱۳۸۱). گزارش کارشناسی کاربری اراضی جزیره ی هرمز.
۳. سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (۱۳۸۲). جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس؛ جزایر قشم، لارک، هرمز و هنگام. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. چاپ اول.
۴. اداره ی کل هواشناسی استان هرمزگان (۱۳۸۴). گزارش سینوپتیک شهرستان قشم.
۵. سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهر هرمز.
۶. استانداری هرمزگان (۱۳۷۷). بررسی قابلیت های توسعه ی بهره برداری منابع آب جزایر. دفتر مطالعات طرح و توسعه ی عمران جزایر هرمزگان. ویرایش اول.
۷. عابدینی، مطهره (۱۳۸۶). مدیریت زیست محیطی جزیره ی هرمز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست. دانشگاه آزاد واحد بندرعباس.
۸. هاشمی، مرتضی (۱۳۸۰). بررسی وضعیت موجود اقتصادی، اجتماعی جزیره ی هرمز و راهکارهای محرومیت زدایی از آن. سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان.
۹. ثرونی، محمدرضا (۱۳۷۸). جغرافیای طبیعی دریاها و سواحل. انتشارات سمت.
۱۰. مؤسسه ی تحقیقات آب و خاک سازمان تحقیقات، ترویج و آموزش کشاورزی (۱۳۷۵). نقشه ی ارزیابی منابع و قابلیت های اراضی استان هرمزگان. چاپ اول.
۱۱. اداره ی صنایع دستی شهرستان بندرعباس (۱۳۷۹). شناسایی صنایع دستی فراموش شده ی استان. صفحه ی ۱۶.

● کمبود خاک برای کشاورزی؛

● دفع پساب و پسماند در منطقه؛

● توسعه ی شهری با توجه به محدودیت خاک؛

● نبود امکان استقرار صنایع بزرگ؛

● کمبود مراکز آموزشی؛

● قابلیت های جزیره نیز عبارت اند از:

● امکان استفاده از سواحل جنوب و شرق جزیره برای پرورش جلبک دریایی، به دلیل بالا بودن پوشش مناسب و تنوع جلبکی آن منطقه؛

● امکان پرورش حیات وحش در سطح جزیره، از قبیل جیبر و هوبره؛

● قابلیت معرفی مناطق ویژه ی زیستی، شامل زیستگاه لاک پشتان دریایی یا آیسنگ های مرجانی در شرق و جنوب شرق جزیره به عنوان منطقه ی حفاظت شده یا اکوسیستم حساس ساحلی و دریایی یا به عنوان منطقه ی شکار ممنوع؛

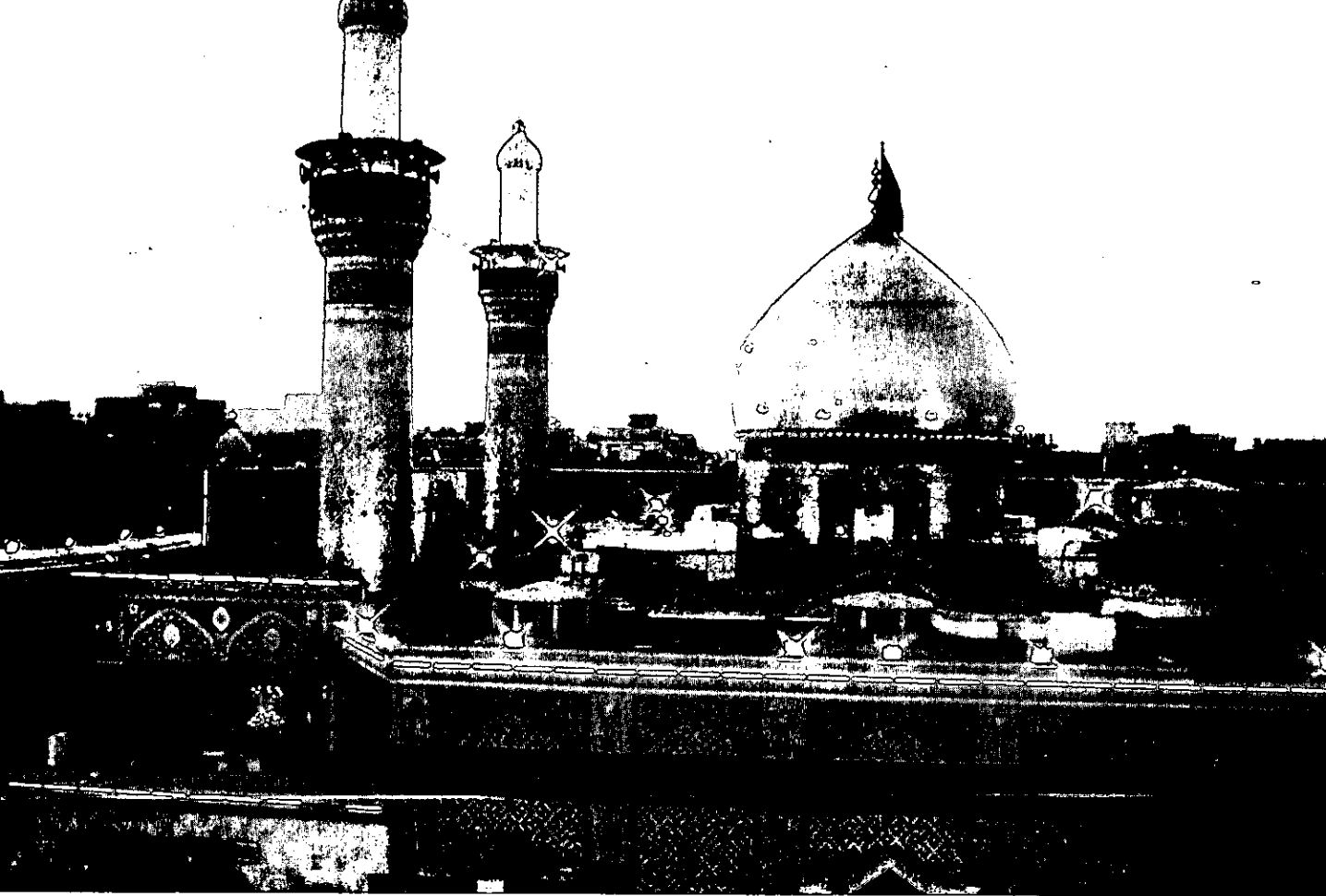
● امکان معرفی بخش مرکزی جزیره به عنوان ژئوپارک (پارک زمین شناسی)؛

● امکان توسعه ی صنعت آبزی پروری؛

● ظرفیت مناسب برای توسعه ی اکوتوریسم؛

● امکان توسعه ی مرکز پژوهشی محیط های ساحلی - دریایی.

● رفع محدودیت ها و استفاده از پتانسیل های یاد شده زمینه را برای توسعه ی همه جانبه ی جزایر نظیر جزیره هرمز فراهم می سازد و باعث افزایش سطح رفاه، کاهش فقر و ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی خواهد شد. بدین منظور، دستگاه ها و نهادهای متعددی حسب وظایف خود، باید سیاست ها و طرح های خود را ارائه و مدیریت کنند، اما توسعه در تمامی سطوح ذکر شده، نیازمند ارائه ی طرح مدیریت



نقش گردشگری زیارتی در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های زیارتگاهی روستایی

دکتر حمیدرضا محمدی - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
کوروش خسروی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی
ندیمه سلیم نژاد - مدرس مراکز تربیت معلم

چکیده

این اماکن به مثابه کانون‌های زیارتی، در سطح محلی و ناحیه‌ای گردشگر (زائر) می‌پذیرند و در نتیجه به کمک این اماکن و با برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های لازم می‌توان باعث توسعه‌ی روستاها شد.

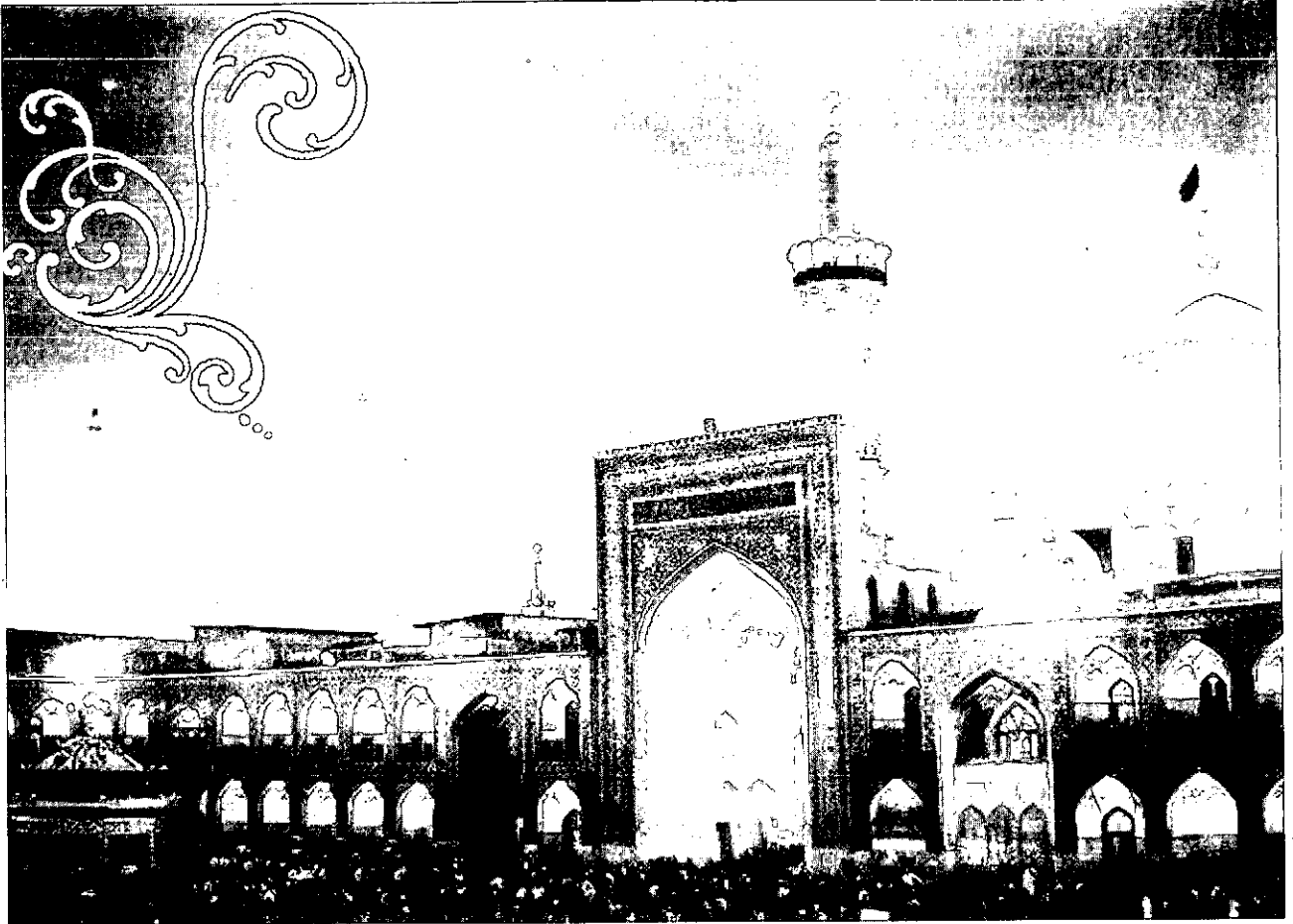
کلیدواژه‌ها: گردشگری، زیارت، گردشگری مذهبی (زیارتی)، سکونتگاه روستایی، زیارتگاه،

مقدمه

هر مکان و فضای جغرافیایی برای رشد و تعالی به برنامه‌ریزی توسعه نیاز دارد. سکونتگاه‌های روستایی نیز یکی از این فضاها جغرافیایی هستند که نیاز مبرمی به برنامه‌ریزی توسعه دارند. در شرایطی که قرن بیستم به پایان رسیده، هنوز هم توسعه‌ی محیط‌های روستایی با

روستاها، واحدهای همگن اجتماعی، اقتصادی و طبیعی هستند که فعالیتشان عمدتاً در بخش کشاورزی است، در حالی که در بخش‌های دیگر از جمله گردشگری نیز امکان اشتغال و فعالیت آن‌ها وجود دارد. گردشگری در چارچوب طرح‌های آزمایشی، یکی از ابزارها و مؤلفه‌های مهم توسعه و محرومیت‌زدایی به‌شمار می‌رود که موجب اشتغال‌زایی و درآمد می‌شود و از مهم‌ترین عوامل عمران ناحیه‌ای است. استفاده‌ی بهینه از توان‌های گردشگری روستایی، راهبرد مکمل توسعه‌ی روستایی در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. جاذبه‌های توریستی روستاها متکثر و فراوان‌اند که یکی از آن‌ها جاذبه‌های فرهنگی و مذهبی است؛ نظیر: امام‌زاده‌ها، بقعه‌های زیارتی، مساجد، مقابر و...

در ایران اماکن مقدس و بقاع متبرکه‌ی بسیاری وجود دارند که برخی از آن‌ها در نقاط روستایی واقع شده‌اند و مورد احترام ساکنان هستند.



آستان قدس رضوی در مشهد مقدس

چالش‌های فراوانی مواجه است. زیرا مسائلی مثل فقر و فقدان آموزش،

اشتغال و بهداشت، در این محیط‌ها به چشم می‌خورند. امروزه این مسائل باعث توجه دوباره‌ی برنامه‌ریزان، نظریه‌پردازان و مجریان حکومتی به توسعه‌ی روستایی شده است تا با ارائه‌ی راهکارهایی از معضلات حاد این مناطق بکاهند. توسعه‌ی روستایی یکی از اهداف کشورهای در حال توسعه موسوم به جهان سوم از جمله کشور ما ایران است و برای توسعه‌ی روستایی و راهبردهای مختلفی اتخاذ شده است.

شناخت منابع ویژه‌ی روستایی و قابلیت‌های موجود در این محیط‌ها، ما را در فرایند توسعه و عمران بسیاری از سکونتگاه‌های یاری می‌دهد. قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مناطق روستایی به نسبت موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند، متنوع و متفاوت هستند. یکی از این ظرفیت‌های اساسی و پایدار، منابع باارزش گردشگری و اکوتوریسم هستند که بنا بر موقعیت‌های گوناگون، جاذبه‌ها و خدمات مطلوب برای گذراندن اوقات فراغت جامعه‌ی شهری و غیرشهری را عرضه می‌کنند. در فضای کشور ایران، ۳۷۰ روستا به عنوان روستاهای هدف گردشگری شناخته شده‌اند. تعدادی از آن‌ها که توسط «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» به عنوان روستاهای هدف طرح گردشگری شناسایی شده‌اند، صرفاً بر مبنای عامل زیارتی (وجود یک مکان و معبد زیارتگاهی) به عنوان روستای هدف گردشگری

انتخاب شده‌اند.

مهم‌ترین روستاهای کشور که از وجود زیارتگاه و امامزاده برخوردارند، عبارت‌اند از: امامزاده عبدالله در استان مازندران، امامزاده ابراهیم و امامزاده هاشم در استان گیلان، روستای حجیج در استان کرمانشاه، امامزاده قاسم در روستایی به همین نام در ازنا از توابع استان لرستان، روستای زیارت در استان گلستان، امامزاده بکشلو و قره کلیسا در آذربایجان غربی، امامزاده سیدسلطان محمد در هرمزگان، شاهزاده حسن در استان کرمانشاه، امامزاده محمد در استان لرستان و... [ویژه‌نامه‌ی نخستین همایش توسعه‌ی گردشگر روستایی و عشایری، ۱۳۸۶: ۹۰۰-۸۸].

در مقاله‌ی حاضر، ضمن تشریح زیارت و ارتباط آن با بحث گردشگری، به نقش گردشگری مذهبی در توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق زیارتگاهی پرداخته شده است.

زیارت در جست‌وجوی معنا

زیارت ریشه در قلب انسان دارد و حضور دائمی و همیشگی آن به شکل‌های متفاوتی در روح انسان جلوه‌گر می‌شود. انسان با اشتیاقی وصف‌ناپذیر به سوی مطلق جهان، همواره و همه‌جا به جست‌وجوی نشانه‌های وجودی خداست. دین مبین اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع،

گرچه بنیان‌گذار زیارت نبوده، اما با رسمیت بخشیدن و منسجم نمودن آن، زیارت را به عنوان بزرگ‌ترین بهره‌ی دنیوی زائر، جلوه‌گر ساخته است. زیارت یعنی سفر به اماکن مذهبی به منظور انجام آیین‌های دینی. انگیزه‌ی اصلی این سفر اعتقاد عمیق زائران به ادعیه و دیگر اعمال مذهبی است که در مکان‌های مقدس و الهی صورت می‌گیرد [ماه‌نامه‌ی شهرداری‌ها، ۱۳۸۶].

زیارت گرچه در اصل، به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن آمده است، ولی در معنای اصطلاحی آن، به هرگونه دیدار و ملاقاتی زیارت اطلاق نمی‌شود. زیارت، ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، کرامت، شرافت، برتری و خارق‌العادگی و... هستند. در ادبیات جهانی، کلمه‌ی زیارت تقریباً در تمام زبان‌ها وجود دارد. البته بعضی از انواع زیارت لغت مخصوص به خود را دارند؛ نظیر سفر به مکه که «حج» نامیده می‌شود. برای سفر به آرامگاه‌های معصومین اسلام از خود واژه‌ی زیارت استفاده می‌شود. همین مفهوم را نیز می‌توان در متون دینی مشاهده کرد. مثلاً، در متون دینی به ما تأکید می‌شود که به زیارت عالمان دین برویم و یا خانه‌ی خدا، قبر شریف پیغمبر (ص) و قبور شریف امامان شیعه (ع) را زیارت کنیم.

سفر زیارتی سفری است برای رسیدن به «خود واقعی انسان». رسیدن به چیزی یا کسی یا جایی که به ما کمک می‌کند، معنای واقعی زنده بودن را متوجه شویم و در نهایت، مفهوم زندگی را درک کنیم. برای آن‌که بازدید از مکانی در معنای زیارت جای بگیرد، باید به قصد پرهیزگاری، زهد و تقوا انجام گیرد، زیارت نیازمند تمایلی روحانی است که نشانه‌ی اصلی آن، دریافت احساسات معنوی است.

بدین ترتیب، افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند و یا زائر اماکن عالی و مشاهده‌شمرده می‌شوند تا از اعتبار، قدسیت، فضیلت، معنا و روحانیتی که به نظر آن‌ها در شخص و یا مکان مزبور وجود دارد، بهره‌مند شوند. در عین حال، از آن‌جا که زیارت مشاهده‌شمرده و اماکن مذهبی خود عملی دینی است و از طرف دیگر، زیارتگاه به معنای مکانی است که در آن مرقد ائمه یا اولاد و نوادگان ائمه‌ی اطهار در آن قرار دارد، بنابراین باید زیارت را نه تنها مرتبط با زائران، بلکه در شبکه‌ی وسیعی از روابط اجتماعی انسان‌هایی که به نحوی درگیر پدیده‌ی زیارت‌اند، مورد توجه و دقت نظر قرار دهیم. در این صورت، زیارت شامل مجموعه‌ای از ارتباطات و پیوستگی‌های متقابل است که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

● افرادی اعم از بزرگ و کوچک، پیر و جوان، زن و مرد که عرفاً به عنوان «زوار» یا «زائران» نامیده می‌شوند.

● دسته‌ای از انسان‌هایی که به کار ساختن، بازسازی، تعمیر و مرمت قبر و ضریح و حرم و بنای لازم برای زیارت جمع، مشغول‌اند.

● دسته‌ای از انسان‌هایی که به خدمات‌رسانی به زائران اشتغال دارند و آن‌ها را به حرم راهنمایی می‌کنند، به هدایت گم‌شدگان می‌پردازند،

نذورات و هدایا را دریافت می‌کنند، هدایایی به زائران می‌دهند، برای زائران زیارت‌نامه و روضه می‌خوانند، برای زائران مراسم سخن‌رانی برپا می‌کنند و ده‌ها کار دیگر شبیه این انجام می‌دهند.

● دسته‌ی وسیعی از کارها و شغل‌ها که به آماده‌سازی غذای زیارت‌کنندگان می‌پردازند و نوعی خدمات رفاهی عرضه می‌کنند.

● دسته‌ای از کارها و شغل‌ها که در راستای تأمین سرپناه زائران شکل می‌گیرند. مجموعه‌ای از هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، خانه‌های اجاره‌ای، چادرها، حسینیه‌ها، زائرسراها و نظایر آن که هزاران نفر را به یکدیگر مربوط می‌سازند.

● دسته‌ای که برای زائران، قرآن و دعا و زیارت‌نامه چاپ می‌کنند و دسته‌ای که آن‌ها را به فروش می‌رسانند.

● گروهی که برای زائران سوغات تدارک می‌بینند، شامل آن‌هایی که مهر، تسبیح، نبات، نقل، نخود و کشمش و پرچم، انگشتر و عطر تولید می‌کنند و آن‌ها که سوغات را به فروش می‌رسانند.

● افرادی که برای پر کردن ساعات خالی زائران و سرگرمی آن‌ها، کارهایی را در نظر می‌گیرند و اماکن و برنامه‌های تفریحی، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مانند آن‌ها را می‌چرخانند.

● دسته‌ای که وسایل سفر را مهیا می‌کنند و به امر ایاب و ذهاب و جابه‌جایی زائران از اطراف و اکناف کشور و گاه بیرون از کشور در سطحی بین‌المللی اشتغال دارند و تحت لوای توره‌های مسافرتی انجام وظیفه می‌کنند [تقی‌زاده داور، ۱۳۸۵].

تاریخچه‌ی سفرهای زیارتی در ادیان گوناگون

قدمت زیارت دقیقاً به اندازه‌ی قدمت و دیرینگی دین است. انسان در حالت طبیعی فطرتاً نسبت به مسائل مذهبی، آگاهی و تمایل دارد و این دریافت درونی به انجام مناسک و اعمال مذهبی می‌انجامد. ابتدایی‌ترین سفرهای زیارتی به عصر حجر برمی‌گردد. شواهد و قراین بی‌شماری در دست داریم که نشان می‌دهند، برخی نقل و انتقالات بشری به منظور انجام اعمال مذهبی انجام می‌شده‌اند. تمام سفرهای زیارتی به منظور درخواست نیاز و بخشش، طلب شفای بیمار، طلب مرحمت از جانب خداوند و در سطوح بالاتر، به قصد تقاضای دیدار یک معصوم یا قدیسه صورت می‌گیرند.

برخی زیارت‌ها منوط به زمان پیدایش آن دین و برخی دیگر مربوط به وقایعی است که بعد از پیدایش دین رخ داده‌اند. در دین مسیحیت، به ویژه کلیسای کاتولیک، بیشتر زائرین به پرستشگاه‌هایی می‌روند که در آن‌ها تصویرها و یا تندیس‌های مشخصی (مانند تندیس مریم مقدس) وجود دارند و یا به مکان‌هایی می‌روند که معجزه‌ای در آن‌ها رخ داده است و در آنجا به طلب بخشش و رحمت می‌پردازند. مسلمانان نیز بیشتر برای دیدار از کعبه به مکه مکره و هم‌چنین مزار شهدا و معصومین می‌روند. در اسلام، زیارت اماکن و مقبره‌های مقدس بسیار عمومیت دارد و برخی از آن‌ها معادل زیارت کعبه در نظر گرفته می‌شود و بارها

انجام می‌شوند. بیشتر این نوع زیارت‌ها به پیروان تخصصی از اسلام محدودند و عمدتاً حالت محلی و داخلی دارند؛ مانند مکان‌های مقدس و متبرکی که شیعیان به زیارت آن‌ها می‌روند. در دین و آیین هندوها، زائرین از مکان‌های مقدسی بازدید می‌کنند که بیشتر در کنار آب‌ها (رودها و رودخانه‌ها) در دشت‌ها و کوه‌های هیمالیا قرار دارند. زیرا افراد مذهبی آن مکان‌ها را از بقیه‌ی نقاط مؤثرتر می‌دانند.

در مذهب بوداییان، زیارت مخصوص مکان‌هایی است که به زندگی و فعالیت بودا مربوط هستند و یا مکان‌هایی است که آثاری از بودا و یا بزرگان مذهب بودا در آن‌ها نگه‌داری می‌شوند.

مفهوم زیارت به معنایی که نزد مسلمانان و مسیحیان کاتولیک مطرح است، در دین یهود وجود ندارد. بیشتر بازدید از مکان‌هایی است که در تاریخ این دین نقشی نمادین دارند؛ مانند «دیوار نذبه» در بیت‌المقدس یا «قلعه‌ی مسادا».

گردشگری

از میان شاخص‌های نمادین و حیاتی تمدن‌های دنیای قدیم، گردشگری تنها نمادی است که گستره‌ی جغرافیای آن از مرزهای سیاسی کشور، تقسیمات اداری و قلمرو اقتدار قومی فراتر رفته است و در بسیاری از کشورها، به منزله‌ی نمادی از هویت و تعاملات فرهنگی خودنمایی می‌کند. امروزه صنعت گردشگری، به عنوان بزرگ‌ترین صنعت نوپای جهان، در تمام دنیا از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار است. «به طوری که تقاضا و تمایل برای گردشگری با انگیزه‌های متنوع به منظور تفریح، زیارت، سیاحت و تجارت، در تمام جهان با سرعت عجیبی در حال افزایش است. بالا رفتن سطح درآمد، افزایش ایام فراغت، تغییرات و نگرش‌های جدید به مفاهیم زندگی و ضرورت‌های تماس‌های بین‌المللی ایجاب می‌کند که گردشگری به شدت توسعه و گسترش یابد [پاپلی، ۱۳۸۱: ۱].»

امروزه گردشگری در چارچوب طرح‌های آمایشی، اعم از طرح‌های ملی و منطقه‌ای و محلی، به عنوان یکی از ابزارها و مؤلفه‌های مهم توسعه و محرومیت‌زدایی به‌شمار می‌رود [سازمان برنامه و بودجه]. گردشگری فعالیتی ارزآور و متعادل‌کننده است که موجب اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل عمران ناحیه‌ای است [شکویی، ۱۳۵۴: ۸]. صنعت توریسم به قدری در توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان آن را صادرات نامرئی لقب داده‌اند. به علاوه، این صنعت برای توسعه‌ی اقتصادی، تفاهم بین‌المللی، صلح و احترام به حقوق انسان‌ها، بدون هیچ‌گونه تمایز از نظر زبان، نژاد، جنس و مذهب و رنگ می‌کوشد.

گردشگری مذهبی (زیارتی)

گردشگری با توجه به انگیزه‌ی انجام آن، در شقوق متفاوتی قابل تقسیم‌بندی است که یکی از انواع مهم و عمده‌ی آن در جهان کنونی،

گردشگری مذهبی و زیارتی است. گردشگری با این انگیزه رونق فراوانی دارد و عبادتگاه‌هایی نظیر مساجد، معابد، مقابر، آرامگاه پیشوایان مذهبی، کلیساها، کنشت‌ها، کنیسه‌ها و... هر ساله پذیرای میلیون‌ها انسان معتقد خود به عنوان زائران (بازدیدکنندگان) هستند. بدون تردید، یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین عوامل و انگیزه‌های مسافرت انسان، باورهای مذهبی و احساسات دینی وی بوده است. انسان از ابتدای تاریخ، مکان‌هایی را مقدس می‌دانسته است و به منظور تأمین نیازها و خواسته‌های روحی و روانی و مادی خود و از ترس بلایای طبیعی و غیرطبیعی که زندگی او را تهدید می‌کرده‌اند، به زیارت و دیدن آن مکان‌های مقدس می‌رفته است [محلای، ۱۳۸۰: ۱۲].

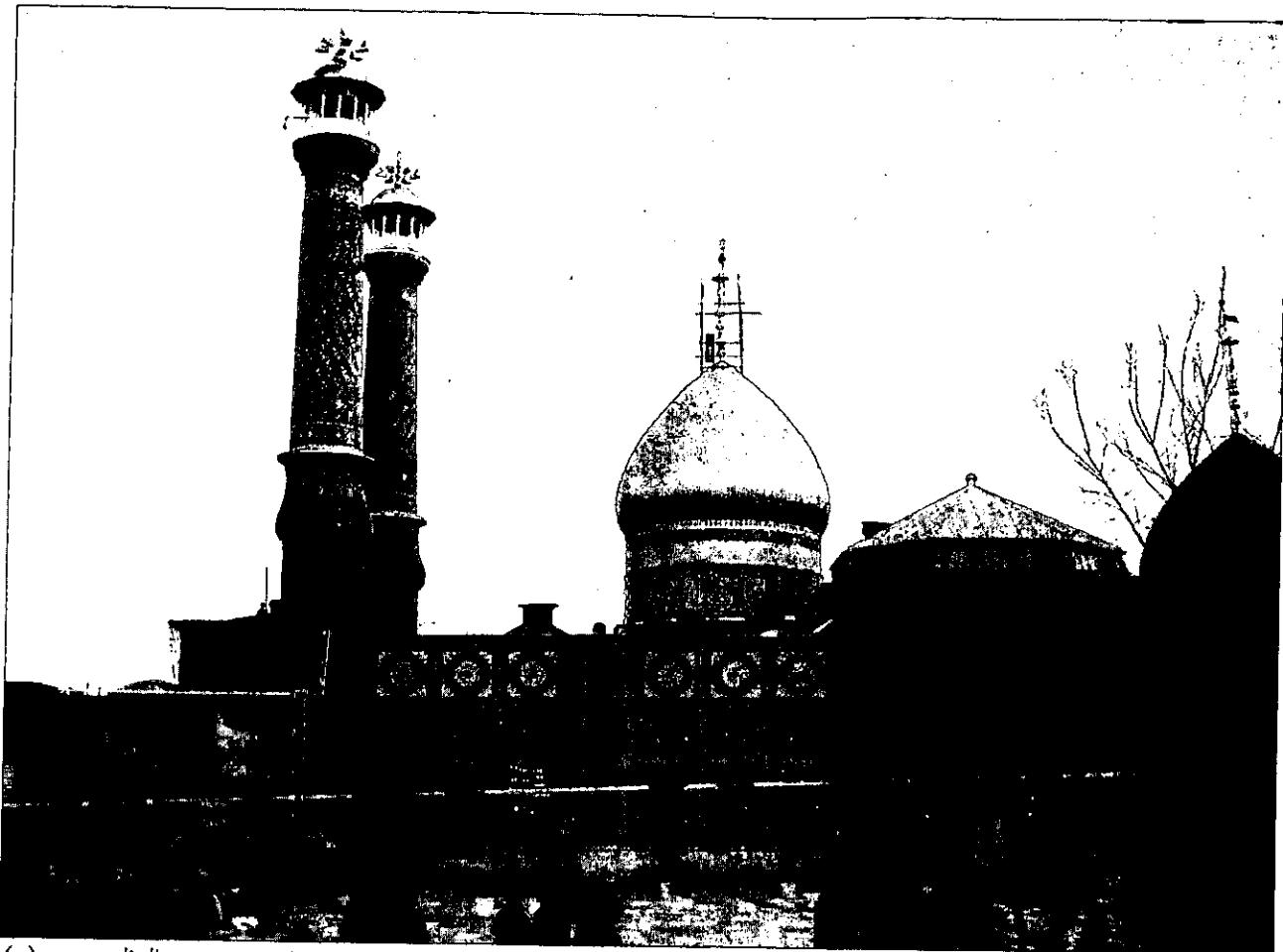
هر ساله عده‌ی کثیری از مشتاقان برای زیارت اماکن متبرکه و مقدس به مناطق مذهبی در سرتاسر عالم سرازیر می‌شوند. این نوع سفر تقریباً در تمام ادیان و مذاهب رواج دارد و یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین انواع گردشگری قلمداد می‌شود که مختص مذهب خاصی نیست؛ بلکه پدیده‌ای جهانی در تاریخ مذاهب بشری است. گردشگری زیارتی (مذهبی) به اندازه‌ی مذهب قدمت دارد و شکلی از اشکال توریسم است که مطلقاً یا قویاً به دلایل مذهبی به وجود می‌آید و از قدیمی‌ترین انواع سیاحت بوده است [نورالهی، ۱۳۸۲].

سفر زیارتی، مسافرت به سوی مکانی مقدس و متبرک است که با هدف بازدید از آن مکان صورت می‌گیرد و تجلی یک یا چند شیء، مانند مقبره‌ی یک قدیس یا یک نقش و اثر است. عوارض جغرافیایی مثل قله‌ها، چشمه‌ها، غارها، تپه‌ها و... اغلب مکان‌های مقدسی برای زیارت هستند. این نوع گردشگری، در طبقه‌بندی زیر گروه «گردشگری فرهنگی و تعطیلات» قرار می‌گیرد. شهر «لورد» در فرانسه، «فاطمیما»^۱ در پرتغال و «رم»^۲ در ایتالیا از مکان‌های مناسب برای گردشگری فرهنگی هستند.

همایش عظیم میلیون‌ها انسان در مکه مکرمه و مدینه‌ی منوره در موسم حج، تجمع مسیحیان در واتیکان، هندوها و بنارس، معبد کاشی، کانیاکوماری در جنوبی‌ترین نقطه‌ی هند، ماتورا (زادگاه لرد کریشنا) و نیز معبد دالایی لاما برای بوداییان در لاهاسا در تبت، از انواع بارز گردشگری مذهبی به‌شمار می‌روند. گردشگری زیارتی و مذهبی تنها شکل از اشکال گردشگری است که بدون توجه به موانع آب و هوایی انجام می‌پذیرد [مرادی، ۱۳۸۴: ۱۳۴]. به‌طور کلی، گردشگری مذهبی نقش برجسته‌ای در جهان معاصر دارد و تأثیرات عمیقی از زوایای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در ملت‌های گوناگون بر جای می‌گذارد.

گردشگری مذهبی و زیارتی در ایران

ایران سرزمینی است که اماکن مذهبی مهمی را در خود جای داده است که بسیاری از آن‌ها، مورد احترام مسلمین سایر ممالک اسلامی هستند. مراکز زیارتی ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند: مراکزی که در



مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

جمعیت، در نقش زیارتگاهی آن‌ها نهفته است. «وجود یک امام زاده در روستا، ضمن این که نوعی تشخیص و اعلام شیعه بودن توسط اهالی است، شاید مردم با داشتن آن در کنارشان به گونه‌ای احساس آرامش درونی می‌کنند» [همان، ص ۱۲۰].

«از آثار تظاهرات شیعی در ایران، یکی احترام به اهل بیت پیامبر (ص) و فرزندان ایشان است. تعداد امام زاده‌ها در روستاهای ایران تا حدی کمتر از تعداد روستاهاست. اغلب روستاها بنای امام زاده‌ای دارند و از میان آنان باید اذعان کرد که فقط تعدادی از آن‌ها دارای شجره‌نامه مشخص هستند و زنجیره‌ی پیوستگی آن‌ها به اجداد بزرگوارشان روشن است» [همان، ص ۱۱۹]. اما ساکنان بومی و محلی، بنابر نیت قلبی، سادگی و خلوصشان، آن‌ها را ملجأ و مأمن ذکر، راز و نیاز و آلام خود قرار می‌دهند.

با گسترش دین مبین اسلام در ایران، مدفن امام زادگان به تدریج به مراکز زیارتی تبدیل شد. به دنبال این روند، مرقد پیشوایان دینی با ساختن زیارتگاه‌های متناسب، بنای شاخص و برجسته هر محلی را به وجود آوردند. یکی از مظاهر علاقه‌مندی و اخلاص مردم در پیروی از فلسفه‌ی امامت در خلق بناهای مقابر و هنر معماری امام زاده‌هاست. برجسته‌ترین هنرمندان ذوق و نبوغ خود را با استفاده از امکانات موجود در ساختمان و تذهیب مراکز دینی و زیارتی به کار بردند که نتیجه‌ی آن،

سطح جهانی ارزش زیارتی دارند؛ مثل آرامگاه امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س)، و مراکزی که بیشتر در سطح محلی و ناحیه‌ای ارزش زیارتی دارند. تعداد مراکز اخیر در کشور ما بسیار زیاد است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از زیارتگاه شاه چراغ در شیراز، آرامگاه حضرت عبدالعظیم الحسنی در شهرری، آرامگاه علی بن محمد باقر در مشهد اردهال، مقبره‌ی دانیال نبی در شوش و... [محلّاتی، ۱۳۸۰: ۲۱۷].

بسیاری از این اماکن مذهبی در کنار مناطق روستایی واقع شده‌اند: «هر سکونتگاه روستایی ممکن است با تعدادی ساختمان و یا مکان مخصوص مذهبی شناسایی شود. در بسیاری از روستاها، از این نوع مکان‌های مذهبی می‌توان امام زاده‌ها، مساجد، معابر، حسینیه‌ها، تکایا و... را نام برد. وجود امام زاده در مواردی عملاً می‌تواند منشأ و مبدأ پیدایش تحول در سکونتگاه شود، چرا که روستا خود به تنهایی ویژگی خاصی ندارد، ولی تعداد زائران (گردشگران) که از اطراف و اکناف برای زیارت به محل می‌آیند، نقش مهمی در زندگی اقتصادی این روستاها ایفا می‌کند» [زرگر، ۱۳۷۸: ۱۱۷].

اصولاً نقش و کارکرد قوی مذهبی و زیارتگاهی، عامل تکوین، رشد و توسعه‌ی برخی روستاهای مجاور اماکن مذهبی بوده است. اصلاً نام برخی روستاها، برگرفته از نام مکان مقدس مذهبی و زیارتی واقع در آن‌هاست و مکان‌یابی و شکل‌گیری هسته‌ی اولیه و استقرار

وجود تعداد زیادی از بارگاه‌های زیارتی در سراسر ایران است [شکری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷].

در جمهوری اسلامی ایران که دارای مردمانی مسلمان، معتقد و مذهبی است، امام‌زاده‌ها و اماکن مقدس مذهبی و بقاع متبرکه‌ی زیادی وجود دارند که مورد احترام مردمان معتقد، دین‌دار و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت آن دیار هستند. تعداد زیادی از آن‌ها در جوار نقاط روستایی واقع شده‌اند و پذیرنده‌ی گردشگران (زوار) در سطح محلی و ناحیه‌ای‌اند و مردم برای زیارت، سیاحت و تجارت به بازدید از آن مناطق می‌روند.

قابلیت‌های گردشگری مذهبی (زیارتی) در سکونتگاه‌های زیارتگاهی در ایران

مکان‌ها و آبادی‌های مذهبی شامل امام‌زاده، بی‌بی، پیر، پیر غیب، سلطان، سید، شاهزاده و... هستند [پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۱۰]. البته ممکن است اماکن مذهبی مقدس دیگری برای سایر ادیان و مذاهب مثل کلیساها برای مسیحیان، کنیسه‌ها برای یهودیان و آتشکده‌ها برای زرتشتیان وجود داشته باشند، ولی با توجه به دین و مذهب اکثر ساکنان منطقه (اسلام و شیعه)، بیشتر این نوع اماکن متبرک مورد توجه هستند. بنابر اطلاعات تفصیلی آمارنامه‌ی اماکن مذهبی، در کشور ۵۷۰۵۱ مسجد وجود دارد که از این تعداد، ۷۳/۵ درصد در روستا قرار دارند. از مجموع مساجد کشور، ۳/۵ درصد به عنوان میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده‌اند که ۸۴/۵ درصد آن‌ها، علاوه بر میراث فرهنگی، به عنوان میراث ملی نیز ثبت شده‌اند. ۴۲/۵ درصد مساجد ثبت شده‌ی مذکور در روستاهای کشور قرار دارند. هم‌چنین، در سطح کشور، وجود ۱۳۴۴۶ حسینیه و اماکن عزاداری گزارش شده است که از این تعداد، ۸۶۰۹ واحد در روستاهای کشور واقع هستند. از طرف دیگر، ۹۴۸۷ زیارتگاه در سطح کشور موجود است که از این تعداد، ۷۹۳۳ زیارتگاه در مناطق روستایی قرار دارند. وجود ۱۵۱ مکان مذهبی سایر ادیان نیز در سطح کشور گزارش شده است که از این تعداد ۳۱ مورد شامل ۲۸ کلیسا، دو کنیسه (مکان مذهبی یهودیان)، و یک معبد (مکان دینی زرتشتیان) در روستاها واقع‌اند. و سرانجام، از تعداد ۱۲۴۸۵ مکان دارای معماری با ارزش و جنبه‌ی باستانی، تاریخی، علمی و هنری، تعداد ۷۶۰۶ اثر تاریخی شامل ۶۷۱ بنای مذهبی اسلامی، ۷۴ بنای مذهبی سایر ادیان و... در سکونتگاه‌های روستایی کشورمان قرار دارند [عبداللهی، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۶].

آثار اجتماعی - اقتصادی گردشگری مذهبی (زیارتی) در مناطق روستایی

اصولاً برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه‌ی هر کشور به شمار می‌آید که برای دگرگون‌سازی ساخت اقتصادی - اجتماعی جوامع روستایی به کار می‌رود و فقرزدایی و اشتغال‌زایی از مهم‌ترین مباحث عمده‌ی آن است [پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۵۴].

گردشگری به عنوان یک صنعت اقتصادی - اجتماعی، می‌تواند نقش بسزایی در رشد و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی هر کشور ایفا کند. از این رو، در اغلب کشورهایی که ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالایی از این نظر دارند، به عنوان گزینه‌ی بسیار مناسبی برای توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی آن کشورها می‌توانند مورد توجه و دقت نظر قرار گیرند. بازدیدکنندگانی که در قالب سفر زیارتی و به صورت گردشگر زیارتی (زائر) به یک نقطه و مکان مقدس و محترم مذهبی می‌روند، ممکن است هدفشان زیارت، سیاحت و حتی در مواردی تجارت و یا مانند آن باشد که این خود می‌تواند تأثیرات مهم و فراوان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای جوامع میزبان (ساکنان مکان‌های زیارتی) و تحولاتی در زندگی آنان به همراه داشته باشد. این تأثیرات و تحولات را می‌توان به دو دسته تقسیم و طبقه‌بندی کرد:

الف) اثرات اجتماعی و فرهنگی

- هویت بخشی و ارتقای شأن و منزلت مناطق روستایی از طریق توسعه‌ی گردشگری زیارتی و معرفی ظرفیت‌های مذهبی موجود در مناطق روستایی.
- افزایش آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق گسترش ارتباطات فرهنگی.
- حفظ ویژگی‌های سنتی و محلی مثل آداب و رسوم قدیمی، سنن، آیین‌ها و... .
- تکامل دانش، بینش و نگرش جوامع روستایی، در نتیجه‌ی توسعه‌ی ارتباطات اجتماعی از طریق ورود زائران (گردشگران) به روستاها.
- رشد اندیشه‌های سازنده در خودیاری و هم‌یاری اعضای جوامع روستایی.
- افزایش مضاعف انگیزه‌ی روستاییان برای مشارکت در اداره‌ی امور جامعه‌ی خود.
- آشنایی روستاییان با ارزش‌های واقعی فضای اطراف خود و ظرفیت‌های موجود در محل سکونت.
- افزایش تعلق اجتماعی روستاییان و تقویت احساس تعلق شدید به مکان سکونت و زندگی خود.
- افزایش شادابی، طراوت و پویایی سکونتگاه‌های روستایی.
- بسترسازی برای افزایش تعامل مثبت در روابط متقابل شهر و روستا.
- جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر.

ب) اثرات اقتصادی

گردشگری (مذهبی) زیارتی می‌تواند منبع جدیدی از درآمد و اشتغال برای روستاییان، به ویژه در کشورها و جوامعی با مردمانی معتقد، مؤمن و متعهد، از جمله کشور ما باشد که این امر مستلزم مدیریت و برنامه‌ریزی خاصی است. اثرات اقتصادی صنعت

گردشگری در روستا، به عنوان یک صنعت درآمدآور و اشتغال‌زا، به شرح زیر است:

● کسب درآمد نسبتاً چشم‌گیر توسط روستاییان، با فروش محصولات و صنایع دستی محلی، هنرهای سنتی، مواد غذایی و غذاهای محلی به گردشگران (زوار).

● پویایی و تقویت بینه‌ی اقتصادی مناطق روستایی کشور، از طریق جذب گردشگران و زائران به روستاها.

● رشد خلاقیت و نوآوری در اقتصاد جوامع روستایی و تلاش برای بهره‌گیری از استعدادهای و کشف منابع بالقوه‌ی موجود.

● فراهم آمدن بسترهای قانونی، حقوقی و انگیزشی لازم برای سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم.

● کمک به اقتصاد خانوارهای روستایی از طریق گسترش اشتغال مولد و رونق فعالیت‌های اقتصادی روستایی و افزایش تقاضاهای جدید در نتیجه‌ی ورود زوار به مناطق روستایی.

● بهره‌مندی جوامع روستایی از خدمات زیربنایی و زیرساختی لازم از طریق تزریق سرمایه‌های حاصل از گردشگری زیارتی به اقتصاد روستا.

نتیجه

گردشگری مذهبی و زیارتی در مناطق روستایی منبع باارزش اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد و وسیله‌ی مهمی برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی است. به علاوه وسیله‌ای برای حمایت از فرهنگ روستایی است که می‌تواند نقش مهمی در توسعه و حفظ روستا داشته باشد. به ویژه آن‌که روستاهای کشور ما از حیث جاذبه‌های مذهبی، هنری و فرهنگی در زمره‌ی شگفت‌انگیزترین روستاهای جهان به‌شمار می‌آیند. هم‌چنین، با توجه به جمعیت حدوداً ۲۳ میلیون روستایی کشورمان (۳۲٪) و محدودیت منابع آب و خاک و عدم تکافوی کامل اشتغال و درآمد کافی برای جمعیت روستایی از طریق فعالیت‌های کشاورزی، گسترش گردشگری به‌خصوص با توجه به قابلیت‌ها و جاذبه‌های مذهبی و زیارتی، به‌عنوان راهبردی جدید می‌تواند در زمینه‌ی توسعه پایدار روستایی و ایجاد تنوع اقتصادی در جوامع روستایی نقش مهمی ایفا کند. این راهبرد جدید سبب ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در بخش غیرکشاورزی، افزایش درآمد روستاییان، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها، حفظ و احیای فرهنگ‌های بومی و محلی و... به‌عنوان میراث معنوی روستاهای ما می‌شود. طبق نظر کارشناسان «سازمان جهانی گردشگری» (WTO) بالاترین نرخ رشد گردشگری تا سال ۲۰۲۰ مربوط به اکوتوریسم خواهد بود که گردشگری مذهبی و زیارتی هم یکی از زیرمجموعه‌های آن است.

در مجموع، سکونتگاه‌های روستایی زیارتگاهی در ایران، به‌مثابه کانون‌های زیارتی، در گسترش فعالیت‌های سیاحتی، زیارتی و حتی تجارتي نقش بسیار مهمی دارند. این مراکز و کانون‌ها در توسعه‌ی مسافرت‌های داخلی در سطح محلی و منطقه‌ای بسیار مؤثرند و حتی

بسیاری از این کانون‌های مقدس مذهبی در نتیجه‌ی توسعه‌ی نقش زیارتگاهی‌شان، به مراکز شهری مستقلی تبدیل شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که گردشگران مذهبی (زائران) از نجیب‌ترین و بااخلاق‌ترین گردشگران محسوب می‌شوند و معمولاً کمترین آسیب‌های زیست‌محیطی را به عرصه‌های گردشگری (طبیعی و فرهنگی) وارد می‌کنند.

زیرنویس

1. Lourda
2. Fatima
3. Roma

منابع

۱. پاپلی‌یزدی، محمدحسین، نظریه‌های توسعه روستایی. انتشارات سمت. ۱۳۸۱.
۲. پاپلی‌یزدی، محمدحسین. فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. ۱۳۶۷. مشهد، آستان قدس رضوی.
۳. تقی‌زاده داوری، محمود. جامعه‌شناسی زیارت. ۱۳۸۵.
۴. زرگر، اکبر. معماری روستایی در ایران. ۱۳۷۸. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. شکری، ولی... نقش گردشگری در توسعه روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. ۱۳۸۴.
۶. شکویی، حسین. جغرافیای جهانگردی، ۱۳۵۴. تبریز.
۷. محلاتی، صلاح‌الدین. درآمدی بر جهانگردی. ۱۳۸۰. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. ماه‌نامه‌ی شهرداری‌ها به شماره‌ی ۷۸. فروردین ۱۳۸۶.
۹. ماه‌نامه‌ی جهاد. شماره‌های ۲۵۳، ۲۶۲ و ۲۶۳. ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳.
۱۰. منشی‌زاده، رحمت‌اله. گردشگری روستایی. ۱۳۸۰. تهران.
۱۱. برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای جهانگردی. محمود عبدالله‌زاده. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۷۸.
۱۲. مرادی، اعظم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۴.
۱۳. نورالهی قراخیلی، محمود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۲.
۱۴. ویژه‌نامه نخستین همایش توسعه گردشگری روستایی و عشایری، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۶.
۱۵. بازاربایی گردشگری. لس‌لوسدن. ترجمه محمدابراهیم گوهریان. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۸۰. چاپ اول.
۱۶. گردشگری روستایی. زاهد قادری. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. تهران. ۱۳۸۳.
۱۷. گردشگری بین‌المللی. فرانسوا ولا. بونل بیجریل. ترجمه محمدابراهیم گوهریان. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۴.





تأملی بر فرهنگ و اثرگذاری آن بر توسعه

دکتر خدارحم بزی

استادیار گروه جغرافیا - دانشگاه زابل

چکیده

توسعه‌ی جوامع بوده است. از این راه می‌توان با بهره‌گیری از نقش‌آفرینی فرهنگ، تنگناهای جامعه‌ی بشری را از پیش‌رو برداشت و شاهد پویایی و تعالی هر چه بیشتر جامعه بود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، نقش، کارکرد، توسعه

مقدمه

فرهنگ یا «CULTURE» برای اولین بار در اواخر قرن ۱۹ به طور گسترده مورد توجه قرار گرفت. اگر چه معنای لغوی آن کشت و زرع و پرورش گیاهان است، اما مفهوم آن، شیوه‌ی زندگی بشر را تداعی می‌کند.

در این مقاله سعی شده است، ضمن بررسی تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ و استناد به چند تعریف شاخص، نمادهایی از فرهنگ فهرست وار ارائه گردد تا ذهن خواننده با ابعاد متفاوت و گوناگون آن

تعریف گوناگون (۲۵۰ تعریف) فرهنگ، نشان‌دهنده‌ی عظمت، گستردگی و نقش فوق‌العاده‌ی آن در زندگی انسان و موارد استعمال و استفاده‌ی بسیار گسترده‌ی آن است؛ به طوری که در بسیاری از موارد، اصطلاح فرهنگ یا بی‌فرهنگی، مترادف با پیشرفت و یا عدم پیشرفت فرد یا جامعه تلقی می‌شود. مقاله حاضر با طرح این سؤال که فرهنگ در روند توسعه چه نقشی دارد و چگونه می‌توان از موتور محرک آن در سرعت بخشی به توسعه کمک گرفت، با مطالعه‌ی کتاب‌خانه‌ای و بررسی آرا و نظرات صاحب نظران در این زمینه، به این نتیجه رسیده است که در صورت پویایی فرهنگ در جامعه، می‌توان شاهد رشد و توسعه‌ی آن جامعه نیز بود. هدف دیگر این تحقیق، ارائه‌ی تصویری روشن از تاریخچه، تعریف، ماهیت و کارکرد فرهنگ، و نیز بررسی نقش و موقعیت آن در حل مشکلات بشری، به ویژه مشکلات مربوط به

بیشتر آشنا شود. با توجه به این که فرهنگ کارکردهای گوناگونی دارد و اثرگذاری آن در توسعه و ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی بشر غیر قابل اغماض است، تعدادی از کارکردهای شاخص آن نیز در این جا مورد تحلیل قرار گرفته است.

آن چه بیش از همه، امروزه فرهنگ را رنج می‌دهد، این است که به رغم نقش قابل توجه آن در زندگی، متأسفانه به حاشیه رانده شده است. رسالت عمده‌ی توسعه‌ی فرهنگی، حضور مجدد فرهنگ در زندگی روزانه‌ی مردم است. این موضوع خود بخشی از بحث ما را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، به بررسی رابطه‌ی فرهنگ و توسعه که لازم و ملزوم یکدیگرند نیز خواهیم پرداخت و در نهایت، ضمن کندوکاو در راه‌های نفوذ فرهنگ روزمره و پس از نتیجه‌گیری، به بحث فرهنگ و نقش آن در توسعه پایان می‌دهیم.

روش تحقیق

کلیه‌ی وسایل و مراحل جمع‌آوری نظام‌مند اطلاعات و نحوه‌ی تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها را برای نیل به یک هدف معین، روش علمی تحقیق می‌گویند (نبوی، ۱۳۷۲: ۸). در این تحقیق، از روش «توصیفی-تحلیلی» استفاده شده است. در تحقیقات توصیفی-تحلیل، محقق به دنبال چگونگی موضوع است. یعنی می‌خواهد بداند که پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است؟ به عبارت دیگر، در تحقیق، وضع موجود را بررسی می‌کنند و به توصیف و تحلیل منظم و نظام‌مند آن می‌پردازند. ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها (فرهنگ-توسعه) را بررسی می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۵۸). در این تحقیق نیز ضمن بررسی تاریخچه‌ی فرهنگ، نقش و موقعیت آن در توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق به بحث گذاشته شده است.

تعریف لغوی فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای است قدیمی که در زبان اوستایی از دو جزء «فر» و «هنگ» مرکب شده است. «فر» پیشوند و به معنی بالا، جلو، و پیش و «هنگ» از ریشه‌ی اوستایی «ننکا» به معنی کشیدن، سنگینی و وقار است. «بهنگ» به معنی با وقار، متین و «هنگ» به معنای دانایی، هوشیاری و فهم و فراست است. بنابراین، می‌توانیم «فرهنگ» را از نظر لغوی بالا کشیدن و بیرون کشیدن معنی کنیم. اما باید دانست که منظور ما معنی تحت‌اللفظی، لغوی و ریشه‌یابی واژه‌ی فرهنگ نیست، بلکه مفهوم استنباطی عامه‌ی مردم از این واژه دارای اعتبار است. در گذر زمان و در ادبیات فارسی هیچ‌گاه «فرهنگ» به معنی «بالا کشیدن» نیامده است.

فرهنگ، گذشته از معانی: ادب، تربیت، دانش، معرفت، حکمت، هنر و ... هم معنی و مترادف بارأی و هوش، عقل و خرد، تربیت درست، آگاهی نیروبخش، قوه‌ی تمیز نیک از بد، شناخت حد هر چیز، فضیلت اخلاقی، مجموع صفات پندیده، فضایل روحی و معنوی، و نیز آن چه در دایره‌ی اخلاق، رفتار و گفتار خوب قرار

می‌گیرد، آرایش جان، مایه‌ی آراستگی روح، موجب سروی، سودمندی و بی‌آزاری، مایه‌ی نیکنمایی، تندرستی روان، مایه‌ی زنده دلی، برتر از گوهر، بزرگی جاه، بهتر از گنج، وقار، بزرگواری، شرف، مایه‌ی فخر، اساس استقامت و بردباری، مایه‌ی شادی و اقبال، معیار و اعتبار، فر و شکوه و جلال، اندیشه‌ی درست، خردمندی و درایت نیز به کار رفته است [قرایی مقدم، ۱۳۷۴: ۱۴۶]. فردوسی درباره‌ی جایگاه و نقش فرهنگ می‌گوید:

زدانا برسید پس دادگر
که فرهنگ بهتر بود یا گهر؟
چنین داد پاسخ بدو رهنمون
که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود
ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گهر بی‌هنر زار و خار است و سست
به فرهنگ باشد روان تندرست

معادل واژه‌ی فرهنگ در زبان‌های انگلیسی، «کالچر» و در فرانسه و آلمانی «کالتور» است که به معنی کشت و زرع و پرورش گیاهان به کار رفته است. در زبان عربی، مفهوم «فرهنگ» معادل اصطلاح «ثقافه» است.

مفهوم فرهنگ

مفهوم فرهنگ برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط انسان‌شناسان مورد استفاده قرار گرفت. اولین تعریف واضح و کامل توسط انسان‌شناس بریتانیایی، ادوارد بورنت تایلور ارائه شد. او در سال ۱۸۷۱، فرهنگ را چنین تعریف کرد: «کلیتی پیچیده شامل دانش، اعتقاد، هنر قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و سایر توانمندی‌ها و خصلت‌های مکتسبه توسط انسان به عنوان عضوی از جامعه» [Haviland, 1999: 36] به عبارت دیگر، فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه‌ی خاص تعریف کرد [کوپن، ۱۳۸۴: ۳۷].

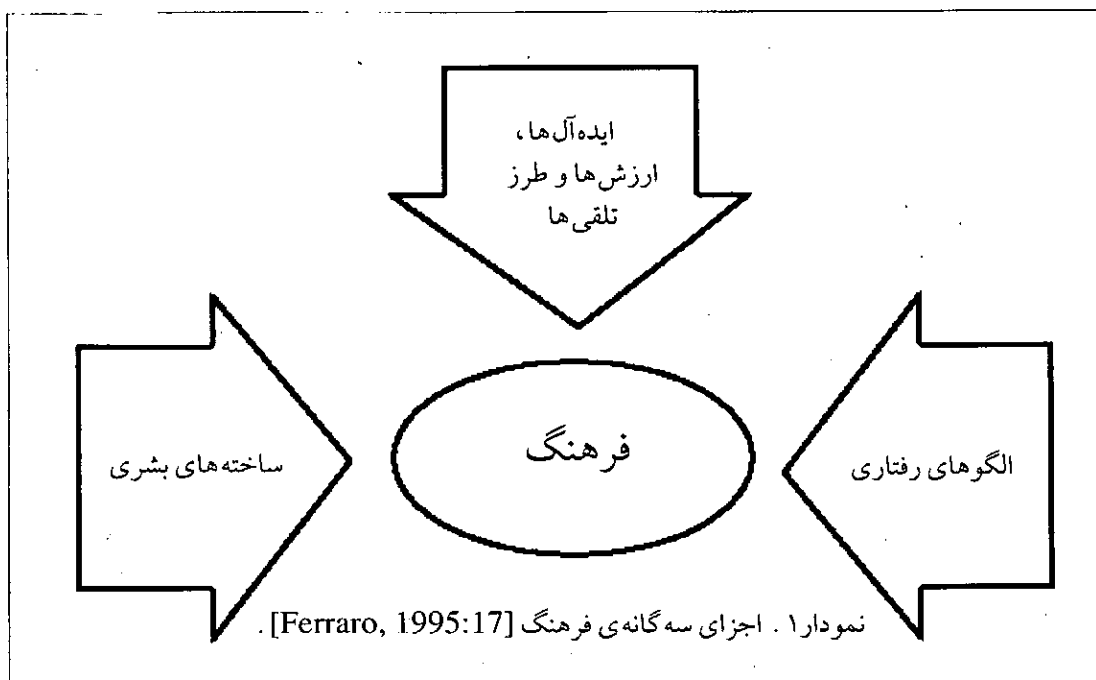
تعریف جامعی از مفهوم فرهنگ، به علت وسعت و گستردگی آن، کار ساده‌ای نیست. بیش از ۲۵۰ تعریف از فرهنگ ارائه شده است. در این جا به چند تعریف که از اهمیت بیشتری برخوردارند، بسنده می‌کنیم:

به نظر ژان کازنو^۲ «ثمره‌ی واقعی و قابل مشاهده‌ی کوشش انسان‌ها در زندگی اجتماعی به طور کلی فرهنگ نامیده می‌شود.»
هرسکوویتس^۴ در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ آن قسمت از محیط است که به دست انسان ساخته شده و تأثیر پذیرفته است.»

فرهنگ ماورای پدیده‌های غریزی است. فرهنگ در برگیرنده‌ی تمام عواملی است که فرد از گروه‌های انسانی یا به وسیله‌ی رفتار آگاهانه آموخته و یا توسط تکنیک‌ها، شیوه‌های گوناگون، نهادهای اجتماعی، باورها و شکل‌های متفاوت تماس و غیره تحت تأثیر قرار گرفته است [قرایی مقدم، ۱۳۷۴: ۱۴۸].

دودمان آن‌ها از فرهنگ آفریقایی است، یا چینی‌هایی که از فرهنگ چین آمده‌اند [Matsumoto, 1996: 12]. فرهنگ مترادف با عدالت اجتماعی به شیوه‌های نمادی شفاف و عینی و در صدد ارائه‌ی بهترین شیوه‌های زندگی و جنبه‌های سکونت است [ربانی، ۱۳۸۱: ۲۰].

فرهنگ را به طور معمول «ارزش‌های یک گروه معین (چه محدود و چه وسیع) و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و نیز کالاهای مادی که تولید می‌کنند» تعریف کرده‌اند [گیدنز، ۱۳۷۳: ۳۶]. بر همین اساس، ما غالباً اشاره می‌کنیم به مردم آمریکایی - آفریقایی تباری که



جورج پیتر مورداخ^۵ (۱۹۸۵-۱۸۹۷) جنبه‌های کلی فرهنگ را بالغ بر ۷۰ نوع یا نمونه به شرح زیر می‌داند [پیشین]:

موسیقی	اساطیر	شمارش اعداد	مامایی	جرایم کیفری
اسامی افراد	سیاست جمعیتی	زندگی پس از مرگ	زبان	قانون
موهومات خوش‌بختی	سحر و جادو	ازدواج	وقت خوراک	طلسم
حجب و حیا	سوگواری	مهمان‌نوازی	خانه‌سازی	بهداشت
تحریم زن	قوانین ارث	بذله‌گویی	گروه‌های خویشاوندی	فولکلور
تحریم خوراک	مراسم تدفین	بازی	ایما و اشاره	دادن هدیه
حکومت	سلام و درود	سیک‌های مو	بحث آخرت	اخلاق
گیاه‌شناسی	آداب معاشرت	شفابخشی و ایمان	خانواده	جشن و مهمانی
آتش‌بازی	آداب و رسوم	عشق و عاشقی	رقص	هنر و دکوراسیون
فال‌گیری	تقسیم کار	تعبیر خواب	آموزش و پرورش	سن ورود به مدرسه
ورزش	آرایش بدنی	تقویم	نظافت	سازمان اجتماعی
آشپزی	تعاون	ساخت ابزار	تجارت	دید و بازدید
از شیر گرفتن بچه	کنترل اقلیم	مقررات سکونت	محدودیت‌های جنسی	مفاهیم روح
تفاوت‌های اجتماعی	جراحی	عرف حاملگی	حقوق شخصی	تسکین بخشی موجودات
ماوراء الطبیعه	رسوم بلوغ	آیین‌های مذهبی		

تعریف و مفهوم توسعه

دو اصطلاح «رشد»^۶ و «توسعه»^۷ غالباً به یک معنی به کار برده می‌شوند که نادرست است. رشد مفهومی یک بعدی دارد و منظور از آن ازدیاد کمی ثروت در یک جامعه است و معمولاً با شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود. اما توسعه علاوه بر ازدیاد کمی ثروت جامعه، از تغییرات کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت دارد.

بروکفیلد^۸ در تعریف توسعه می‌گوید: «فرایند عمومی موجود در این زمینه، این است که توسعه را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بی‌کاری و نابرابری تعریف کنیم [از کیا، ۱۳۷۰: ۷].»

به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و هم‌چنین وجهه نظرهای عمومی مردم دگرگونی اساسی ایجاد می‌کند و در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز به تغییر درمی‌آورد.

عده‌ای از پژوهشگران، ویژگی‌های زیر را به عنوان مفاهیم خاص توسعه، به ویژه در کشورهای جهان سوم، پذیرفته‌اند:

۱. افزایش تولید کالا، خدمات و افزایش مصرف در سطحی متعادل انجام گیرد.

۲. توسعه اقتصادی، لازم است رفاه اجتماعی را برای همه‌ی مردم جامعه فراهم سازد. توسعه نباید تنها ثروت را افزایش دهد، بلکه باید توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز سبب شود.

۳. امر توسعه، موجب افزایش سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت می‌شود، به تجربیات و آگاهی‌های مردم می‌افزاید، و آگاهی‌های مردم، آموزش عمومی، و آزادی‌های سیاسی را پاس‌داری می‌کند. این امر، اساس همه‌ی پیشرفت‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شود.

۴. توسعه سبب می‌شود که همه‌ی مردم جامعه از کیفیت زندگی خود در شهر و روستا اظهار رضایت کنند [رضوانی، ۱۳۸۲: ۲۴].

فرد وجود نداشته باشند، هویت فرهنگی آن ناقص خواهد بود. تلفیق موزون این عوامل، وضعیت ایده‌آلی است [روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۱].

با وجود گستردگی بیش از حد قلمرو فرهنگ، منابع فرهنگی را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

- نهادها و فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای.

- فرهنگ‌های حرفه‌ای، شغلی، اقلیت‌های قومی و جوانان.

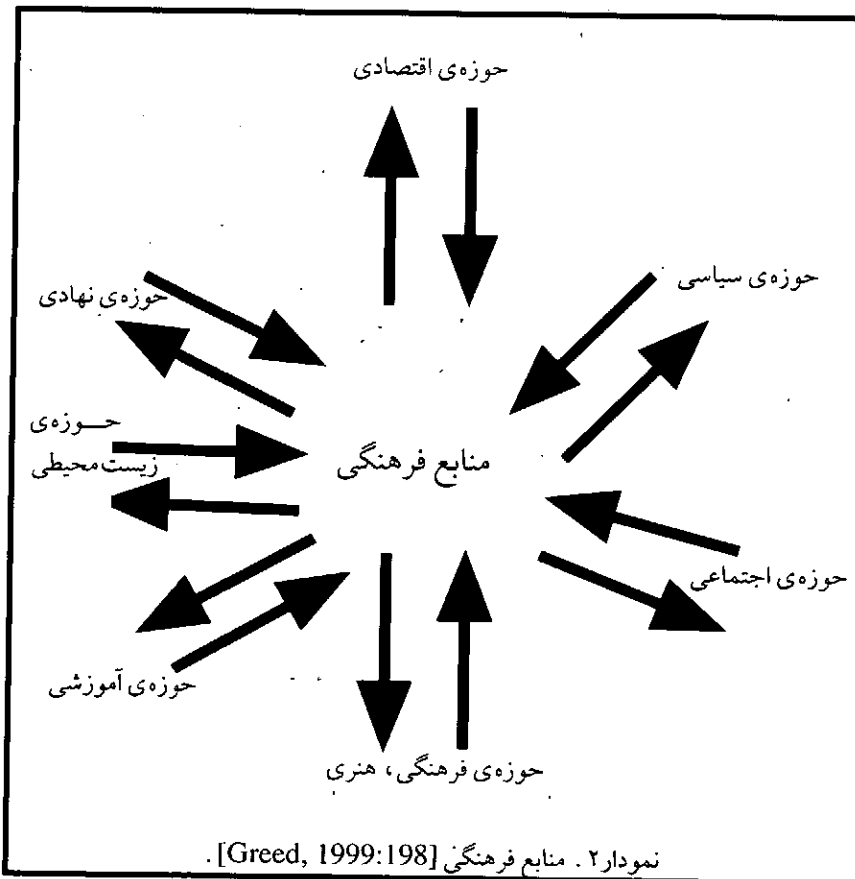
- فرهنگ‌های گروه‌های ذی‌نفع.

- میراث فرهنگی شامل: باستان‌شناسی، «خوراک‌شناسی»^۹، گویش‌های محلی و تعابیر نامتعارف^{۱۰} از مکان و فضا که در لطفه‌ها، آوازها، ادبیات، اسطوره‌ها و ... بیان می‌شوند.

- محیط طبیعی و انسان‌ساخت، شامل فضاها و عمومی.

- تنوع و کیفیت خرده‌فروشی، اوقات فراغت، فرهنگ خوردن و آشامیدن.

- گنجینه‌ی تولیدات محلی و صنایع دستی [بیان‌چینی، ۱۳۸۰: ۵۹].



در نمودار ۲، رابطه‌ای دو طرفه میان منابع فرهنگی و حوزه‌های گوناگون سیاست‌گذاری عمومی (اقتصادی، محیط زیست، حمل و نقل، آموزش و ...) وجود دارد. در این نمودار، دو گونه رابطه دیده می‌شود. پیکانی که از سمت حوزه‌های سیاست‌گذاری به طرف منابع

منابع فرهنگی

هویت فرهنگی جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخی، زبانی و روان‌شناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی متفاوت یکسان نیست. هرگاه این عوامل به طور کامل در یک ملت یا

فرهنگی ترسیم شده است، به این معناست که در سیاست گذاری باید منابع فرهنگی موجود در هر کدام از این حوزه‌ها را در نظر گرفت. پیکانی که از سمت منابع فرهنگی به سوی حوزه‌های سیاست گذاری کشیده شده است، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید فرایندهای فکری را که سایر کارگزاران حوزه‌های فرهنگی مورد استفاده قرار می‌دهند نیز لحاظ کنند.

کارکردهای فرهنگ

تلاش و کوشش انسان در جهت «زیاسازی» و «خوشایندسازی» یکی از ویژگی‌های فرهنگ است. جوامع انسانی پس از آن که از تهیه غذا، لباس و مسکن، یعنی نیازهای اولیه، مختصر فراغت یافتند، به ظرافت، زیبایی، نقاشی، شعر، سرگرمی و آفرینش‌های هنری دیگر می‌پردازند تا غذا، لباس، مسکن و اندیشه را راحت‌تر و خوشایندتر مورد استفاده قرار دهند [روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۷۲].

از آن‌چه قبلاً گفته شد روشن می‌شود، اگر فرهنگ نتواند به صورت مفید با مشکلات اساسی رفتار کند، نمی‌تواند بقا داشته باشد. فرهنگ باید تولید و پخش کالاها و خدمات مورد نیاز زندگی را تأمین کند. و باید تداوم زیست را از طریق تولید مجدد برای اعضای جامعه ممکن سازد. هم چنین برای تمامی افراد جامعه از کوچک تا بزرگ کارکرد داشته باشد. علاوه بر آن باید توسط تمامی افراد محافظت شود تا آن‌ها بتوانند برای بقا و کاربردش در فعالیت‌های ضروری به منظور ادامه‌ی حیات، از آن استفاده کنند [Haviland, 1999: 51].

فرهنگ‌ها، ممکن است برای مدت‌های مدید بدون تغییر بمانند، اما گاهی با مشکلی برخورد می‌کنند که حل آن از توانشان خارج است. در این صورت، برای پاسخ به مشکلی که با آن روبه‌رو هستند، از فرهنگ‌های دیگر کمک می‌طلبند و از این راه، پاره‌ای از ویژگی‌های آن فرهنگ‌ها را وارد فرهنگ خود می‌کنند. اصولاً اگر داد و ستد فرهنگی صورت نگیرد، پرمردگی فرهنگ‌ها فرا می‌رسد.

زمانی که فرهنگی در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی اعضای خود توفیق زیادی به دست آورد، در نواحی گوناگون جغرافیایی گسترش می‌یابد. در جوامعی که سطح فرهنگی آن‌ها پایین است، همه‌ی مردم انرژی و وقت خود را برای تأمین بقای زندگی به کار می‌گیرند و زمان کمتری برای فعالیت‌های غیرمادی در اختیار خواهند داشت. اما در فرهنگ‌های غنی و پربار، مردم زمان بیشتری برای فعالیت‌های فرهنگی، غیر از تأمین معاش، صرف می‌کنند. این قبیل فرهنگ‌ها، روز به روز پربارتر می‌شوند و توان بیشتری برای گسترش جغرافیایی خود به دست می‌آورند [شکویی، ۱۳۷۹: ۲۸۳].

سطوح تحلیلی فرهنگ

پدیده‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید در سه سطح تحلیلی مرتبط با یکدیگر ارزیابی شوند. در واقع، به تحلیل

دو سطحی سنتی علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی، یعنی سطح خرد^{۱۱} و سطح کلان^{۱۲}، باید سطح دیگری را هم افزود. این سطح تحلیل، «سطح میانه»^{۱۳} نام گرفته است. بنابراین، هنگام تحلیل پدیده‌هایی که به انسان‌ها، آن‌هم در شکل و شمایل جمعی‌شان مربوط است و تجمع تاریخی نیز دارند، باید در سطوح خرد، میانه و کلان نگریست. سطح کلان دربرگیرنده‌ی ساختار جامعه و تاریخ مندرج در آن است. برداشت ایستا از فرهنگ، آن را در سطح میانه قرار می‌دهد و بالاخره سطح خرد، از افراد، شخصیت‌ها، رفتار و وقایع یاد می‌کند. اگر دیدی پویا به فرهنگ اتخاذ شود، برای درک هر چه بهتر آن، ارتباط متقابل سه سطح فوق الزامی می‌شود [میزان، ۱۳۸۰: ۹۰].

توسعه‌ی فرهنگی

دیررس‌ترین درخت میوه‌ی خلقت، درخت فرهنگ است و منظور از فرهنگ، شیوه‌ی فکر کردن، استنباط و استنتاج در تمامی ابعاد زندگی است. جامعه‌ی فرهنگی، جامعه‌ای عقلی است. جامعه‌ای که شیوه‌ی حفظ کردن را نمی‌آموزد، بلکه طریقه‌ی سنگین و عظیم فکر کردن را منتقل می‌کند. هیچ نوع تربیتی، سخت‌تر از تربیت فکر و عقل نیست [پورشافعی، ۱۳۸۰: ۶۹]. ماهیت دیربازده بودن اقدامات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ایجاب می‌کند که اهداف درازمدت و به عبارت دیگر، سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ و آموزشی مشخص شوند و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در چارچوب برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملی قرار گیرند.

برای آن که در جامعه‌ای به توسعه‌ی فرهنگی دست یابیم، یکی از راهکارها این است که فرهنگ در متن زندگی مستقر و جای‌گزین شود، نه آن‌که به آن افزوده شود و به صورت پیوست زندگی درآید. چه در این صورت، سیاست توسعه‌ی فرهنگی و همگانی کردن فرهنگ شکست می‌خورد. سیاست توسعه‌ی فرهنگی به معنای راستین کلمه، کوششی است برای آن‌که فرهنگ جایی را که به حق از آن اوست، دوباره به چنگ آورد؛ یعنی در زندگی روزانه حضور یابد.

رنه ماهو^{۱۴} مدیر کل فقید یونسکو، در نخستین مجمع بین‌الدول و برای فرهنگ جهان در ونیز (۱۹۷۰)، به روشنی و فصاحت تمام به این پرسش پاسخ داد و گفت: «اهتمام مقامات عمومی در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی، به هر شکل و صورت و در هر سطحی که باشد، دوپایه و مبنا دارد: از یک سو حق برخورداری از فرهنگ که نتیجه‌ی مستقیم آن وظیفه‌مندی دولت در فراهم آوردن وسایل و امکانات استفاده از این حق برای عموم مردم است و از سوی دیگر، پیوند و رابطه‌ای است که میان توسعه‌ی فرهنگی و توسعه عمومی وجود دارد.»

خطابه‌ی رنه ماهو در این باب که چرا برخورداری از فرهنگ برای هر دولت مسئولیت‌آور است، سخت مستدل و روشنگر به نظر می‌رسد و در ضمن از لحاظ تاریخی هم اهمیت دارد. او استدلال کرد: «اعتقاد بر این است که از این پس مقامات عمومی می‌توانند و حتی باید در

زمینه‌ی فرهنگ، چنان‌که در بسیاری از زمینه‌های دیگر که با حیثیت انسان و پیشرفت اجتماع ارتباط دارد، نقش سازمان‌بخشی و مساعدت را که از مقتضیات و اجزای لاینفک اجتماعات امروزی شده است، به عهده گیرند. البته به شرطی که نقش دولت فقط وسیله تلقی شود و دولت در ماهیت کار فرهنگی، اعم از آفرینش، انتقاد و یا فهم و دریافت و نیز به قصد جهت‌نمایی و یا تعیین کار فرهنگی، مداخله نکند. فرهنگ امری است که بهتر از هر مقوله‌ی دیگر به هر منطقه^{۱۵} امکان و مجال می‌دهد که خصوصیات خویش را بنمایاند و با تأکید بر این ویژگی‌ها، حیات ملی خویش را پر بار و سرشار سازد؛ بی‌آن‌که با ملت و دولت قطع رابطه کند.

از آن‌جا که ایدئولوژی یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های فرهنگ به شمار می‌رود، در قاره‌ی آسیا، به هنگام استقلال کشورها، رهبران دارای ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوتی بودند. در نتیجه، بعد از به دست آوردن استقلال، فضاهای جغرافیایی و کیفیت‌های متفاوتی از زندگی منطبق بر این ایدئولوژی‌ها به وجود آمد. چنان‌که در سه کشور آسیا، سوسیالیسم مائو در چین، ملی‌گرایی سوکارنو در اندونزی، ایدئولوژی عدم خشونت گاندی در هند، به خلق سه محیط جغرافیایی متفاوت انجامید [شکویی، ۱۳۸۴: ۴۸]. در این اواخر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ و حاکمیت ایدئولوژی اسلامی در آن، خط بطلانی بر وابستگی به الگوهای غرب و شرق کشید و ایدئولوژی سیاسی اسلام را به جهان معرفی کرد.

توسعه‌ی فرهنگی نمی‌تواند و نباید منحصرراً تعمیم و گسترش فعالیت‌ها و عادات فرهنگ طبقه‌ای خاص از جامعه، به امید بهره‌گیری عموم مردم از آن باشد. چنین امری لازم است، اما کافی نیست. توسعه‌ی فرهنگ، در وهله‌ی اول ارضای نیاز و خواست عموم مردم در راستای حصول و حفظ حیثیت و شرف زندگی است که امروزه ناشناخته و مهجور مانده، به بیراهه رفته و در انبوه عادات اجتماعی، پیش‌داوری‌ها، محرومیت‌ها و کمبودها گم شده است. امروزه توسعه‌یابی در زمینه‌ی فرهنگ، و شناخت و دریافت ساحت فرهنگ در زندگی روزانه، در هر لحظه و در هر حرکت از معیشت روزمره مطرح است [ستاری، ۱۳۶۶: ۸۸].

نقش فرهنگ در توسعه

مکتب فلسفی «عدالت محیطی»، شاخص‌های توسعه‌ی پایدار را در چهار حوزه‌ی اصلی، معتبر می‌شناسد: الف) محیط، ب) جمعیت و منابع، ج) اقتصاد، د) فرهنگ و جامعه [شکویی، ۱۳۸۴: ۳۳]. بنابراین، بین فرهنگ و اقتصاد رابطه و تعامل تنگاتنگی وجود دارد. یکی از نشانه‌های وجود پیوند میان این دو، حداقل در ذهن سوداگران بازار، این است که مثلاً وقتی شهرسازان سوداگر اروپایی می‌خواهند خانه‌های تازه‌ساز را به فروش برسانند، بخش مهمی از تبلیغات خود را بر اساس انگیزه‌ها و خواست‌های فرهنگی خریداران احتمالی استوار

می‌کنند.

تردیدی نیست که توسعه‌ی فرهنگ با توسعه‌ی اقتصادی همیشه و مربوط است. اما وجود این پیوند و هم‌بستگی نباید بهانه‌ای به دست سوداگران و سودجویان دهد تا فرهنگ را سراسر به تبعیت از احکام بازار و اقتصاد بکشانند. فواید توسعه‌ی فرهنگی را منحصرراً از لحاظ اقتصادی دریابند و به زبان اقتصاد توجیه و تحلیل کنند. شکی نیست که توجیه و تبیین توسعه‌ی فرهنگی تنها با موازین و ضوابط اقتصادی، کاری نادرست و خطرناک است. چون خوش‌بختی انسان و کیفیت زندگی با مقیاس پول قابل سنجش نیست.

واژه‌ی توسعه به معنی خروج از لفاف^{۱۶} است که وسعت دادن، فراخ کردن، گسترش و بهبود نیز معنا می‌دهد. این اصطلاح، در معنای جدید آن، تنها پس از جنگ جهانی دوم فراگیر شد و چیزی فراتر از نوسازی و رشد اقتصادی به حساب آمد. از سوی دیگر، با تمام اهمیتی که فرهنگ در فعالیت‌ها، راه‌ها و روش‌های زندگی فردی و گروهی جامعه دارد، وجود آن شرط لازم برای توسعه تلقی می‌شود، ولی شرط کافی آن نیست. کفایت آن منوط به این است که فرهنگ از ویژگی‌های پویا برخوردار باشد و بتواند نگرش‌ها و بینش‌های جدید و کارآمدی را در افراد جامعه تقویت کند [پورشافعی، ۱۳۸۰: ۶۲].

هیچ توسعه و تکاملی، بدون توسعه و تکامل فرهنگی نه مطلوب است و نه مقدور. توسعه‌ی اقتصادی بدون توسعه‌ی فرهنگی، توسعه‌ای ناقص است. حتی اگر عمیق‌تر بیندیشیم، اصلاً توسعه نیست. اقتصاد در جنبه‌های عمومی و به عبارت دیگر در قدرت تخریبی شاید بتواند سریع‌تر از فرهنگ و شاید هم قوی‌تر از آن عمل کند، اما در جنبه‌ی وجودی هیچ‌گاه نمی‌تواند جای فرهنگ را بگیرد. در مقایسه با تأثیرات فرهنگی، اقتصاد و عوامل غیر فرهنگی تأثیرات سریع اما سطحی دارند. فرهنگ جریانی است که در عمق اثر می‌گذارد و عوامل غیر فرهنگی امواجی هستند که در سطح پدید می‌آیند.

به عبارت دیگر، توسعه‌ی اقتصادی در گرو تحول‌نگرشی و بینشی افراد جامعه است. چنین تحولی بیش از هر عامل دیگری به فرهنگ مربوط می‌شود. باید دریافت که فرهنگ باری بر دوش اقتصاد نیست و اقتصاد نباید در تعدیل و ترمیم بودجه، فرهنگ را هدف قرار دهد. فرهنگ به اقتصاد افزوده نمی‌شود، بلکه در حقیقت بخشی ضروری و تعیین‌کننده از آن است. توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه، بر این نگرش صحه می‌گذارد [پورشافعی، ۱۳۸۰: ۶۷].

هم تجربه و هم نظریات فرهنگ‌شناسان و متفکران گویای آن است که امروزه در توسعه‌ی اقتصادی، و در تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی و هر دگرگونی و تغییر دیگری، از قدرت فرهنگ استفاده می‌شود. برای مثال برخی کشورها، وقتی توانستند در عرصه‌ی کشاورزی به استقلال برسند که موفق شدند باریشه کن کردن بی‌سواد و گسترش فرهنگ، وحدت ملی را ایجاد یا تقویت کنند و آن‌گاه بر این اساس حرکت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را سامان دهند

[رفیع، ۱۳۷۳: ۲۳۷]؛ زیرا به بیان هواردفاست^{۱۷} نویسنده‌ی شهیر: «راه آزادی از گذرگاه علم، دانش و فرهنگ می‌گذرد» [پورشافعی، ۱۳۸۰: ۷۰]. از سوی دیگر، سواد، بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین عامل فرهنگ‌ساز است و برنامه‌ریزی فرهنگی، بیش از هر چیز به ریشه‌کن کردن بی‌سوادی به عنوان اقدامی اساسی و اولیه نیاز دارد.

اگر انسان، عامل و غایت توسعه‌ی اجتماعی است و اگر این همه تلاش و کوشش در جامعه و جهان برای رفع نیازهای در حال رشد او انجام می‌گیرد، پس باید باور کرد که نیرو و نیاز فرهنگی انسان در رأس و در عمق حیات و حرکت او قرار دارد.

فرایند نفوذ و رسوخ فرهنگ در متن زندگی برای نیل به توسعه

آینده مکانی نیست که بدان‌جا می‌رویم، بلکه موقعیتی است که آن را به وجود می‌آوریم. راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، یافتنی نیستند، بلکه ساختنی‌اند و ساختن آن‌ها، هم‌سازنده‌ی راه و هم‌مقصد را دگرگون می‌کند. سازمان یونسکو در خصوص نقش مردم در فرایند توسعه چنین اظهار می‌دارد: «توسعه باید از مردم، از آن‌چه انجام می‌دهند، از آن‌چه می‌خواهند و از آن‌چه می‌اندیشند و باور دارند، آغاز شود و به سوی توزیع عادلانه‌تر منابع، جهت‌گیری کند. هدف نهایی توسعه، آزاد کردن انرژی خلاقه‌ی مردم و امکان‌پذیر ساختن آن است که مردم سرنوشتشان را به صورت فردی و جمعی خود تعیین کنند» [پورشافعی، ۱۳۸۰: ۷۵].

راه‌های متعددی برای نفوذ و رسوخ فرهنگ در متن زندگی روزانه وجود دارد. یکی از آن‌ها که اساسی هم هست، اما به زعم ژاک ریگر، امروزه در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه متروک و مهجور مانده، کتاب‌خوانی است. به اعتقاد وی، خطری که امروزه کتاب‌خوانی را تهدید می‌کند، آن است که در جوامع مذکور، «خبر داشتن»^{۱۸} بیش از «آموختن»^{۱۹} ارزش و اهمیت دارد. حضور کتاب در زندگی روزانه باید نخستین هدف سیاست فرهنگی امروز باشد.

امروزه تلویزیون می‌تواند به توسعه‌ی فرهنگی به طور مؤثر کمک کند، اما به اعتقاد ژاک ریگر، نمی‌تواند عامل اصلی و اساسی در این زمینه باشد و باز به قول او، اگر حضرت مسیح از معاصران بود و از طریق تلویزیون تبلیغ می‌کرد، به احتمال قوی پیروان و حواریونی نمی‌یافت. هرگز دیده‌ایم و شنیده‌ایم که کسی منحصرأ تحت تأثیر تلویزیون تغییر مذهب داده و به مذهب دیگری گرویده باشد؟ در حال حاضر خطر تلویزیون از لحاظ فرهنگی، در این است که تقریباً همه‌ی وقت‌هایی را که ممکن است صرف انجام فعالیت‌های گوناگون فرهنگی شوند، می‌گیرند. تلویزیون همیشه بیش از آن‌که مولد باشد، مصرف‌کننده است و خواهد بود. اما درباره‌ی امکانات ارتقا و تعالی فرهنگی خود تلویزیون و نقش و تأثیر آن در اعتلای فرهنگ مردم نباید به خطا رفت و تصورات باطل و واهی داشت. همه‌ی برنامه‌های تلویزیونی اعم از آموزشی، و سرگرم‌کننده ارزش و تأثیر فرهنگی دارند؛ چه به لحاظ نحوه‌ی عرضه‌ی موضوعات و چه به اعتبار معنا و محتوای

پیام‌ها. نخستین بار در تاریخ فرهنگ، این تردید ایجاد شده که ممکن است قابلیت آفرینندگی تلویزیون، طی مدت زمان طولانی به کمتر از توانایی پخش و اشاعه‌ی مطالب برسد. اما اگر تلویزیون واقعاً به رسالت خود عمل کند، فضا و حال و هوایی شوق‌انگیز برای پرداختن به فعالیت‌های فرهنگی می‌آفریند [ستاری، ۱۳۶۶: ۱۱۲].

باید به شاهراه دیگری برای تحقق دموکراسی فرهنگی اشاره کرد و آن، جا دادن فرهنگ در زندگی روزانه و فرهنگی کردن و زیبا ساختن محیط زیست با توجه به میراث فرهنگی و هنری اقوام ساکن هر منطقه است؛ از جمله استفاده از مجسمه‌های مفاخر و مشاهیر منطقه در زیباسازی میادین شهرها و روستاها.

در جریان زندگی روزانه، گذرگاه‌ها، چهارسوق‌ها، پاتوق‌ها و هزاران جای مأنوس دیگر هستند که هر روز در معرض دید و محل آمد و شدند. فرهنگ در همه‌ی این جاهای آشنا و خودی می‌تواند و باید حضور داشته باشد؛ البته نه به عنوان پدیده‌ای اختصاصی، بلکه هم‌چون رنگ و بوی زندگی و یا بهتر بگوییم، به مثابه بعد اساسی حیات و معاش. پروژه‌های تبدیل خاطرات جمعی به سایت‌های فرهنگی-تجاری-عمومی یا «سیویک ستر»^{۲۰} موضوع تازه‌ای نیست. سابقه‌ی آن به سومر و بعدها به یونان و روم می‌رسد. امین مختار، معمار مصری، مدعی است که مصریان بودند که ابتدا سیویک ستر را ابداع کردند. اما آن‌چه امروزه در واقع زیر چتر نظری و فکری پست مدرنیسم و گاه بزرگ، حول این ایده‌ی کلی است. در شهرهایی چون شیکاگو، نیویورک، لندن، پاریس، و مادرید، سر هر پیچ و در هر کنج؛ ناگهان به آدم بر نیمکت نشسته‌ای، نویسنده‌ای، هنرمندی، نوازنده‌ای یا موسیقی‌دانی برمی‌خورید که پیرامون آن فضایی طراحی شده است. جالب آن‌که در شیکاگو فقط به مردان نامی بسنده نشده است. از طرح یا مجسمه‌ی فردی کارگر، یا کارمندی که سرظهر برای خوردن ساندویچ خود روی نیمکتی در خیابان نشسته است، یا ورزشکاری که خم شده است و بند کفش خود را می‌بندد و ده‌ها طرح دیگر با استفاده از نماد انسان و غیر انسان، برای آرایش محیط استفاده شده است [پیران، ۱۳۸۰: ۱۳].

پیش از هر چیز، حضور فرهنگ در چارچوب زندگی امری واجب و ضروری است. شهرهایی را که زشت و حزن‌انگیز و عذاب‌آورند، می‌توان از طریق زنده کردن بناهای زیبا و احیای آثار باستانی، زیبا و پذیرای نظم و شادابی کرد. در تشویق آفرینندگان زیبایی شهر، فقط نباید در فکر بازدهی و اقتصادی بودن کار بود.

آدمی با تصویری که از خانه و شهر دل‌خواه خود دارد و پرورش و بیان آن، به بهترین و کامل‌ترین وجه از مکنونات قلبی خویش سود می‌جوید. اما امروزه معماری خانه‌های شهری در خدمت و اسارت کارخانه‌های قوطی‌سازی (خانه‌سازی) است. مسکن هم‌به‌سان تولیدات صنعتی، یکسان و یکنواخت شده و ساخت مسکن جمعی بیش از مسکن شخصی مورد توجه است و رواج دارد. فقدان ساخت فرهنگی و زیبایی در شهرسازی نیز سخت محسوس است. راه حل این معضل، استفاده از معماری سنتی و سازگار با فرهنگ مردم منطقه است

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این مقاله درباره ی نقش و جایگاه فرهنگ و اثر غیر قابل کتمان آن بر روند توسعه ، می توان به طور خلاصه به نکات زیر اشاره کرد :

- تعریف و تبیین فرهنگ کاری بس مشکل به نظر می رسد؛ زیرا مقوله ی فرهنگ دارای گستردگی و دامنه ی شمول بسیار وسیعی است . به همین دلیل، تعاریف فراوان و گوناگونی از آن صورت گرفته است .
- فرهنگ باید پویا و دارای کارکرد باشد و کارکردهای آن تمام افراد و اقشار جامعه را دربر بگیرد .
- فرهنگ باید گره گشا و حلال مشکلات اساسی در زندگی بشر باشد .
- توسعه ی فرهنگی یعنی ورود و حضور فرهنگ در عرصه ی زندگی روزانه .
- هیچ توسعه ای، به ویژه توسعه ی اقتصادی، بدون توسعه ی فرهنگی کامل نیست .

● فعالیت های فرهنگی، نظیر رواج کتاب خوانی، توسعه ی برنامه های تلویزیونی و... از عمده ترین راه های نفوذ فرهنگ در زندگی روزانه ی مردم و پویایی فرهنگ است، اما متأسفانه هیچ یک از این عوامل نقش و کارکرد واقعی خود را ندارند .

● بهترین زمینه ی الگوبرداری برای توسعه ی فرهنگی و زیباسازی محیط زیست، استفاده از ارزش ها و میراث های فرهنگی هر منطقه است .

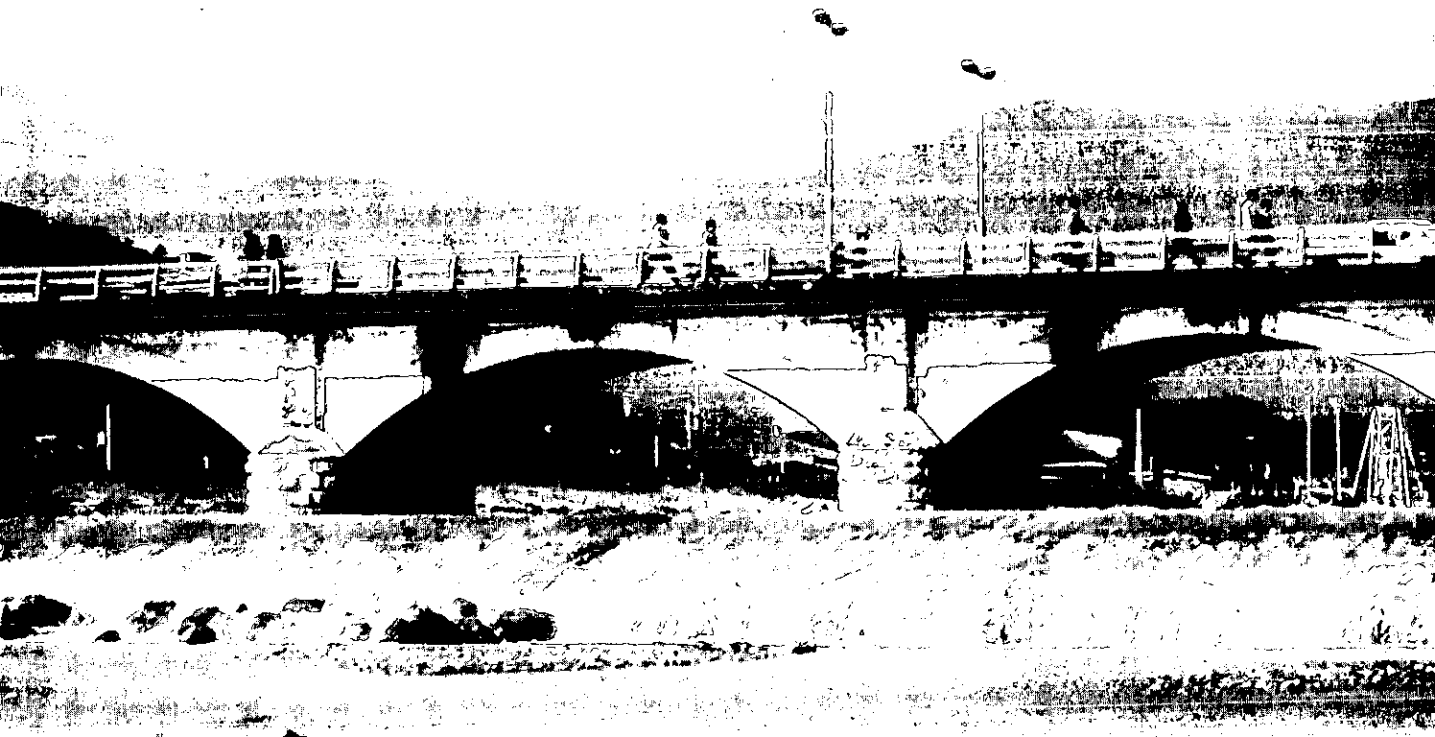
زیر نویس

1. Descriptive-Analytic
2. Edward Burnett tylor
3. Jean cazneuve
4. Herskovits
5. George Peter Murdock
6. Growth
7. Development
8. Brockfield
9. Gastronomy
10. External Perceptions
11. Microscopic
12. Macroscopic
13. Mezzoscopic
14. Rene Maheu
15. Region
16. Envelope
17. H.Fost
18. Information

منابع

۱. قرآن کریم .
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). جامعه شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران. انتشارات اطلاعات. تهران.
۳. بیانچینی، فرانکو (۱۳۸۰). برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی شهری. ترجمه ی محمود نجاتی حسینی. فصلنامه ی مدیریت شهری. شماره ی ۸. سازمان شهرداری های کشور.
۴. پورشافعی، هادی (۱۳۸۰). برنامه ریزی فرهنگی و چالش های آن. مجله ی علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان. شماره ی ۱۵.
۵. پیران، پرویز (۱۳۸۰). فرهنگ شهری. فصل نامه ی مدیریت شهری. شماره ی ۸. سازمان شهرداری های کشور.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. سمت. تهران.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). فرهنگ لغت. تهران.
۸. ربانی، رسول (۱۳۸۱). جامعه شناسی شهری. انتشارات دانشگاه اصفهان و سازمان سمت.
۹. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۲). روابط شهر و روستا. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران.
۱۰. رفیع، جلال (۱۳۸۳). فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد (در باب فرهنگ و متعلقات آن). انتشارات اطلاعات. تهران.
۱۱. روح الامینی، محمود (۱۳۶۸). زمینه شناسی فرهنگ. انتشارات عطار. تهران.
۱۲. ستاری، جلال (۱۳۶۶). در قلمرو فرهنگ. انتشارات عطار. تهران.
۱۳. شکویی، حسین (۱۳۷۹). اندیشه های نو در فلسفه ی جغرافیا (ج ۱). گیتاشناسی.
۱۴. _____ (۱۳۸۴). اندیشه های نو در فلسفه ی جغرافیا (ج ۲) فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی. گیتاشناسی. تهران.
۱۵. قزایی مقدم، امان الله (۱۳۷۴). مبانی جامعه شناسی. انتشارات ابجد. تهران.
۱۶. کوین، بروس (۱۳۸۴). درآمدی به مبانی جامعه شناسی. ترجمه ی محسن ثلاثی. نشر توتیا. تهران.
۱۷. گیلدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه شناسی. ترجمه ی منوچهر صبوری. نشر نی. تهران.
۱۸. نبوی، بهروز (۱۳۷۲). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی. انتشارات کتابخانه فروردین. تهران.

19. Ferraro, Gray (1995). *Cultural Antropology an Applied Perspective*. The University of North Carolina.
20. Greed H.Clara (1999). *Social Town Planning*. ROutledge, London.
21. Haviland, A, William (1999). *Cultural Antropology*. Harcourt Brace College publishers. U.S.A.
22. Matsumoto, David (1996). *Culture and Psychology*. Harcourt Brace College publishers. U.S.A.
23. Robertson, Iain (2003). *Studing culture landscapes*. Arnold, London.
24. Somekh, Bridget & Lewin Cathay (2005). *Research Methods in the social sciences*. SAGE publications. Inc.



ساختار و عملکرد شهر تنکابن

حسن تقی پور تکامجانی^۵

چکیده

نابسامانی در آرایش کاربردی شهرهای کشورهای توسعه نیافته که در اثر عوامل گوناگون و تحت تأثیر سازوکارهای حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده، موجب گسستگی روابط بین شهر و روستا شده و تعادل های منطقه ای را به هم زده است. این نوع ناموزونی، در ایران نیز دیده می شود. برای مثال، در برنامه ریزی شهری، یکی از جنبه هایی که کمتر بدان پرداخته شده، جنبه ی فضایی - کالبدی شهر است.

روشن تحقیق و رویکرد کلی حاکم بر فضای این تحقیق، سیستمی است. در این رویکرد، ضمن تحلیل سیستمی ساختار و عملکرد شهر تنکابن، عوامل مؤثر طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، و اداری مؤثر در توسعه ی فضایی شهر نیز بررسی شده اند. وجود جلگه ی کم عرض ساحلی و دامنه های پر شیب کوهپایه، به عنوان عامل محدودکننده ی توسعه ی شهر سبب شده است، مزارع و باغاتی که در سمت جنوب و جنوب غربی شهر قرار دارند، دست خوش هجوم و دست اندازی گسترده شوند. این امر، علاوه بر تأثیر نامطلوب بر محیط زیست و شرایط منطقه، باعث رشد ناموزون شهر تنکابن از نظر الگوی توسعه ی شهری نیز شده است.

کلیدواژه ها: رویکرد سیستمی، توسعه ی فضایی و فیزیکی، عوامل طبیعی، اقتصادی و جمعیتی

مقدمه

برنامه ریزی در هر زمینه ی شهری، قبل از هر چیز، آگاهی از سیر تحول شهر و درک ماهیت آن را طلب می کند. بنابراین شناخت کامل و همه جانبه ی شهر و قبول این که شهر دائماً در حال رشد و تکامل است، اولین و ضروری ترین شرط برای برنامه ریزی در زمینه ی توسعه ی شهری محسوب می شود. عوامل گوناگونی به یک شهر شکل می دهند و نقش آن را تعیین می کنند. این شکل و نقش در فضاهای کالبدی شهر متبلور می شوند. همین فضاها عامل محدودکننده یا تشویق کننده ی رشد و توسعه شهر هستند.

هر فضای شهری، طبق نیازهای روزمره ی ساکنان شهر و در جواب به رشد و دگرگونی جامعه ی شهری، در طول زمان شکل می گیرد و تکامل می یابد. ساخت کالبدی شهر، بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه در آن فضا است که در یک مقطع زمانی - مکانی خاص رخ می دهد و وابسته به زمان تحول می یابد.

مداخلات ناآگاهانه در این فضا، باعث انهدام سازمان فضایی شهر می‌شود و چهره‌ای کره از آن به نمایش می‌گذارد.

پیدایش شهر در مکان کنونی آن و توسعه در بستر مکانی و شیوه‌ی گسترش شهر دلایلی دارند که شناخت آن‌ها ما را در شناسایی الگوی شکل‌گیری شهر و ساختار کالبدی آن در گذر زمان و در بستر مکان یاری می‌دهد. رشد کالبدی شهر تنکابن، همراه با رشد شهرنشینی در چند سال اخیر شدت گرفته است. رشد، بیشتر نتیجه‌ی عوامل طبیعی، اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، و اداری خاصی است که سبب شده‌اند، توسعه‌ی شهر به سمت نواحی جنوبی و جنوب غربی (شامل باغات و مزارع) یا در مسیر راه‌های ارتباطی که بیشتر جهت «شرقی-غربی» دارند، تمایل پیدا کند. باید متذکر شد که توسعه‌ی آینده‌ی این شهر با دو جنبه‌ی کاملاً متفاوت مواجه است:

اول: زمین‌های زراعی و باغات، در تمام اطراف شهر، تا شعاع قابل ملاحظه‌ای احاطه خواهند شد و توسعه‌ی شهر در تداوم بافت موجود، به صورت پیوسته باعث جذب زمین‌های کشاورزی خواهد شد.

دوم: با سیاست‌هایی که در جهت افزایش میزان تراکم‌ها اتخاذ می‌شود، نمی‌توان جمعیت قابل ملاحظه‌ای را در بخش‌های موجود شهر جای داد.

عوامل تأثیرگذار در ساختار و عملکرد شهر تنکابن

۱. عوامل طبیعی

شهر تنکابن در منتهی‌الیه مخروط افکنه‌ی رودخانه‌ی «چشمه کیله» و در حاشیه‌ی جنوبی دریای خزر واقع شده و ویژگی‌های بستر جغرافیایی آن متأثر از ویژگی‌های رودخانه‌ی مذکور و تحت تأثیر ناحیه خزری است. با توجه به نوسانات شدید سطح آب دریای خزر طی ادوار گذشته و نیز با توجه به احتمال بروز امواج بزرگ دریایی که ارتفاع آن‌ها گاه به حدود ۳ متر هم می‌رسد، خط تراز ۲۴- متر به عنوان حریم دریا در نظر گرفته شده است. در این محدوده، هرگونه رشد و توسعه‌ی کالبدی شهر مشروط به در نظر گرفتن این عوامل است. تنها امکان استقرار واحدهای پذیرایی، اقامتی و گردشگری سبک و موقتی و در مواردی واحدهای پذیرایی و اقامتی از قبیل رستوران‌ها، هتل‌ها و مجتمع‌های توریستی مقاوم، در صورت داشتن طرح مصوب، و با رعایت حریم ۶۰ متری از خط ساحلی مقدور است. از این رو، خط تراز ۲۴- متر و حریم ۶۰ متری دریا یکی از محدودیت‌های رشد و گسترش فیزیکی (کالبدی) شهر تنکابن به سمت شمال محسوب می‌شود.

رودخانه‌ی چشمه کیله که پس از خروج از کوهستان مخروط افکنه، به سمت شمال جریان پیدا می‌کند، همراه با انشعابات متعدد آن که بر سطح این مخروط افکنه پخش شده‌اند، یکی دیگر از محدودیت‌های محیطی و جغرافیایی برای رشد و گسترش کالبدی شهر تنکابن به شمار

می‌رود. یکی دیگر از محدودیت‌ها وجود سفره‌های آب زیرزمینی در دو طرف شرق و غرب رودخانه‌ی چشمه کیله است. آبرفت‌های میانی این رودخانه، موجب برجستگی نسبی بستر آن نسبت به اراضی پست شرق و غرب رودخانه شده‌اند، به طوری که در سال‌های پربابی و ترسالی، سطح آب‌های زیرزمینی به حدی بالا می‌آید که اراضی نواحی غرب و جنوب شرق شهر را به باتلاق تبدیل می‌کند.

یکی دیگر از محدودیت‌های بستر جغرافیایی شهر تنکابن، وجود اراضی حاصل‌خیز در بخش‌های جنوبی و جنوب غربی شهر است. این اراضی حاصل آبرفت‌های حاصل‌خیز رودخانه‌ی چشمه‌ی کیله هستند و در حال حاضر زیر کشت باغات، شالیزارها، مزارع سبزی و... قرار دارند که به خاطر وابستگی معیشت بخشی از ساکنان شهر و روستانشینان گستره‌ی پیرامون آن به کشاورزی در این اراضی، تخریب آن‌ها غیر عقلانی است و رشد و گسترش شهر را در این سمت با محدودیت مواجه می‌سازد.

شیب عمومی اراضی شهری و گستره‌ی پیرامون آن، از سمت جنوب و جنوب غربی به سمت شمال و شمال شرقی است. با این حال، انشعابات متعدد رودخانه‌ی چشمه کیله و نیز پشته‌های ماسه‌ای نوار ساحلی، موجب نایکنواختی شیب عمومی اراضی و در مواردی شیب‌های معکوس شده است. قابل ذکر است که اگرچه عوامل طبیعی در شهر تنکابن نقش محدودکننده در رشد و توسعه‌ی فضایی شهر دارند، نمی‌توان نقش رودخانه‌ی چشمه کیله را به عنوان عامل مؤثر در توسعه‌ی فضایی شهر نادیده گرفت.

۱-۱. رودخانه‌ی چشمه کیله

مطالعه‌ی تأثیر رودخانه‌ها در توسعه‌ی شهرها، به خصوص رودخانه‌هایی که جایگاه ویژه‌ای در توسعه‌ی کالبدی و فضایی شهرها دارند، مانند رودخانه‌ی چشمه کیله در شهر تنکابن، مبحث جداگانه‌ای را می‌طلبند.

بعضی از شهرها در امتداد ساحل یک رودخانه یا محل تلاقی چند رودخانه استقرار یافته‌اند. به این ترتیب اغلب بناها و سازه‌های شهری، روی مواد آبرفتی این رودخانه‌ها (مخروط افکنه‌ها، تراس‌ها، دشت‌های سیلابی و...) ساخته شده‌اند. این عوارض و نیز عبور رود از کنار یا میان شهر، می‌تواند نکات مثبت و منفی زیادی برای سکونتگاه‌های شهری در برداشته باشد [زمردیان، ۱۳۸۱: ۶۰].

«سیل» مهم‌ترین موضوع در مطالعات هیدرولوژی در داخل شهر، به خصوص در شهر تنکابن به شمار می‌رود. سیل عبارت است از جریان شدید و استثنایی آب که ممکن است از بستر طبیعی رودخانه لبریز شود و اراضی اطراف بستر را اشغال کند. این پدیده می‌تواند در نتیجه‌ی ریزش باران‌های شدید، ذوب برف و یخ، و تخریب سدها و... به وجود آید. [اصغری مقدم، ۱۳۷۸: ۳۹].

رودخانه‌ی چشمه کیله بزرگ‌ترین رودخانه‌ی شهرستان تنکابن و

نیز شهر تنکابن است. این رودخانه درست از وسط شهر می‌گذرد و ساخت و سازهای شهری را به طور نسبی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. چشمه کیله دارای دو رژیم طغیانی است: یکی در فصل پاییز و دیگری در فصل بهار. در بقیه‌ی ماه‌های سال جریان نسبتاً آرامی دارد.

چشمه کیله از به هم پیوستن سه رودخانه‌ی «دو هزار»، «سه هزار»، و «ولرم رود» ایجاد می‌شود، طول آن برابر با ۵۵ کیلومتر است و در قسمت علیا، شیب نسبتاً زیادی دارد. روی این رودخانه، ۳ پل ایجاد شده است که یکی در داخل شهر و دو پل دیگر در مسیر کمربندی شهر قرار دارند و نواحی غربی و شرقی را به یکدیگر متصل می‌کنند.

ساخت و سازهای جدیدی که در بالادست رودخانه صورت گرفته و سیب از بین رفتن درختان جنگل و مراتع شده است، مانع از نفوذ جریان آب ناشی از باران می‌شود. این پدیده، همراه با عوامل دیگر دست به دست هم دادند تا سیل در پاییز سال ۷۷ خسارات جانی و مالی زیادی به شهر وارد کند. تجاوز به حریم رودخانه و تنگ شدن بستر آن، سبب شد که جریان سیل بیش از ظرفیت بستر رودخانه باشد و با سرعت زیادی از بالادست به سمت شهر حرکت کند. امروزه، بعد از گذشت چند سال، می‌توان ساخت و سازهای غیرمجازی را که در اطراف حریم این رودخانه اتفاق می‌افتند، مشاهده کرد. ولی هر چه به سمت داخل شهر پیش رویم، می‌بینیم که حریم رودخانه به فضای سبز، مراکز تفریحی و بوستان اختصاص داده شده است.

بدین ترتیب می‌توان رودخانه‌ی چشمه کیله را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در توسعه‌ی فضایی شهر تنکابن به شمار آورد. برای توسعه‌ی آتی نیز به مطالعات دقیق‌تر آن نیاز است.



تصویر ۱. نمایی از رودخانه‌ی چشمه کیله

۲. عوامل اجتماعی

بسیاری از ویژگی‌های خانوارهای شهری، حتی ویژگی‌های اقتصادی و کالبدی آن‌ها، به نوعی جزو ویژگی‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. ریچارد هرد معتقد است که همه‌ی شهرها کم یا زیاد از عوامل تجاری و سیاسی، و نیز تولیدات کارخانه‌ای و شرایط اجتماعی متأثر

می‌شوند. از نظر وی، شهر با دنیای خارج از خود تماس پیدا می‌کند و در مسیر خود در جهت خطوطی که حداقل مانع را دارا هستند، به توسعه ادامه می‌دهد [شکوئی، ۱۳۶۸: ۱۶]. در فرایند شکل‌گیری و تجلی کالبدی هر محله، ابتدا عوامل اجتماعی سبب به وجود آمدن نوعی خاص از بافت و توسعه‌ی کالبدی می‌شوند. سپس زمانی که این ویژگی‌ها یا عناصر کالبدی درهم آمیختند، هریک شروع به جذب ساکنان هم‌جنس و همگن با خود می‌کنند.

خانوارهایی که وضعیت اقتصادی خوبی دارند، عمدتاً در قسمت غربی شهر تنکابن زندگی می‌کنند. از جمله در شهرک کریم‌آباد، شهرک ستوده و کناره‌ی دریا که خانه‌های آن به صورت خانه باغ تا میدان شهید شیرودی کشیده شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در شهر تنکابن در توسعه‌های اخیر، امکان بیشتری به شکل‌گیری بافت‌های مناسب داده شده است. هر چند سطح عمده‌ای از شهر را محله‌های قدیمی دربر گرفته‌اند که دارای بافت نامنظم، تراکم زیاد جمعیتی، معابر پیچ‌درپیچ و در عین حال سلسله مراتب هستند. نمونه‌ای از این بافت‌ها را در محله‌ی «شهسوار محل» (تنکابن محل) می‌توان دید. در مقابل، شهرک جلیلی با بافت جدید و آپارتمان‌های تازه‌ساز توانسته است، چهره‌ی جدیدی به مناطق مسکونی اطراف خود بدهد.

از نظر اجتماعی، توسعه و گسترش شهر گاهی تحت تأثیر گروه‌هایی قرار می‌گیرد که محله‌های مخصوص به خود را ایجاد می‌کنند. این گروه‌ها دارای ویژگی‌های مشترک هستند. برای مثال، از نظر زبان و گویش مشترک، می‌توان ساکنان نواحی جنوب شرقی شهر تنکابن، منطقه‌ی پاسبان محل را نام برد. هسته‌ی اولیه‌ی ساکنان این منطقه را مردمانی از منطقه‌ی الموت (قزوین) تشکیل می‌دهند. اعتقاد به زندگی گروهی در این مردمان و افزایش جمعیت آن‌ها سبب شده است که سکونت آن‌ها تنها به منطقه‌ی پاسبان محل محدود نشود. در مسیر راه‌های ارتباطی بین شهر تنکابن و خرم‌آباد که فاصله‌ی کمتری تا منطقه‌ی مورد نظر دارد نیز سکونت گزیده‌اند. نمونه‌ی دیگری از این گروه‌ها را می‌توان در محله‌ی رمضانخیل و طیب محله مشاهده کرد که در قسمت جنوبی شهر واقع‌اند و جزو حریم قانونی شهر محسوب می‌شوند.



تصویر ۲. نمونه‌ای از بافت قدیمی شهر تنکابن



تصویر ۳. نمونه‌ای از بافت جدید شهر تنکابن

۳. عوامل اقتصادی

در برنامه‌ریزی برای توسعه و رشد شهر، هدف از انجام مطالعات اقتصادی، شناخت ساختار و توان‌های کنونی و بالقوه‌ی اقتصادی شهر، بررسی چگونگی تأثیر این ساختار بر شکل‌گیری کالبدی شهر در گذشته و حال و آینده و در نهایت تعیین نحوه‌ی اثرگذاری دگرگونی‌های اقتصادی بر شکل‌گیری و توسعه‌ی فیزیکی شهر است [رفیعی، ۱۳۷۱: ۲].

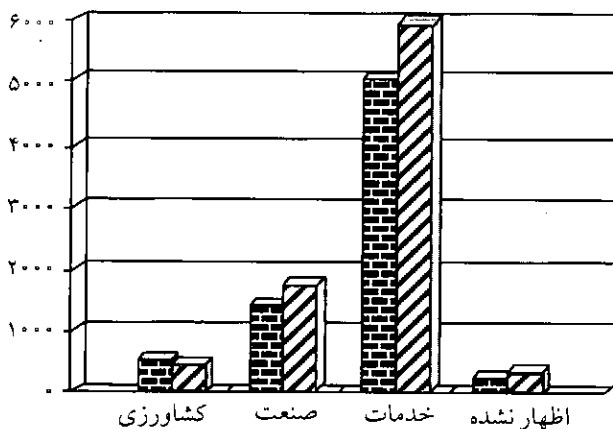
فعالیت‌های اقتصادی عواملی هستند که بر رشد شهری تأثیر می‌گذارند و انواعی از کالاها، سرویس‌ها و اطلاعات و افکار را شکل می‌دهند. زمانی که تولید به طور فضایی تمرکز یابد، تراکم اقتصادی توسعه می‌یابد [unsworth. 1998: 184].

بررسی عملکرد اقتصادی شهر تنکابن در قالب بخش‌های اصلی اقتصادی، نشان می‌دهد که دو بخش «صنایع و معادن» و «خدمات» در این شهر از عملکرد مثبتی برخوردار بوده‌اند. در مقابل، بخش کشاورزی عملکردی منفی داشته است. به عبارت بهتر، بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۷۵ نه تنها نتوانسته است در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نقشی داشته باشد، بلکه بخشی از فرصت‌های شغلی خود را (۴۴ فرصت شغلی) نیز از دست داده است. این بخش

طی این سال‌ها از نرخ رشد منفی معادل ۱- درصد برخوردار بوده و به طور مطلق ۹/۴ درصد کوچک‌تر شده است. عملکرد ضعیف این بخش اقتصادی، بیشتر به دلیل ماهیت عملکرد اقتصادی شهر و نیز استفاده از زمین در کاربری‌های غیرکشاورزی و سودآورتر بودن سایر فعالیت‌های شهری بوده است.

بخش صنایع و معادن در سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ با نرخی معادل ۲/۲ درصد رشد کرده و طی این مدت، موفق شده است، ۳۴۰ فرصت شغلی جدید ایجاد کند. این عملکرد، باعث شده که این بخش اقتصادی به طور مطلق ۲۴/۵ درصد بزرگ‌تر شود. از نظر عملکرد درونی این بخش نیز آب و برق و گاز و صنعت بیشترین گسترش فعالیت را داشته‌اند.

وضعیت بخش خدمات گویای آن است که این بخش در سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ نرخ رشدی معادل ۱/۷ درصد داشته است. این عملکرد باعث شده که بخش خدمات در سال‌های یاد شده، ۸۹۷ فرصت شغلی جدید در شهر تنکابن ایجاد کند (به طور متوسط ۹۰ شغل در سال). فرصت‌های شغلی ایجاد شده در این بخش، ۷۰/۵ درصد فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط کل بخش‌های اقتصادی شهر تنکابن در



نمودار ۱. شمار شاغلان شهر تنکابن برحسب بخش‌های سه‌گانه‌ی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵

جدول ۱. شمار شاغلان شهر تنکابن برحسب بخش‌های اصلی سه‌گانه سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ [مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵]

نرخ رشد (درصد)	اشتغال‌زایی		سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۶۵		
	شمار	سهم	شمار	سهم	شمار	سهم	
-۱	-۴۴	-۳٫۵	۴۲۶	۵٫۱	۴۷۰	۶٫۶	کشاورزی
۳٫۳	۳۴۰	۲۶٫۷	۱۷۳۱	۲۰٫۶	۱۳۹۱	۱۹٫۶	صنایع و معادن
۱٫۷	۸۹۷	۷۰٫۵	۵۹۳۷	۷۰٫۸	۵۰۴۰	۷۰٫۹	خدمات
۳٫۳	۸۰	۶٫۳	۳۹۳	۳٫۵	۳۱۳	۳	اظهار نشده
۱٫۷	۱۲۷۳	۱۰۰	۸۳۸۶	۱۰۰	۷۱۱۳	۱۰۰	جمع کل

سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ بوده است. بدین سان، نقش مؤثر بخش خدمات در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و عملکرد مناسب آن در این زمینه مشخص می‌شود.

بر اساس آمار موجود و مطالعات انجام شده در بخش‌های قبل، می‌توان نتیجه گرفت که شهر تنکابن از نقش و عملکردی خدماتی با جهت‌گیری به سمت صنایع و معادن برخوردار است.

در آخر می‌توان عنوان کرد که به خاطر باصرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی، کشاورزان زمینه را برای قطعه‌بندی و فروش زمین‌های خود فراهم دیده‌اند. این اقدام در چند سال اخیر با توجه به بالا رفتن قیمت زمین، شدت زیادی پیدا کرده است. به تبع آن، کشاورزان با سرمایه‌ی زیاد وارد شهر می‌شوند و به شغل‌های خدماتی روی می‌آورند که این امر از یک طرف باعث افزایش جمعیت شهر تنکابن و از طرف دیگر نابودی مزارع و باغات می‌شود.



تصویر ۴. نمونه‌ای از تغییر کاربری زمین در شهر تنکابن

۱۳۸۴، یعنی در مدت ۱۸ سال، حدود ۶۰۰ هکتار به مساحت ناخالص تنکابن اضافه شده و در همین مدت، ۱۰۱۸۲ نفر به جمعیت این شهر افزوده شده است. یعنی به ازای هر ۱۶/۸ نفر، یک هکتار افزایش مساحت [طرح جامع شهر تنکابن، ۱۳۸۰]. میانگین سن جمعیت در شهر تنکابن برابر با ۲۶/۶ سال است و ۵۰ درصد جمعیت آن زیر ۴/۲۳ سال سن دارند.

شهرستان تنکابن طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵، منطقه‌ای مهاجر فرست بوده است. این نرخ برای مناطق شهری ۱/۹۳ درصد و برای مناطق روستایی ۰/۵۴ درصد بوده است. شدت تأثیر مهاجرت بر جمعیت شهر، به طور متوسط سالانه ۰/۵ درصد بوده است. به لحاظ جنسیت نیز مردان بیش از زنان در معرض مهاجرت بوده‌اند و از لحاظ سنی سنین ۵۴-۲۵ سال بالاترین تأثیرات مهاجرت را پذیرفته‌اند.

شهر تنکابن مرکز اداری، تجاری، خدماتی و... منطقه است. همین امر سبب شده است که نیروی جوان روستا، به دلیل کاهش فعالیت‌های کشاورزی و فروش زمین‌ها، وارد شهر شود و به کارهای خدماتی و ساختمانی بپردازد. پس لزوم توجه به حوزه‌ی نفوذ شهر، زمینه‌ی مطالعات دقیق‌تر در این باره را فراهم می‌سازد.

حوزه‌ی نفوذ شهر تنکابن، ۶۷/۳۶۴ نفر جمعیت دارد. از این تعداد، ۹/۸۷۱ نفر در مناطق شهری و ۵۷/۴۹۳ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند. نرخ رشد جمعیت این حوزه در سال‌های اخیر، معادل ۰/۷۳ درصد بوده است.

۵. شبکه‌های ارتباطی موجود در شهر

یکی از عوامل مؤثر در رشد و گسترش فضایی شهرها، گسترش و توسعه‌ی شبکه‌های ارتباطی است. خیابان‌ها و میدان‌ها در گستره‌ی روابط شهری، ضمن ارتباط نزدیک با یکدیگر، از جمله عناصر مهم در عرصه‌ی ترکیب‌بندی و ریخت‌وارگی شهری محسوب می‌شوند. لذا در طراحی این شبکه‌ها باید نهایت دقت به عمل آید؛ زیرا ضمن این که استخوان‌بندی شهر را شکل می‌دهند، بین عناصر شهری از کمیت بالایی نیز برخوردار هستند [اوزین، ۱۳۷۸: ۱۹۴].

خیابان‌ها و جاده‌های شهری از دو جنبه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. عملکرد (نوع بهره‌برداری) که خود به سه گروه کلی تقسیم می‌شود: راه‌های شریانی درجه ۱، راه‌های شریانی درجه ۲، و خیابان‌های محلی.

۲. طرح هندسی [سعیدینا، ۱۳۸۱: ۱۶].

شهر تنکابن از نظر ساختار شبکه‌های ارتباطی، دارای نوعی شبکه‌ی خطی است که به صورت متقاطع با شبکه‌ی اصلی ترکیب شده است. اکثر خیابان‌های جمع‌کننده، پخش‌کننده و محلی تنکابن بدون نظم خاصی شکل گرفته‌اند. بافت نیمه‌روستایی شهر در اغلب مناطق، به خصوص جنوب و جنوب شرقی و جنوب غربی، شبکه‌ی نامنظمی را تشکیل می‌دهند.

۴. عوامل جمعیتی

تراکم کلی جمعیت شهر تنکابن را می‌توان از دو وجه نگاه کرد:

الف) تراکم در برنامه‌های مصوب (دوره‌های قبلی): تاکنون برای تنکابن یک طرح، تحت عنوان «طرح‌های شهری» تهیه و تصویب شده است. این طرح در سال ۱۳۶۶ از طرف مهندسین مشاور «طرح و بنا» ارائه شد و افق آن سال ۱۳۷۶ بود. بر اساس گزارشات ارائه شده در آن سال، شهر تنکابن با ۹۶۰ هکتار وسعت و ۲۹۳۱۸ نفر جمعیت، تراکمی ناخالص برابر با ۳۰/۵ نفر در یک هکتار داشته است.

ب) تراکم جمعیت در وضع موجود: بر اساس مطالعات به عمل آمده در سال ۱۳۸۴، تراکم نسبی یا تراکم ناخالص جمعیتی تنکابن با احتساب ۱۵۶۵ هکتار مساحت و بیش از ۴۵۲۵۰ نفر جمعیت، ۲/۲۷ نفر در هر هکتار برآورد شده است. با مقایسه‌ی این تراکم با تراکم سال ۱۳۶۶ (۳۰/۵ نفر در هر هکتار)، توسعه و گسترش شهر خود را به عنوان عامل اصلی این کاهش مطرح می‌کند. از سال ۱۳۶۶ تا سال

بررسی‌ها نشان می‌دهد که شهر تنکابن فاقد راه شریانی درجه یک است. به بیان دیگر، چون شبکه‌ی راه‌های اصلی موجود، به دلیل تداخل کارکرد، نقش خیابان‌های شریانی درجه ۲ یا محلی را نیز بر عهده دارند، برای راه شریانی درجه یک مناسب نیستند. اگر چه بخشی از خیابان‌های شهر از لحاظ هندسی دارای عرض کافی برای سرویس‌دهی هستند، اما نبود تسلسل کافی و رعایت نشدن سلسله‌مراتب در گذرگاه‌های درجه دو و سه‌ی شهری، مشکلاتی را در جابه‌جایی ایجاد کرده است. برعکس، خیلی از خیابان‌ها با این که راه شریانی درجه دو نیستند، به خاطر این که در جابه‌جایی نقش اول را دارند، به عنوان معابر شریانی درجه دو مورد استفاده قرار می‌گیرند.

لازم به توضیح است، کمربندی فردوسی شرقی شهر تنکابن که در چند سال گذشته به قیمت از بین رفتن باغات و مزارع اطراف شهر به وجود آمده است، دیگر جواب‌گوی حجم ترافیک شهر نیست و در ایام تعطیلات با ترافیک سنگینی روبه‌رو می‌شود. البته با ارزش شدن زمین‌های اطراف کمربندی سوداگران زمین را واداشته است که با خرید زمین و ساخت و ساز در اطراف آن، زمینه را برای توسعه‌ی فضایی شهر فراهم سازند. اگر چه کمربندی دوم شهر در دست احداث است، ولی می‌توان این مشکلات را برای آینده نیز پیش‌بینی کرد.

۶. عوامل سیاسی و اداری

با نگاهی به سیمای شهرهای ایران، می‌توان به اهمیت نقش دولت و سازمان‌های اداری آن در شکل‌گیری سیمای شهرها پی برد. ایجاد فضاهای اداری و خدماتی شهرها، شامل مراکز اداری، فرهنگی، فراغتی، و... نمونه‌هایی از نقش دولت در تغییر سیمای شهر به شمار می‌روند.

از آن‌جا که شهر تنکابن جاذبه‌های طبیعی دست‌نخورده‌ای دارد، هر سال، به خصوص در ایام تعطیلات و فصل تابستان، جهانگردان زیادی را به سوی خود می‌کشاند. دیدن مناظر زیبای طبیعی دو هزار و سه هزار و پارک جنگلی چال‌دره در منطقه‌ی قلعه گردن که امکانات خاصی را به سوی خود جلب کرده‌اند، چهره‌ی ماندگاری را در اذهان بینندگان خود به جای می‌گذارند. رودخانه‌ی چشمه کیله به عنوان پدیده‌ای طبیعی و منحصر به فرد، چشم‌انداز زیبایی را فراهم ساخته است.

لازم به توضیح است که فقط جاذبه‌های طبیعی شهر تنکابن را نمی‌توان عامل مؤثر در رشد و توسعه‌ی شهر به حساب آورد. وجود مراکز آموزشی، از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، با تنوع رشته‌های متعددی که دارد، زمینه را برای تحصیل جوانان سایر نقاط کشور فراهم کرده و نیاز به مسکن دانشجویی را افزایش داده‌اند. بیشتر ساخت و سازهای اطراف دانشگاه، به ایجاد خوابگاه برای دانشجویان اختصاص یافته‌اند. مانند مجتمع آزادی و پلاژهای ساحلی که در تابستان جمعیت زیادی را به سمت خود می‌کشاند.

جدیداً برای راحتی مسافران، مکان‌های اقامتی دائم و موقتی نیز فراهم کرده‌اند. چنین ساخت و سازهایی را می‌توان در انتهای محدوده‌ی قانونی شهر دید. جاذبه‌ی گردشگری در منطقه، زمینه را برای ساخت هتل‌های چندستاره فراهم کرده است. وجود مجتمع رشد به عنوان مکانی فرهنگی در این زمینه، شهرت خاصی دارد.

نتیجه‌گیری

شهرستان تنکابن، به خصوص شهر تنکابن، از سمت شمال به دریای خزر و از سمت جنوب به کوه‌های البرز ختم می‌شود. همین امر سبب شده است که شکل آن به صورت خطی باشد. اما در چند سال اخیر، زیر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، سیاسی، و اداری از این حالت درآمد، و به سمت نواحی جنوب و جنوب غربی متمایل شود. وجود رودخانه‌ی چشمه کیله در منطقه، عامل طبیعی مؤثری در توسعه‌ی فیزیکی و فضایی شهر تنکابن به شمار می‌رود. لازم به توضیح است که نقش توپوگرافی و شیب شهر کم و بیش قابل رؤیت است. از نظر توپوگرافی، فضاها‌ی غیر قابل دست‌رس، یا به فضاها‌ی سبزه‌تعلق دارند و یا به زیر ساخت و ساز می‌روند.

از نظر اقتصادی، تفاوت‌های مکانی منابع اقتصادی و ثروتی در شهر، موجب اختلال در چشم‌اندازهای شهری شده است. در مرکز شهر تنکابن، بیشتر شاهد رشد بخش خدمات هستیم. شهر تنکابن بیشتر به خاطر جاذبه‌های توریستی و کشاورزی آن شناخته شده و می‌توان گفت که بیکاری در لابه‌لای مناظر طبیعی زیبای شهر پنهان است.

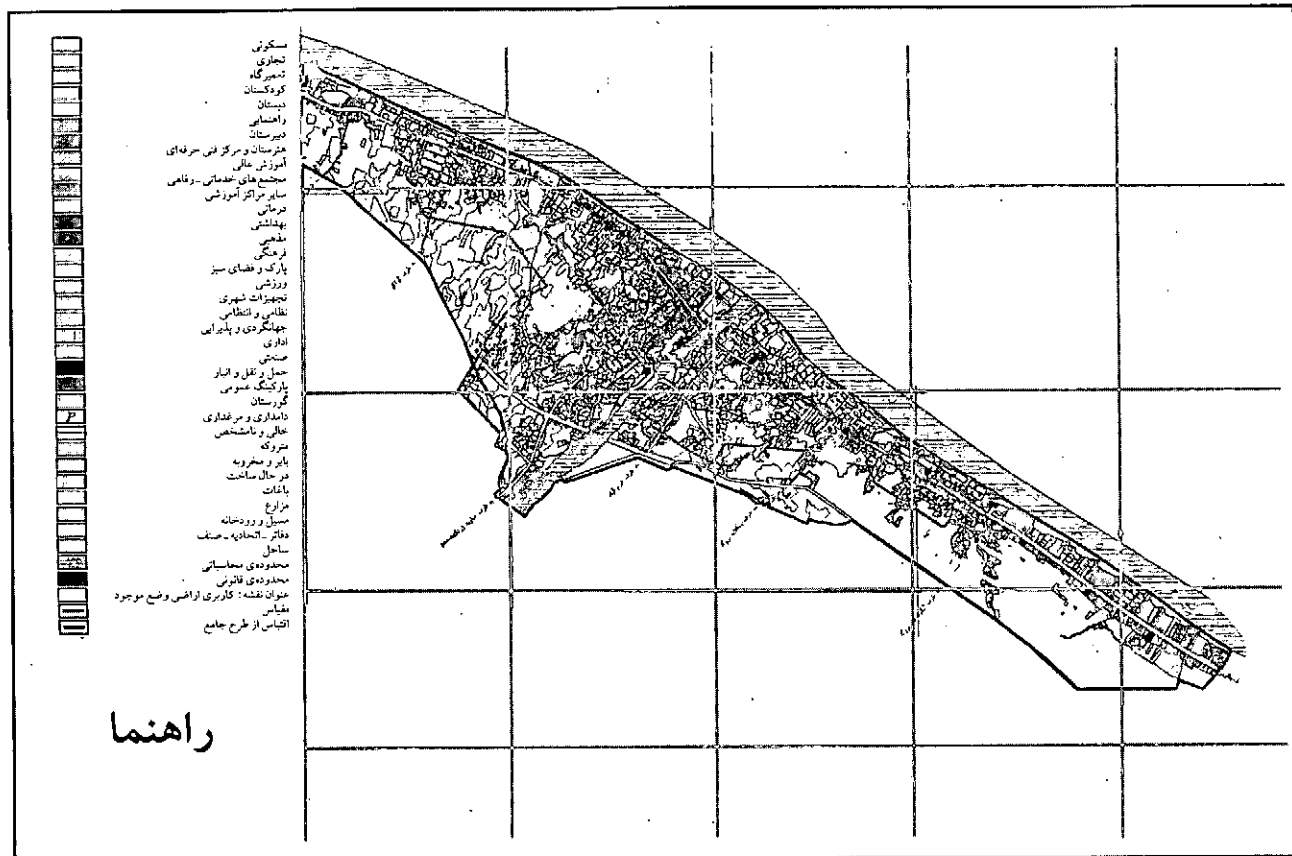
نکته‌ی مهم این است که افزایش قیمت زمین در روستا و حوزه‌ی نفوذ شهر در سال‌های گذشته، روستاییان را متمول کرده و سبب شده است که اکثر آن‌ها به خرید اتومبیل روی آورند و یا با خرید خانه در شهر ساکن شوند.

از جمعیت نیز می‌توان به عنوان عامل مؤثر در رشد و توسعه‌ی شهر تنکابن نام برد. آمارهای سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نشان می‌دهند که جمعیت مناطق شهری در حال افزایش است و بیشترین جمعیت حوزه‌ی نفوذ در مناطق روستایی قرار دارند. بنابراین، اگر برنامه‌ریزی درستی در زمینه‌ی توسعه‌ی روستاها و بهبود معیشت روستاییان صورت نگیرد، حرکت جمعیتی از سوی این مناطق به سمت شهر تنکابن شدت خواهد یافت و بر معضلات و مشکلات شهری خواهد افزود.

پدیده‌های اجتماعی نیز جزو عوامل تأثیرگذار در توسعه‌ی شهر تنکابن شناخته شده‌اند. در مناطقی که دارای هسته‌ی قدیمی هستند، با وجود بافت نامنظم و معابر پیچ‌درپیچ، هنوز افراد مسن اصرار دارند در این محله‌ها زندگی کنند. تمایل به زندگی گروهی در برخی از اقوام ساکن شهر تنکابن، مثل محله‌ی الموتی‌ها نیز سبب شده

تنکابن، ایجاد جاده‌ی کمربندی دیگری که از نزدیکی جاده‌ی طیب محله می‌گذرد و جاده‌ی خرم‌آباد را قطع می‌کند، در دستور کار قرار گرفته است و مراحل مقدماتی خود را می‌گذراند. این اقدام از جمله سیاست‌های اتخاذ شده از طرف مسئولان شهری در این زمینه است.

است که در یک محله با افزایش جمعیت روبه‌رو باشیم و امکانات محله جواب‌گوی زندگی آن‌ها نباشد. این نیروی اضافی، در نزدیکی محله‌ی خود شروع به اقامت می‌کنند و زمینه را برای گسترش محله فراهم می‌سازند. برای رفع مشکلات حمل و نقل و ارتباطات در شهر



زیرنویس

© دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور. تهران.

۵. شکویی، حسین (۱۳۸۲). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (ج ۱). انتشارات سمت. تهران.

۶. شکویی، حسین (۱۳۶۸). اکولوژی اجتماعی شهر. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران.

۷. طرح توسعه و عمران حوزه‌ی نفوذ (جامع) شهر تنکابن (ج ۲). ۱۳۸۰.

۸. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان تنکابن.

۹. وزین، غلامرضا (۱۳۷۸). سامان‌دهی شهری. نشر درخشش. مشهد.

10. Unsworth, R (1998). Making City Histories in Museums, Leicester university Press pub, London, P: 184.

منابع

۱. اصغری مقدم، محمدرضا (۱۳۷۸). جغرافیای طبیعی شهر (۱)، ژئومورفولوژی. انتشارات قومس. تهران.
۲. رفیعی، مینو (۱۳۷۱). مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (اقتصاد). مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. تهران.
۳. زمردیان، محمدجعفر (۱۳۸۱). کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی. انتشارات پیام نور. تهران.
۴. سعیدی‌نیا، احمد (۱۳۸۱). کتاب سبز شهرداری (حمل و نقل شهری ج ۳).

با توجه به دیدگاه‌های غالب و خاص اقتصادی در امر مسکن که به تشکیل فضاهای کوچک انجامیده است، می‌توان گفت منازل کوچک نمی‌توانند ارضای نیازهای روحی و روانی افراد را فراهم بیاورند و به تعالی فکری و روحی مردم بینجامند [پورافکاری، ۱۳۷۵: ۲۵۴]. بر همین اساس، در این مقاله، پیامدهای انبوه‌سازی و کوچک‌سازی مسکن، از قبیل پیامدهای محیطی، روانی، فرهنگی و اجتماعی بررسی شده‌اند.

الف) پیامدهای محیطی و کالبدی

اغلب پروژه‌های انبوه‌سازی، در مناطق حاشیه‌ای شهرها یا به عبارت دیگر در نقاطی انجام می‌شود که زمین‌های کشاورزی از مطلوبیت بالایی برخوردارند. بنابراین، استفاده از این زمین‌ها نه تنها باعث از بین رفتن زمین‌های کشاورزی می‌شود، بلکه در بافت مناطق

مسکن به عنوان یکی از نیازهای اساسی، از نخستین مسائلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و برای دگرگون‌سازی آن و یافتن راهکارهای مناسب و معقول در این باره، همیشه کوشیده است [اهری، ۱۳۶۷]. در کشور ما طی چند سال گذشته، به منظور تأمین مسکن بر سه اصل پس‌انداز، انبوه‌سازی و کوچک‌سازی تأکید شده که مترتب بر اهداف اجتماعی است؛ هر چند این تلاش‌ها بر اساس حداقل‌های موجود، قابل قبول هستند، اما در مجموع، پایین‌تر از استانداردهای الگویی مصرف مسکن عمل شده است. روشن است که این تعبیر با دیدگاه دومین اجلاس اسکان بشر که در آن تهیه فضای مناسب و آسایش مطلوب را مهم‌ترین ارکان مسکن مناسب دانسته‌اند، چندان همخوانی ندارد [دلال‌پور محمدی، ۱۳۷۹: ۱۳].

بهنام مغانی رحیمی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

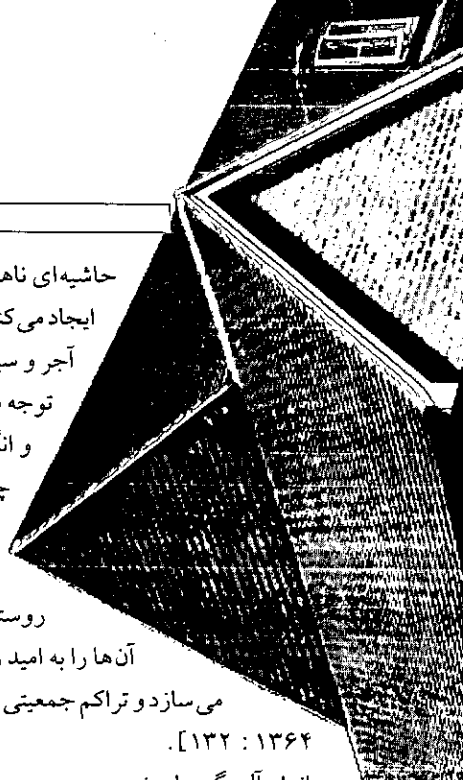
علی بیرمی پور

دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و دبیر آموزش و

پرورش فارس

نگاهی به پیامدهای منفی انبوه‌سازی و کوچک‌سازی واحدهای مسکونی





حاشیه‌ای ناهمگونی کالبدی و اجتماعی ایجاد می‌کند و ترکیب نامأنوسی از انسان، آجر و سیمان را به دست می‌دهد. با توجه به این که اکثر مردم شهر رغبت و انگیزه‌ی چندانی به زندگی در چنین مساکنی ندارند، غالباً اجاره‌ی آن‌ها زیاد نیست و این موضوع سبب تحریک روستاییان به مهاجرت می‌شود. آن‌ها را به امید زندگی بهتر، روانه‌ی شهرها می‌سازد و تراکم جمعیتی شهرها را سبب شوند [رفیعی، ۱۳۶۴: ۱۳۲۲].

انواع آلودگی‌های زیستی، بصری، صوتی، آب، خاک و هوا، از تبعات منفی افزایش تراکم در محدوده‌هایی است که انبوه‌سازی رواج یافته است. یکی از وجوه انبوه‌سازی، آلودگی‌های بصری است. به عبارت دیگر، ساکنان آپارتمان‌ها از طریق انبار کردن وسایل اضافی، گذاشتن کانال‌های کولر و خشک کردن لباس در بالکن‌های ساختمان‌ها، چهره‌ی زشتی به شهر می‌دهند. این امر ناشی از ناکافی بودن فضای داخلی مسکن است که ممکن است در تمامی مناطق شهری، چه جنوب شهر و چه شمال آن رخ دهد. به علاوه، افزایش تراکم ساختمانی و به تبع آن افزایش خودرو، آلودگی بیشتر صوتی را فراهم می‌سازد. هم‌چنین، از آن‌جا که طرح‌های انبوه‌سازی در مراکز شهرها و احیاناً بافت قدیمی انجام می‌شود، تبعات منفی فراوانی در بافت قدیم شهرها برجای می‌گذارد. از هم‌گسیختگی فیزیکی بافت قدیمی و اضمحلال تدریجی آن، از نتایج این‌گونه طرح‌هاست. که باعث از بین رفتن این‌گونه آثار با ارزش تاریخی می‌شود. کوچک‌سازی هم‌چنین سبب کم‌عرضی پله‌ها و پاگردها، محدودیت در مساحت بالکن‌ها و ایوان‌ها، فقدان فضای کافی برای خشک شدن لباس، و زشت شدن نمای ساختمان‌ها در اثر وجود پنجره‌های متعدد می‌شود [افراخته، ۱۳۷۵: ۱۱۵].

تک‌بعدی‌نگری و یا به عبارت دیگر غفلت از برنامه و طرح‌های مناسب شهرسازی، یکی از تبعات منفی انبوه‌سازی است که می‌توان از آن به جزئی‌نگری تعبیر کرد. در واقع به جای آن که برنامه و طرح شهری تعیین‌کننده‌ی وضعیت معماری، مسکن، تراکم طبقات، مدیریت و خدمات‌رسانی باشد، طرح‌های انبوه‌سازی هستند که تبعات خویش را به شهر و مدیران شهری تحمیل می‌کنند. یکنواختی این بناها از نظر

شکل، طرح، فضاها، عمومی و خصوصی، مصالح و ابعاد، فضاها، کسالت‌آوری ایجاد می‌کنند که تبعات روانی فراوانی برای ساکنان در پی دارند. می‌توان گفت که این بناها نیازهایی مانند بازی، مطالعه، استراحت، تفکر و تعامل با دیگران را برآورده نمی‌کنند [رضازاده و عدالتی رنجبر، ۱۳۸۵: ۶۳].

یکی دیگر از مشکلات پروژه‌های انبوه‌سازی کشور، موضوع «عدم صلاحیت فنی سازندگان» آن‌هاست [بحرینی، ۱۳۷۷: ۲۴۹]. از مهم‌ترین دلایل شکست این پروژه‌ها، تمایل به کسب حداکثر بهره‌ی اقتصادی، انتخاب مصالح نامناسب و عدم صلاحیت فنی سازندگان است.

ب) پیامدهای روانی

دیرزمانی است که تأثیرات محیط زندگی بر چگونگی شکل‌گیری رفتار و رشد ذهنی و جسمی انسان‌ها، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. اکنون بر همگان روشن است که انسان‌ها و محیط پیرامون آن‌ها در مقیاس‌های خرد و کلان، در ارتباط و تأثیرگذاری متقابل قرار دارند [بهرزوفر، ۱۳۷۵: ۲۰۷].

احساس غربت یکی از مهم‌ترین تبعات منفی زندگی در شهرهای بزرگ و به‌طور حاد در طرح‌های انبوه‌سازی و کوچک‌سازی است که در مدت زمانی کوتاه، جمعیت زیادی را از نقاط گوناگون و با تمایزات فرهنگی متفاوت، در یک مکان جمع می‌کند. تنهایی، از خودبیگانگی، ساختار شکنی و فشارهای روانی که جامعه‌ی متراکم شهری بر شهروندان تحمیل می‌کند، باعث افزایش افسردگی، خودکشی، الکلیسم، اعتیاد، پرخاشگری، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، انواع جرم و جنایت، بالا رفتن میزان طلاق و هم‌چنین نداشتن علاقه به شرکت در مسائل اجتماعی می‌شود.

پیش‌زمینه‌ی اجرای طرح‌های انبوه‌سازی، همسان دیدن افراد است که تبعات منفی خاصی دربردارد. در این طرح‌ها، به شخصیت‌های متفاوت روانی و اجتماعی افراد و خانواده‌ها توجهی نمی‌شود و به خانه و مسکن به مثابه ماشین نگریسته می‌شود. چنین تفکری، بحران هویت و از خودبیگانگی را در انسان‌ها تقویت می‌کند. علاوه بر این، چون این طرح‌ها مطابق میل و نیاز ساکنان طراحی و ساخته نمی‌شوند، احساس بیگانگی و غربت انسان با محیط زندگی خود را تشدید می‌کنند و عملاً امنیت روانی ساکنان را فراهم نمی‌سازند.

برای مسکن مناسب، تعریف‌های متعددی ذکر شده است. از جمله: مسکن مناسب جایی است که از ازدحام بیش از حد در امان باشد [داوری، ۱۳۸۲: ۱۳۳].

با وجود متنوع بودن ابعاد کیفی و نیازهای متفاوت انسان، چگونه می‌توان از مسکن همسان و مشابه برای گروه‌ها و افراد متفاوت بهره گرفت؟ چگونه می‌توان از تبعات و تأثیرات فضای معماری بر فرهنگ و روان انسان غفلت کرد؟ [مخبر، ۱۳۶۳: ۱۱] واقعیت این است که در طرح‌های جدید و به ویژه در تقسیم فضاها، به آداب و رسوم زندگی در خانواده‌های ایرانی توجهی نشده. به همین دلیل نیز خانواده‌ی ایرانی نمی‌تواند از فضاهای این گونه واحدهای ساختمانی به گونه‌ای که پیش‌بینی شده است، استفاده کند.

ج) پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

از نظر اجتماعی، مسکن یکی از عوامل اساسی تعادل و پابرجایی اجتماعی انسان به‌شمار می‌رود. مسکن حافظ کیان خانواده و روابط بین اعضای آن است. داشتن مسکن مناسب مانند سایر نیازهای بشر، از حقوق اولیه‌ی انسان‌ها محسوب می‌شود [افراخته، ۱۳۷۵: ۱۱۳]. شهرهای ایران در گذشته از الگوی سلسله‌مراتبی منظمی برخوردار بوده‌اند؛ هر شهری بنا بر مقتضیات محیطی و اقتصادی، جمعیتی متناسب و متعادل داشت. ولی در چند دهه‌ی اخیر، رشد شتابان جمعیت شهری، کلان‌شهرهایی را به وجود آورد که کوچک‌سازی مسکن از تبعات آن به‌شمار می‌آید.

از دحام و تراکم بالای انسان‌ها در یک مکان، آشنایی‌ها و گمنامی انسان‌ها تقلیل می‌دهد و زمینه و بستر مناسبی برای تضعیف اصول اخلاقی و یا به عبارت دیگر، بی‌توجهی به مبانی اعتقادی و اخلاقی را سبب می‌شود. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهند که بی‌توجهی به مبانی اخلاقی به‌طور عام در داخل شهرهای بزرگ و به‌طور خاص در واحدهای آپارتمانی، بسیار بیشتر از شهرهای کوچک و روستاهاست. برای مثال، مطالعه‌ی ۱۲۰۰ دانش‌آموز دبستانی از چهار منطقه‌ی آموزش و پرورش شهر تهران نشان داد که پس از سطح تحصیلات والدین، عامل تراکم یکی از مطرح‌ترین عوامل در تعیین چگونگی پیشرفت تحصیلی کودکان است. این پژوهش هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که تراکم بیش از حد در خانه، تنها روی کودکان

تأثیر نمی‌گذارد، بلکه تمامی افراد ساکن در آن خانه را شامل می‌شود [بهرزفر، ۱۳۷۵: ۲۱۰].

یکی دیگر از معایب همسان‌سازی مسکن، از بین بردن هویت بارز شهرهاست. به گونه‌ای که در این همسان‌سازی، همه‌ی شهرها از نظر سیمای کالبدی، یکنواخت و کسالت‌آور می‌شوند. در صورتی که «هویت هر شهری، بیانگر هویت فکری، فرهنگی، تکنیکی و شیوه‌ی زیست‌ا اهالی خویش است» [نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۱].

از دیگر پیامدهایی که می‌توان بر این امر مترتب دانست، دگرگونی سریع فرهنگ جامعه‌ی شهری و به‌ویژه نقاط متراکم آن به سوی دنیابردستی و شرایط غیرمعنوی است. روشن است که در جوامع کوچک و روستایی، احترام به سنت‌ها و اعتقادات دینی مورد توجه قرار می‌گرفت، ولی با تراکم بیش از حد انسان، معنویت و اصول اخلاقی به‌طور جدی تهدید می‌شود و انسان عصر حاضر با چالش‌های بزرگ و بحث‌برانگیز روبه‌رو شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

روشن است که احداث مسکن کوچک و انبوه با توجه به شرایط جامعه‌ی کنونی ایران، به‌ویژه شرایط اقتصادی زوج‌های جوان و خانواده‌های کم‌درآمد، امری اجتناب‌ناپذیر است. حذف و نادیده گرفتن آن، نه تنها اصولی نیست، بلکه می‌تواند خطرآفرین نیز باشد. ساخته‌نشدن مسکن ارزان‌قیمت، علاوه بر متراکم‌شدن نقاط شهر، می‌تواند موجبات بی‌اطمینانی به آینده و در پی آن بی‌رغبتی به امر ازدواج را در خیل عظیم جمعیت جوان که در شرایط کنونی جامعه‌ی ایران از حساسیت ویژه‌ای نیز برخوردار است، سبب شود. بنابراین، منطقی‌تر آن است که به جای حذف انبوه‌سازی مسکن، برنامه‌ریزان به‌طور جدی به دنبال راهکارهایی اساسی برای کاهش اثرات و پیامدهای منفی این مقوله باشند. در این جا به چند مورد از این راهکارها به‌طور اجمالی اشاره می‌شود:

- در طراحی و ساخت پروژه‌های انبوه‌سازی، باید از یکنواختی و هم‌شکلی ساختمان‌ها اجتناب شود.



۹. رضازاده، راضیه و عدالتهی رنجبر، محمود (۱۳۸۵). تأثیرات کوچک سازی واحدهای مسکونی بر نیازهای خدماتی و سرنانه های خدماتی. فصل نامه ی اقتصاد مسکن. شماره های ۳۷ و ۳۸.
۱۰. مخیر، عباس (۱۳۶۳). ابعاد اجتماعی مسکن. سازمان برنامه و بودجه. تهران.
۱۱. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵). تأملی در شناخت جایگاه مسجد در شهر اسلامی. مجله ی دانش نما. شماره های ۱۴۲ و ۱۴۳.

تنوع ساخت می تواند در کاهش پیامدهای روانی این گونه واحدها مؤثر باشد.

- تقلیل طبقات به ۳ یا ۴ طبقه، علاوه بر صرفه جویی در قیمت زمین، از افزایش هزینه های ساخت و ساز متصور بر واحدهای بلند مرتبه به میزان قابل توجهی خواهد کاست.

- توسعه ی فضای سبز بوستان و (پارک) در کنار واحدهای انبوه سازی مفید خواهد بود.

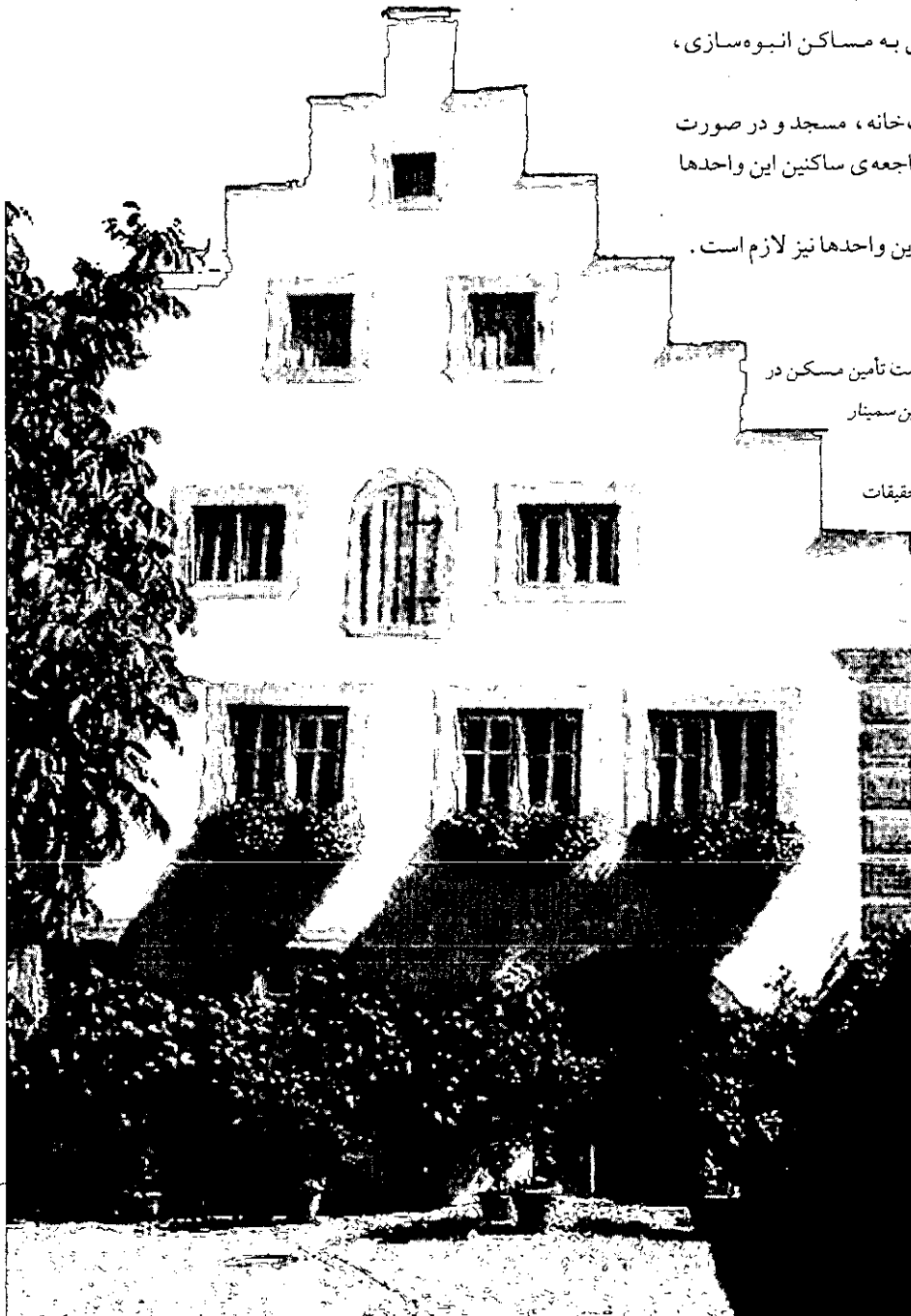
- تعریض کوچه و خیابان های منتهی به مساکن انبوه سازی، نتیجه بخش است.

- مراکز علمی و فرهنگی مانند کتاب خانه، مسجد و در صورت امکان مدرسه ابتدایی تأمین شود تا از مراجعه ی ساکنین این واحدها به نقاط دیگر شهر کاسته شود.

- ایجاد مراکز خرده فروشی در کنار این واحدها نیز لازم است.

منابع

۱. افراخته، حسن (۱۳۷۵). نقد و بررسی سیاست تأمین مسکن در شهرهای کوچک (مطالعه ی موردی چابهار). سومین سمینار سیاست های توسعه ی مسکن در ایران.
۲. اهری، زهرا (۱۳۶۷). مسکن حداقل. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. تهران.
۳. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷). فرایند طراحی شهری. دانشگاه تهران. تهران.
۴. بهروزفر، فریبرز (۱۳۷۵). مسکن و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن. مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست های توسعه ی مسکن در ایران.
۵. پور افکاری، نصرالله (۱۳۷۵). الگوی حجم فضایی مسکن از دیدگاه فرهنگی. مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست های توسعه ی مسکن در ایران.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲). شهر و ساکنانش. مجله ی نامه ی فرهنگ. شماره ی ۴۷.
۷. دلال پور محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹). برنامه ریزی مسکن. انتشارات سمت. تهران.
۸. رفیعی، مینو (۱۳۶۴). خانه سازی در جهان سوم. مرکز مدارک اجتماعی و اقتصادی. تهران.



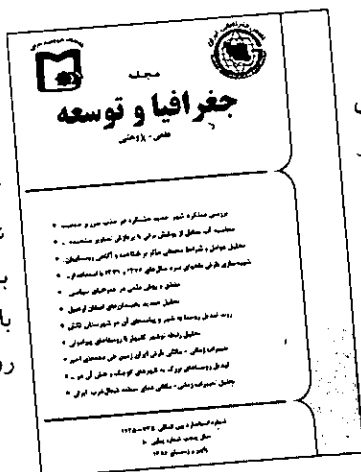
مجله انتشار



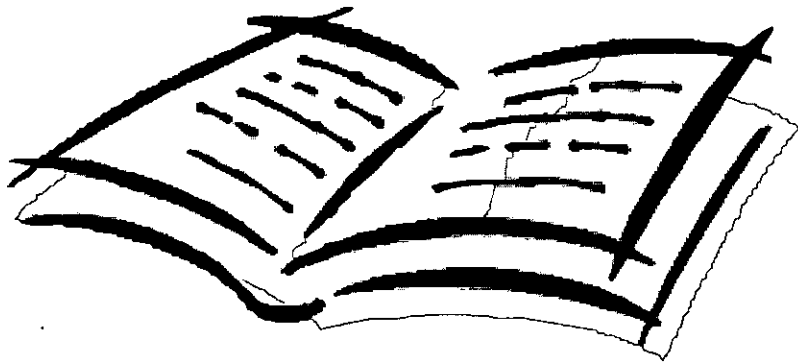
کورش امیری نیا

انتشار مجله جغرافیا و توسعه
 دهمین شماره‌ی مجله جغرافیا و توسعه پژوهش‌کنده‌ی
 علوم زمین و جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان در پاییز و
 زمستان ۱۳۸۶، با این مقالات منتشر شد. بررسی عملکرد
 شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت، محاسبه‌ی آب
 معادل از پوشش برفی با پردازش تصاویر سنجنده...، تحلیل
 عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی
 روستاییان...، شبیه‌سازی بارش ماه‌های سرد سال‌های

۱۳۷۶ و ۱۳۷۹ با استفاده از...، منطق و
 روش علمی در جغرافیای سیاسی، تحلیل
 همدید یخچندان‌های استان اردبیل، روند
 تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در
 شهرستان تالش، تحلیل رابطه‌ی نو شهر گلبهار
 با روستاهای پیرامونی، تغییرات زمانی-مکانی
 بارش ایران زمین طی دهه‌های اخیر، تبدیل
 روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن



مختار



مختار

و محصولات زراعی و جنگلی شده و در تلطیف هوا و جلوگیری از فرسایش خاک تأثیر عمده دارد. اگر این سرمایه خدادادی حفظ نشود، کمبود مواد غذایی، فرسایش قشر مفید خاک و هدر رفتن آب را به دنبال می آورد. از طرف دیگر حفظ منابع طبیعی یک حوضه آبخیز می تواند جلوی فرسایش، انتقال رسوب، سیل های مخرب و بروز خشکسالی را بگیرد و ضمن تأمین پایداری رژیم آبی و حفظ مهندسی رودخانه ها، بهره برداری بهینه از منابع طبیعی و آبی حوضه آبخیز را فراهم آورد. با توجه به مطالب مذکور، توجه به مسائل آب، خاک و آبخیزداری در هر کشوری به ویژه ایران ضروری و لازم است. بر این اساس کتاب مقدمه ای بر آبخیزداری در هشت فصل به شرح زیر تألیف شده است.

فصل اول: کلیات (تعاریف، مفاهیم، چهارچوب و تاریخچه آبخیزداری)

فصل دوم: مطالعه ی ویژگی های حوضه آبخیز
فصل سوم: فرسایش خاک در حوضه ی آبخیز و ضرورت شناخت آن
فصل چهارم: اقدامات مکانیکی جهت کنترل فرسایش
فصل پنجم: فعالیت های لازم در اصلاح و احیاء آبخیزها
فصل ششم: پخش سیلاب و تغذیه ی مصنوعی سفره های آبدار زیرزمینی
فصل هفتم: بررسی حفاظت آب، خاک و آبخیزداری در هندوستان
فصل هشتم: پیوست ها
مطالعه ی این کتاب را به دانشجویان رشته ی جغرافیا و سایر رشته های مرتبط توصیه می کنیم.

در... و تحلیل تغییرات زمانی - مکانی دمای منطقه شمال غرب ایران. شد آموزش جغرافیا مطالعه ی این مجله را به استادان، دبیران، دانشجویان رشته ی جغرافیا و سایر رشته های مرتبط توصیه می کند.

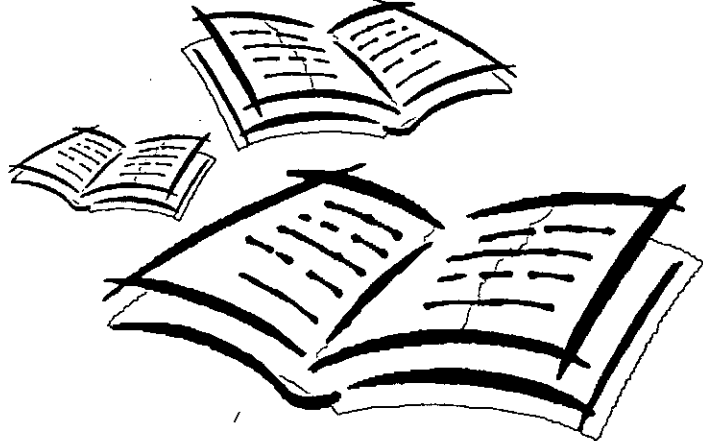
مقدمه ای بر آبخیزداری

مؤلف: دکتر کمال امیدوار
ناشر: انتشارات دانشگاه یزد
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶
قیمت: ۳۷۵۰۰ ریال



حفظ آب و خاک برای هر کشور به عنوان سرمایه هایی بسیار ارزشمند دارای اهمیت زیادی است، زیرا آب و خاک باعث رشد گیاه





مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا مطالعه‌ی این اطلس را به دبیران و دانشجویان رشته‌ی جغرافیا و سایر رشته‌های مرتبط توصیه می‌کنیم.

اطلس عمومی ایران

ناشر: سازمان نقشه برداری کشور

نوبت چاپ: اول/۱۳۸۶



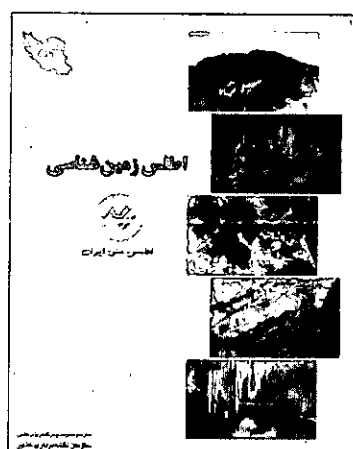
ویرایش دوم اطلس عمومی ایران شامل نقشه‌ها و نمودارهای پراکنندگی شاخص‌های کلان کشور در بخش‌های طبیعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. از ارایه‌ی روند چند ساله موضوعات در این اطلس، امکان مقایسه را برای کاربر میسر نموده است. مطالب این اطلس شامل روند تغییرات عناصر تقسیمات کشوری و سابقه‌ی آن از سال ۱۳۱۶ تاکنون در مقاطع مختلف، وضعیت جغرافیای طبیعی ایران شامل ناهمواری‌ها، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، اقلیم و محیط‌زیست کشور، اطلاعات مربوط به جغرافیای انسانی شامل جمعیت، آموزش، بهداشت و شهر و شهرسازی و جغرافیای اقتصادی ایران با تأکید بر زیربخش‌های کشاورزی و دامپروری، ارتباطات، حمل و نقل، گردشگری، انرژی، صنعت و معدن و بازرگانی می‌باشد. مطالعه‌ی این اطلس را به دبیران، دانشجویان رشته‌ی جغرافیا و سایر رشته‌های مرتبط توصیه می‌کنیم.

اطلس ملی ایران - زمین‌شناسی

ناشر: سازمان نقشه برداری کشور

نوبت چاپ: اول/۱۳۸۲

گستره‌ی ایران از نظر پدیده‌های زمین‌شناسی بسیار متنوع و کم‌نظیر می‌باشد، به طوری که برخی از چشم‌اندازهای طبیعی و یا زمین‌شناسی



در کشور منحصر به فرد بوده و اغلب در کتب زمین‌شناسی که توسط دانشگاه‌های معتبر جهان انتشار می‌یابد بدان‌ها اشاره می‌گردد. از این رو تهیه و انتشار اطلس زمین‌شناسی ضروری به نظر می‌رسد.

اطلس زمین‌شناسی در هفت فصل به شرح زیر تألیف شده است.

فصل اول: جغرافیای طبیعی ایران

فصل دوم: زمین‌شناسی عمومی

فصل سوم: زمین‌ساخت ایران

فصل چهارم: لرزه زمین‌ساخت ایران

فصل پنجم: دگرگونی در ایران

فصل ششم: ماگماتیسم در ایران

فصل هفتم: زمین‌شناسی اقتصادی



اخبار جغرافیایی

برگزاری کارگاه آموزشی تغییر اقلیم

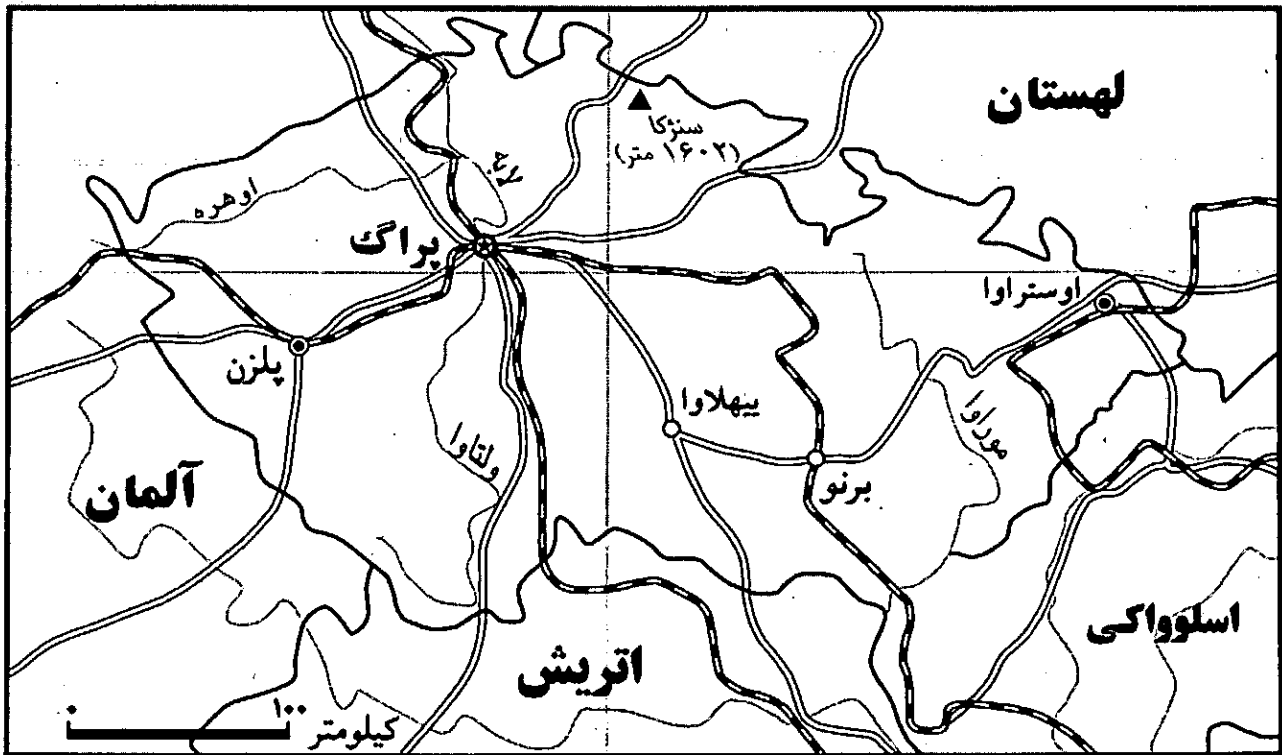
گروه جغرافیای سازمان آموزش و پرورش استان خراسان رضوی با هدف آشنایی دبیران رشته‌ی جغرافیا با پدیده‌های اقلیمی و تغییرات اقلیمی حادث شده در سال‌های اخیر، کارگاه یک‌روزه‌ای در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۷ با همکاری مرکز ملی اقلیم‌شناسی و اداره کل هواشناسی خراسان رضوی و با شرکت بیش از ۵۵ نفر از سرگروه‌های درس جغرافیای استان خراسان رضوی برگزار کرد. این کارگاه که با حضور چند تن از اساتید، دکتر حبیبی، حاجی‌زاده، غلامعلی بیرقدار، دکتر بابائیان، مهندس لیلی خزانه‌داری، مهندس احمدیان و سرگروه‌های محترم درس جغرافیای استان خراسان رضوی تشکیل شد، موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

- مبانی تغییر اقلیم
 - دورنمای تغییر اقلیم کشور
 - تحلیل خشکسالی خراسان رضوی در سال‌های گذشته
 - آموزش نرم‌افزار اقلیم‌شناسی
- در پایان نیز جلسه‌ی پرسش و پاسخ برگزار شد.

آشنایی با کشورهای جهان

سعید بختیاری

مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی



جنوب به اتریش . کوه های بوهم نواحی غربی این سرزمین را در بر گرفته اند و ارتفاعات موراوی ، دشت پراگ در شمال را از دشت موراوی در جنوب جدا می کنند . کوه سنژکا با بلندی ۱۶۰۲ متر ، مرتفع ترین قله ی این ارتفاعات است . کشور چک به وسیله ی رودخانه های ولتاوا ، اورا ، لابه (البه) و موراوا که ریزابه های دانوب هستند ، مشروب می شود .

نام رسمی : جمهوری چک

نام محلی : چسک (Cesk)

نام بین المللی : چک ((CZECH(CZ))

موقعیت جغرافیایی : کشور چک در مرکز اروپا جای دارد و از همه سو در خشکی محصور است ؛ از غرب و شمال غربی به آلمان ، از شمال خاوری به لهستان ، از جنوب خاوری به اسلوواکی و از

آب و هوا: اقلیم سرزمین چک معتدل، مرطوب و بارانی است، تصاعد گازهای سمی دی اکسید گوگرد که محصول نیروگاه‌های الکتریکی این کشور است، ریزش باران‌های اسیدی را موجب می‌شود. آلودگی هوا زیان فراوانی به نواحی جنگلی وارد آورده و حدود سه چهارم درختان کشور را عاری از برگ کرده است. آلودگی آب‌های سطحی نیز مسئله‌ی مهم دیگری را پیش آورده و فاضلاب نواحی صنعتی و معادن، خلوص و قابلیت شرب آب‌های سطحی و حتی زیرزمینی را به خطر انداخته است.

جمعیت: براساس آمار سال ۲۰۰۶، چک جمعیتی بالغ بر ۱۰/۲۶۰/۰۰۰ نفر دارد که از این نظر هفتاد و هفتمین کشور جهان به‌شمار می‌رود. از این تعداد، ۷۴/۳ درصد ساکن شهرها و ۲۵/۷ درصد ساکن روستاها (۲۰۰۳) هستند. تراکم جمعیت در کشور چک نیز ۱۳۰ نفر در هر کیلومتر مربع است.

توزیع سنی: براساس آمار سال ۲۰۰۵، ۱۴/۹ درصد افراد زیر ۱۵ سال، ۲۲/۱ درصد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۱/۳ درصد بین ۳۰ تا ۴۴ سال، ۲۲ درصد بین ۴۵ تا ۵۹ سال، ۱۳/۶ درصد بین ۶۰ تا ۷۴ سال و ۱۹/۷ درصد نیز بیش از ۷۵ سال سن دارند. متوسط عمر مردان ۷۲/۶ سال و زنان ۷۹/۴ سال (۲۰۰۴) است.

تولد و مرگ و میر: طبق آمار سال ۲۰۰۵، میزان تولد، ۱۰ نفر در هر هزار نفر و میزان مرگ و میر، ۱۰/۵ نفر در هر هزار نفر است. میزان مرگ و میر کودکان نیز، ۳/۷ نفر در هر هزار تولد است (۲۰۰۴).

ترکیب نژادی: در سال ۲۰۰۱، حدود ۹۰/۱ درصد جمعیت کشور، نژاد چک، ۳/۶ درصد موروایی، ۱/۸ درصد اسلواک، ۰/۵ درصد لهستانی و ۴ درصد از بقیه نژادها بوده‌اند.

مذهب و زبان: براساس اطلاعات سال ۲۰۰۰، ۴۳/۸ درصد جمعیت چک کاتولیک، ۳۱/۹ درصد بدون دین، ۳/۱ درصد پروتستان و ۲۱/۲ درصد بقیه‌ی ادیان بوده‌اند. زبان‌های رایج این کشور، چکی (زبان رسمی)، اسلواکیایی و لهستانی هستند که با خط لاتین نوشته می‌شوند.

پایتخت: شهر پراگ با ۱/۱۷۰/۵۷۱ نفر جمعیت (۲۰۰۵)، پایتخت کشور چک است و شهرهای مهم آن عبارت‌اند از: برنو (۳۶۷/۷۲۹ نفر)، اوستراوا (۳۱۱/۴۰۲)، پلزن (۱۶۲/۶۲۷)، اولوموتس (۱۰۰/۷۵۲) و لیبرتس (۹۷/۴۰۰ نفر).

نوع حکومت: جمهوری چک چندحزبی با دو مجلس

قانون‌گذاری است. از سال ۱۹۹۳، رئیس حکومت، رئیس‌جمهور (از ۲۰۰۳) واتسلاو کلاوس و رییس دولت، نخست‌وزیر، میرک توپولانک (از سال ۲۰۰۶) هستند.

قوه‌ی مقننه از یک مجلس نمایندگان با ۲۰۰ عضو به مدت ۴ سال و مجلس سنا با ۸۱ عضو به مدت ۶ سال تشکیل می‌یابند. کرسی‌های مجلس نمایندگان با ۲۰۰ عضو به مدت ۴ سال و مجلس سنا با ۸۱ عضو به مدت ۶ سال تشکیل می‌یابند. کرسی‌های مجلس نمایندگان را در سال ۲۰۰۲ به ترتیب احزاب: سوسیال دموکرات (۷۰ کرسی)، دموکرات شهروندان (۵۸)، کمونیست (۴۱)، دموکرات مسیحی (۲۲) و اتحاد آزادی (۹ کرسی) در اختیار داشتند. جمهوری چک در تاریخ ۱۰/۲۸/۱۹۱۸ از امپراتوری «اتریش-مجارستان» مستقل شد و روز ملی این کشور بیست و هشتم اکتبر، روز استقلال آن است. این جمهوری در سال ۱۹۹۳ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و علاوه بر آن در سازمان‌های زیر عضویت دارد:

کنفرانس تجارت و توسعه‌ی ملل متحد (UNCTAD)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی، IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، انجمن بین‌المللی توسعه (IDA)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی کشتی‌رانی (IMO)، اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات راه دور (ITU)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه‌ی صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه‌ی جهانی پست (UPU)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، سازمان تجارت جهانی (WTO)، شورای اروپا، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE)، و انجمن بازرگانی آزاد اروپای مرکزی (CEETA).

کشاورزی و صنایع: محصولات عمده‌ی این کشور را غلات (شامل گندم، جو و ذرت)، شکر، چغندر قند و سیب‌زمینی تشکیل می‌دهند (۲۰۰۴) و مهم‌ترین صنایع آن عبارت‌اند از: فلزات اساسی و ساخته‌شده، مواد غذایی، مواد نوشیدنی، فرآورده‌های دختانی،



دفتر انتشارات کمک آموزشی

آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

مجلات دانش آموزی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند)

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجلات علمی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند)

رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه رشد معلم (دو هفته نامه)

مجلات تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند)

○ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای

مجلات رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش - پلاک ۲۶۸ - دفتر انتشارات کمک آموزشی
◆ تلفن و نمابر ۸۸۸۳۹۱۸۶

تجهیزات الکتریکی و اپتیکی، تجهیزات حمل و نقل، دستگاه ها و ماشین آلات غیربرقی، شیشه، سیمان، سرامیک، محصولات لاستیکی و پلاستیکی.

در سال ۲۰۰۰، ۴۳ درصد خاک کشور چک را کشاورزی، ۱۲/۴ درصد مرتع و چمنزار و ۳۴/۱ درصد جنگل تشکیل می داده است و دام های زنده ی آن خوک و گاو بوده اند. هم چنین این کشور در همین سال حدود ۸۴/۳۳۳ میلیون کیلووات ساعت برق، ۱۳/۳۱۰/۰۰۰ تن زغال سنگ، ۴۸/۶۷۰/۰۰۰ تن لیگنیت، ۲/۱۰۰/۰۰۰ بشکه نفت خام، ۴/۷۹۲/۰۰۰ تن فراورده های نفتی و ۲۲۳/۰۰۰/۰۰۰ مترمکعب گاز طبیعی تولید و استخراج کرده است. میزان صید ماهی آن نیز در سال ۲۰۰۳، معادل ۲۴/۷۹۷ تن برآورد شده است.

نیروی کار: براساس آمار سال ۲۰۰۴، تعداد نیروی کار در کشور چک، ۵/۱۳۷/۸۰۰ نفر بوده است که ۵۰/۳ درصد جمعیت را تشکیل می داده اند. شاغلان بالای ۱۵ سال ۷۰/۱ درصد، زنان ۴۴/۱ درصد و افراد بی کار ۸/۹ درصد بوده اند.

واحد پول: کرون چک (Kč) معادل ۱۰۰ هالر است. هر دلار آمریکا معادل ۲۱/۹۳ کرون چک و هر کرون چک معادل ۴۲۵/۴ ریال است.

تولید ناخالص ملی: در سال ۲۰۰۵، تولید ناخالص ملی چک به ۱۰۹/۱۹۹/۰۰۰/۰۰۰ دلار آمریکا بالغ شد و میزان سرانه ی آن حدود ۱۰/۷۱۰ دلار آمریکا بود.

واردات: کشور چک در سال ۲۰۰۴ حدود ۱/۷۴۶/۶۷۱ میلیون کرون چک کالا وارد کرده است که عمدتاً شامل: ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل (۳۱/۱ درصد)، مواد شیمیایی (۱۰/۴ درصد)، وسایل نقلیه ی موتوری (۹/۸ درصد)، فلزات اساسی و ساخته شده (۷/۶ درصد) بوده است. این کالاها، از کشورهای آلمان (۳۱/۷ درصد)، اسلواکی (۵/۴ درصد)، ایتالیا (۵/۳ درصد)، چین (۵/۲ درصد) و لهستان (۴/۸ درصد) وارد شده اند.

صادرات: در سال ۲۰۰۴، حدود ۱/۷۲۳/۷۳۱ میلیون کرون چک کالا شامل: ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل (۳۴/۱ درصد)، وسایل نقلیه ی موتوری (۱۵/۷ درصد)، محصولات فلزی ساخته شده (۶/۶ درصد) و فلزات اساسی (۶ درصد)، به کشورهای آلمان (۳۶/۲ درصد)، اسلواکی (۸/۵ درصد)، اتریش (۶ درصد)، لهستان (۵/۳ درصد) و انگلستان



شرايط:

۱. واریز مبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست
۲. ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک

- + نام مجله:
- + نام و نام خانوادگی:
- + تاریخ تولد:
- + میزان تحصیلات:
- + تلفن:
- + نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان:
- پلاک: کد پستی:

- + مبلغ واریز شده:
- + شماره و تاریخ رسید بانکی:
- + آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست پیشتاز هستید؟ بله خیر

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی
نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
پست الکترونیک: info@roshdmag.ir
شماره مشترکین: ۷۷۲۳۵۱۱۰ - ۷۷۲۳۶۶۵۶
پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۸۸۸۳۹۲۳۲

یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک می باشد.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است)

(۴/۷ درصد)، صادر شده است.

ارتش: در سال ۲۰۰۶، ارتش این کشور حدود ۲۲/۲۷۲ نفر را در اختیار داشته است که از این تعداد، ۷۴/۸ درصد در نیروی زمینی و ۲۵/۲ درصد در نیروی هوایی مشغول خدمت بوده اند. هزینه‌ی سرانه ارتش در سال ۲۰۰۳ حدود ۱۸۱ دلار آمریکا بوده است.

حمل و نقل: طول خطوط راه آهن در سال ۲۰۰۴، بالغ بر ۹۴۴۱ کیلومتر و طول راه‌های اتومبیل‌رو در سال ۲۰۰۲، ۱۲۷۶۷۲ کیلومتر بوده است. هم‌چنین در سال ۲۰۰۴، تعداد ۳۸۱۵۵۴۷ دستگاه اتومبیل سواری و ۳۹۱۳۸۵ اتوبوس و کامیون در این کشور مشغول به کار بوده‌اند. در سال ۲۰۰۱ نیز دو فرودگاه با پروازهای زمان‌بندی شده در این کشور فعال بوده‌اند.

ارتباطات: در سال ۲۰۰۳، تعداد ۵۴۸۸۰۰۰ گیرنده‌ی تلویزیونی (۵۳۸ دستگاه برای هر هزار نفر)، ۳۲۱۷۳۰۰ خط تلفن (سال ۲۰۰۵، ۳۱۵ خط برای هر هزار نفر)، ۱۱۷۷۵۹۰۰ خط تلفن همراه (۱۱۵۲ خط تلفن برای هر هزار نفر)، ۲۴۵۰۰۰۰ دستگاه رایانه‌ی شخصی (۲۴۰ رایانه برای هر هزار نفر)، ۵۱۰۰۰۰۰ اشتراک اینترنت (۵۰۰ اشتراک برای هر هزار نفر) و هم‌چنین تعداد ۱۸۶۱۰۰۰ نسخه روزنامه (۱۸۲ نسخه برای هر هزار نفر) استفاده شده است.

بهداشت: طبق آمار سال ۲۰۰۴، تعداد ۴۰۳۷۱ پزشک (هر ۲۵۳ نفر یک پزشک) و ۶۵۴۸۸ تخت بیمارستانی (برای هر ۱۵۶ نفر یک تخت بیمارستانی) در کشور چک وجود داشته است.

تغذیه: مواد مصرفی سالانه در سال ۲۰۰۳، به طور متوسط ۳۳۰۸ کالری انرژی داشته‌اند که ۷۵ درصد آن از مواد نباتی و ۲۵ درصد از فرآورده‌های حیوانی تأمین شده است. حداقل کالری مصرفی ۱۳۴ درصد بوده که توسط سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) توصیه شده است.

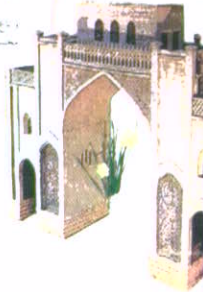
آموزش: نرخ باسوادی در سال ۲۰۰۱، حدود ۹۹/۸ درصد بوده است. جدول زیر خلاصه‌ای از نسبت‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی کشور چک را در سال تحصیلی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ نشان می‌دهد:

دوره‌ی تحصیلی	تعداد مدرسه	تعداد معلم	تعداد دانش‌آموز	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدایی	۳,۷۸۵	۶۳,۲۶۷	۹۱۷,۷۳۸	۱۴/۵
متوسطه	۲۴۵	۱۲,۱۱۸	۱۴۳,۲۳۸	۱۱/۸
فنی و حرفه‌ای	۱,۳۰۵	۳۲,۶۲۰	۴۱۸,۶۳۹	۱۲/۸
عالی	۲۰۰	۱۷,۹۵۴	۳۰۴,۷۲۱	۱۷

جغرافیای استان فارس



شیراز، فارس، فرهنگ و تمدن شهر و بخش هندوستان
 یکی از کهن‌های دیرینه و یکی از چهارمین شهرهای
 تاریخی و مذهبی ایران است. این شهر با داشتن
 ۱۰۰۰ سالگی و یکی از چهار شهر مهم و جهانی در این استان
 به‌شمار می‌آید.



شماره: ۱۳۷ / ۲۳۷ / ۱
 ISBN: 964-05-09995-7

۲۳۷/۱

۱۳۸۷

لیست در تمام کشور - ۳۳۰ ریال

جغرافیای استان تهران



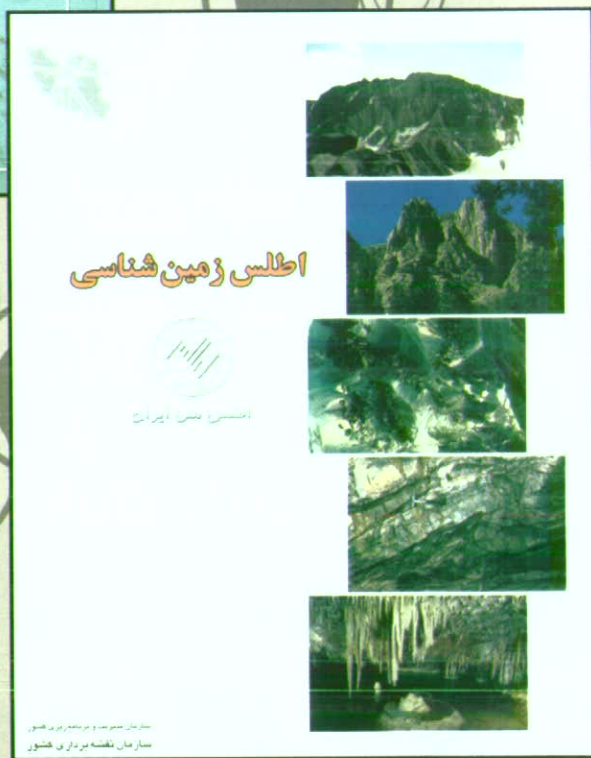
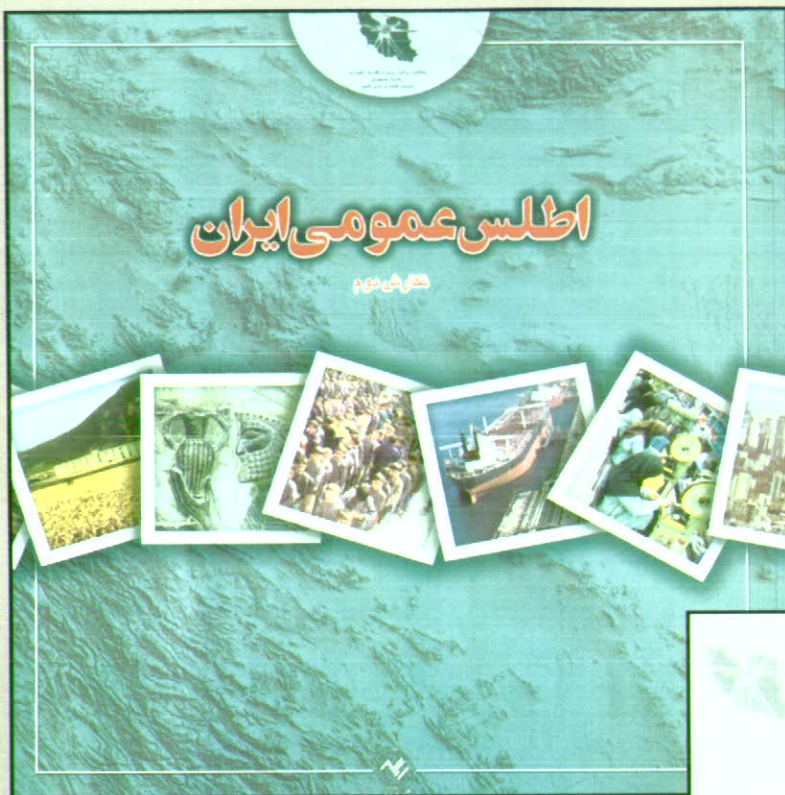
شهر تهران، پایتخت جمهوری اسلامی ایران است که
 از نظر جمعیت و وسعت، بزرگترین شهر ایران است. این شهر
 در فاصله ۳۰ کیلومتری از شمال غربی تهران قرار دارد و
 یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی و فرهنگی کشور است.
 این شهر با داشتن ۱۰۰۰ سالگی و یکی از چهار شهر
 مهم و جهانی در این استان به‌شمار می‌آید.
 این شهر با داشتن ۱۰۰۰ سالگی و یکی از چهار شهر
 مهم و جهانی در این استان به‌شمار می‌آید.

شماره: ۱۳۷ / ۲۳۷ / ۱
 ISBN: 964-05-09995-7

۲۳۶

۱۳۸۷

لیست در تمام کشور - ۳۱۰ ریال



انقلاب اسلامی ایران جغرافیای سیاسی جهان را به
 نفع مستضعفان تغییر داد
 سی امین سالگرد انفجار نور مبارک باد